

فهرست

کاربست نظریه کرین بریتون با انقلاب‌های ۲۰۱۱ م کشورهای عربی (مطالعه موردی لیبی و یمن)	۷
روش‌شناسی راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام	۳۳
نقش رژیم صهیونیستی در تنش‌های ایران-آذربایجان و بایسته‌های رویکرد دفاعی ایران.....	۵۷
نقش رهبری «امامین انقلاب» در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران	۸۱
نقش رسانه ملی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.....	۹۷
واکاوی مفهوم «زن»؛ «زندگی»؛ «آزادی» در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظنه العالی)	۱۱۵



کاربست نظریه کرین برینتون با انقلاب‌های ۲۰۱۱ م کشورهای عربی (مطالعه موردی لیبی و یمن)

پیمان باقری تلواژگانی^۱، محمدجواد هراتی^۲

چکیده

تبیین نظریه انقلابی کرین برینتون با انقلاب‌های جوامع غیراروپایی به خصوص جهان اسلام اهمیت زیادی دارد. از این رو، برای آزمودن نظریه برینتون به بررسی دو انقلاب لیبی و یمن پرداخته‌ایم که تا چه حد با این نظریه انقلابی قابل تطبیق هستند؟ (هدف)؛ روش پژوهش این مقاله با توجه به رویکرد جامعه‌شناختی آن، از نوع توصیفی-تحلیلی داده‌ها و تطبیقی-مقایسه‌ای، در چارچوب ساختاری نظریه برینتون می‌باشد (روش)؛ نتایج به دست آمده حاکی از آن است که لیبی تمام مراحل پیش از انقلاب مبنی بر رشد اقتصادی، تنازعات طبقاتی، تغییر بیعت روشنفکران و... را طی کرده، ولی یمن مرحله رشد اقتصادی را تجربه نکرد. علاوه بر این برینتون اشاره‌ای به تأثیر نیروهای خارجی ندارد؛ در حالی که انقلابیون لیبی به واسطه کمک‌های خارجی به پیروزی رسیدند و صالح در یمن به دلیل فشارهای بین‌المللی مجبور به استعفا گردید. هم‌چنین در مرحله دوم نظریه که چارچوب نظری انقلاب است؛ از میان مراحل چهارگانه میانه‌روها، تندروها، عصر وحشت و ترمیدور، لیبی و یمن در مرحله میانه‌روها به دلیل جنگ و آشوب داخلی، مراحل بعدی انقلاب را تجربه نکردند. بنابراین نظریه انقلاب برینتون هم‌خوانی کاملی با دیگر جوامع به خصوص اسلامی ندارد (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: نظریه کرین برینتون، دوره‌های انقلاب، تطبیق پذیری، انقلاب

لیبی، انقلاب یمن

دوره ۱۳، شماره ۱،
پیاپی ۳۱ بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۷/۱۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۰/۰۹
صص: ۳۲-۷

شاپا: ۲۳۲۲-۵۶۴۵

رتبه علمی

ب

پژوهشی فصلت گواهی شد
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.1.1.2

۱. دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا، مدرس دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران

(نویسنده مسئول) peymanbagheri065@gmail.com

۲. استاد گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

مقدمه

انقلاب‌ها معمولاً به دنبال تغییرات اساسی و پایه‌ریزی نظمی جدید در جوامع به وجود می‌آیند. وقتی مشکلات فزاینده دولت، باعث از هم پاشیدگی داخلی شود؛ انقلاب‌ها به حرکت در می‌آیند (گلدستون، ۱۳۸۷: ۱۴). انقلاب‌ها با دو پرسش اساسی روبه‌رو هستند: ۱. جامعه چگونه باید سازماندهی شود؟ ۲. بهترین راه بازسازماندهی در صورت لزوم چیست؟ پاسخ پرسش اول متضمن آن است که ترتیبات اجتماعی از دید کسانی که درصدد تغییر هستند؛ مطلوب و رضایت بخش نیست. در پاسخ دوم باید گفت که روش‌های متفاوتی برای بازسازماندهی جامعه از اقناع تا اجبار وجود دارد (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۵). با وجود اختلاف نظر در تعریف کلمه انقلاب، به طور نسبی انقلاب را باید یک حرکت مردمی در جهت تغییر سریع باورهای مسلط نهادهای سیاسی، اجتماعی، رهبری و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه تلقی کرد که معمولاً با خشونت توأم می‌باشد (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۴). به همین دلیل شناخت علل و عوامل انقلاب‌ها همواره مورد توجه نظریه‌پردازان قرار می‌گیرد.

نظریه‌پردازان نسل اول انقلاب^۱ با نادیده‌گرفتن عقلانیت و هدفمندی گروه‌هایی که منافع خود را دنبال می‌کنند؛ تنها به توصیف ویژگی‌های قابل مشاهده در جوامع خاصی پرداخته و عوامل علی انقلاب را مدنظر قرار نمی‌دادند. آن‌ها با شناسایی مراحل اصلی فرآیند انقلابی به توصیف تحولات اجتماعی و جمعیتی انقلاب‌ها می‌پرداختند (ملکوتیان، ۱۳۹۱: ۳۱). بسیاری از نتایج این پژوهشگران در موارد متعددی معتبر و در حکم قانون تلقی می‌شود که کرین بریتون یکی از پژوهشگران این مرحله محسوب می‌شود (گلدستون، ۱۳۸۷: ۱۵).

در میان انقلاب‌های جهان معاصر، -بهار عربی یا بیداری اسلامی- در سال ۲۰۱۱ م که از کشور تونس آغاز و به دیگر کشورهای عربی گسترش یافت؛ متاخرترین انقلاب‌ها در جهان نامیده می‌شود. در این میان دو کشور لیبی و یمن پس از انقلاب، شرایط ویژه‌ای را سپری کردند که هر دو به جنگ داخلی کشانده شدند. از این رو بررسی آن‌ها اهمیت خاصی دارد. پژوهشگران این مقاله در تلاش هستند که به تطابق‌پذیری نظریه کرین بریتون در کتاب کالبدشکافی چهار انقلاب با دو انقلاب لیبی و یمن بپردازند و از این منظر وقایع دو انقلاب را مورد بررسی قرار دهند. سؤال اصلی این پژوهش بر این مبنا قرار دارد که نظریه بریتون تا چه حد قابل تعمیم و تطابق با دو انقلاب مذکور می‌باشد؟

پیشینه ادبیات پژوهشی

در خصوص تطبیق نظریه بریتون با انقلاب‌ها پژوهش‌های بسیاری انجام شده که در ذیل به

۱. از ۱۹۰۰ تا حدود ۱۹۴۰ میلادی که به نظریه‌پردازان مکتب تاریخ‌طبعی معروف هستند.

مواردی جهت هویدا شدن نوآوری پژوهش حاضر اشاره می‌گردد.

عنایت مه‌ری (۱۳۹۰) در پایان نامه‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای نظریه کرین بریتون در خصوص انقلاب‌ها با علل وقوع انقلاب اسلامی در ایران» بیان می‌کند که گرچه انقلاب‌ها شباهت‌های فراوانی دارند؛ اما تفاوت‌های اساسی نیز با یکدیگر دارند. انقلاب اسلامی تفاوت‌هایی هم‌چون اسلامی بودن، مردمی بودن و ماهیت متفاوت با این انقلاب‌ها دارد. نویسنده در این مقاله تنها دلایل انقلاب اسلامی ایران را در قالب نظریه بریتون بررسی می‌کند.

امام جمعه‌زاده و دارابی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «مشروطه‌خواهی و نقش زور در آن بر پایه یافته‌های نظری کرین بریتون» به این نتیجه می‌رسند که انقلاب‌ها زمانی از صورت بحث و جدل خارج می‌شوند که انقلابیون بر نیروهای مسلح حکومت تسلط یابند و در سوی دیگر توان عملیاتی حکومت کاهش یابد. نویسندگان تنها به بررسی یک مبحث از نظریه بریتون در خصوص انقلاب مشروطه پرداخته‌اند.

نوازنی (۱۳۸۵) در مقاله «نشانه‌های تب در انقلاب مشروطیت ایران با تکیه بر یافته‌های نظری کرین بریتون» می‌نویسد که بین انقلاب مشروطه و نظریه بریتون شباهت‌های فراوانی وجود دارد؛ اما وی توجهی به عوامل و نفوذ خارجی ندارد. نویسنده در این مقاله تنها دلایل انقلاب مشروطه را در قالب نظریه بریتون بررسی می‌کند.

راه‌چمندی و کلانتری (۱۳۹۲) در مقاله «جایگاه امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مراحل از تحول انقلاب بریتون» می‌نویسد که امام خمینی دارای نقاط اشتراک ناچیز و افتراق کمی با هر سه گروه مورد نظر بریتون دارد؛ هم‌چنین اکثر این اشتراک‌ها جنبه صوری دارند.

حاضری و نونه‌جار (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب نیکاراگوئه» به این نتیجه می‌رسند که در بسیاری از عوامل مقدماتی انقلاب، در ظاهر شباهت‌هایی وجود دارد؛ اما در بطن مسئله مابین نظریه با دو انقلاب مذکور اختلافات زیادی قابل تبیین می‌باشد. نویسندگان این مقاله نیز تنها به بررسی دلایل این دو انقلاب پرداخته‌اند.

در مقالات فوق تنها بخشی از نظریه بریتون با انقلاب‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان آن‌ها تنها در بخش دلایل انقلاب‌ها از دیدگاه بریتون به پژوهش و بررسی انقلاب‌های مختلف پرداخته‌اند. در مقاله مذکور، نویسندگان آن متاخرین انقلاب‌های دنیا - انقلاب کشورهای عربی - را در دو حوزه دلایل پیش از انقلاب و مراحل پس از انقلاب مورد بررسی قرار داده‌اند که از این منظر نظریه انقلابی بریتون در تمامی مراحل مورد بررسی قرار گرفت. هم‌چنین از این منظر که انقلاب هر دو کشور به سرانجام نرسید و درگیر درگیریهایی داخلی شدند؛ مبحث جدیدی در آزمون‌پذیری نظریه‌های انقلابی غربی به حساب می‌آید.

مفهوم انقلاب از دیدگاه برینتون

پژوهشگران زیادی در مورد معنا و مفهوم انقلاب سخن گفته‌اند که از جمله می‌توان به تعدادی از آن‌ها اشاره کرد. هانینگتون می‌نویسد: «انقلاب تحولی سریع، اساسی و خشونت‌بار در ارزش‌ها و اسطوره‌های حاکم بر جامعه و نهادهای سیاسی، ساخت اجتماعی، رهبری، فعالیت و سیاست‌های حکومتی است.» (هانینگتون، ۱۳۷۱: ۳۸۵). در نظری دیگر انقلاب طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین، علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب تلقی می‌شود (مطهری، بی‌تا، ۳۰). به طور کلی تلاش‌های موفق یا ناموفقی که به منظور ایجاد تغییراتی در ساختار جامعه و از طریق خشونت صورت می‌گیرد؛ نیز در حیطه تعاریف انقلاب قرار می‌گیرند (جانسون، ۱۳۶۳: ۱۷).

پس از انقلاب ۱۹۱۷ م روسیه؛ پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی به مطالعات تطبیقی انقلاب‌ها پرداختند (پناهی، ۱۳۸۵: ۸-۹). محققان دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ م تنها به بررسی - تاریخ طبیعی - انقلاب‌های غرب مشغول شدند. تحلیل نویسندگان این دوره از جمله برینتون، در کنار فقدان شالوده‌های تئوریک، ادعای مشخص و صریحی را در خصوص علت و زمان بروز وضعیت انقلابی در کشورها مطرح نمی‌کرد. آن‌ها در خصوص علل انقلاب‌ها، به مجموعه پراکنده‌ای از عوامل مختلف همچون روان‌شناسی توده‌ها، فروپاشی عادت‌های اجتماعی و سرکوب نیازهای اساسی غریزی، بدون در نظر گرفتن چارچوب تئوریک اشاره می‌کردند (ملکوتیان، ۱۳۹۱: ۳۱).

برینتون انقلاب را این‌گونه توضیح می‌دهد: «انقلاب از نظر سیاسی به وخیم‌ترین ناهنجاری‌ها و ناکارایی‌های رژیم پیشین پایان می‌دهد. انقلاب دست‌کم برای مدت زمانی، آن نوع کشمکش داخلی را که حاکمیت دوگانه پدید آورده بود، از میان برمی‌دارد» (برینتون، ۱۳۶۶: ۲۷۹). وی بر اساس نشانه‌های انقلاب به تعریف این حادثه می‌پردازد. الوندی می‌نویسد: «برینتون در ارائه تعریف دقیقی از واژه انقلاب ناکام می‌ماند؛ لذا تعاریف کاربردی و عملیاتی از صنعت انقلاب را برای نشان دادن رشته متغیری از دگرگونی‌ها به کار می‌برد. وی تنها برخی یکنواختی‌ها را توصیف می‌کرد و قصد جامعه‌شناسی کامل انقلاب‌ها را نداشت (الوندی، ۱۳۸۷: ۶۹-۷۱). به همین دلیل برینتون بیان می‌کند که نشانه‌های انقلاب چندان متعدد و متفاوت هستند که به سادگی آن‌ها در یک الگو قرار نمی‌گیرند (برینتون، ۱۳۶۶: ۳۱). برینتون بر اساس مدل انقلابی - اریک هوفر -، معتقد است که پیش‌زمینه انقلاب‌ها از سوی مردان به وجود می‌آید؛ اما به واسطه افراد افراط‌گرا به نتیجه می‌رسد و به دست مردان عمل‌گرا مهار شده و سپس به سطح جوامع عادی فرو بازمی‌گردد (رهبری، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

۱-۳. نشانه‌های انقلاب

برینتون در بررسی انقلاب‌ها توصیه می‌کند که باید به جستجوی نشانه‌های ناخرسندی در

گفتار و کردار افراد بپردازیم؛ اما نباید انتظار کشف تمامی علامت‌ها را در تمامی جوامع داشته باشیم (برنتون، ۱۳۶۶: ۳۱).

- رشد اقتصادی

جوامع پیش از انقلابی در رشد اقتصادی خوبی به سر می‌بردند. بنابراین انقلاب در جوامعی با اقتصاد روبه نزول، گسترده و دراز مدت رخ نمی‌دهد (برنتون، ۱۳۶۶: ۳۳). همه این جوامع از نظر اقتصادی در حال رشد و جنبش‌های انقلابی آن‌ها بیشتر ریشه در احساس تقید و بی‌زاری نسبت به حکومت می‌باشد؛ تا احساس ستم دیدگی شدید اقتصادی در میان مردم آن جوامع (برنتون، ۱۳۶۶: ۲۹۲)، به نوعی احساس محرومیت گروه‌هایی که شرایط موجود، فعالیت اقتصادی آن‌ها را محدود یا مانع شده؛ در به شورش کشاندن طبقات مختلف تأثیر فراوانی دارد (برنتون، ۱۳۶۶: ۳۶).^۱

- تغییر بیعت روشنفکران

به طور عام طبقه روشنفکران از تحولات دنیای اطراف خویش همیشه ناراضی بودند. آن‌ها علی‌رغم اختلاف در اجرای اصلاحات، معتقد به تغییرات سریع بر اساس استانداردها و معیارهای - معرفت و طبیعت- در میان مردم بودند (برنتون، ۱۳۹۰: ۳۸۵). کارکرد روشنفکران، انتقاد سخت به نهادهای موجود جامعه و آرزوی دگرگونی چشمگیر در جامعه برای کسب، کار و حکومت می‌باشد. آن‌ها را باید با گلبول‌های سفیدخون مقایسه کرد (برنتون، ۱۳۶۶: ۴۸-۴۹). گلدستون روزنامه‌نگاران، نمایش‌نامه‌نویس‌ها، معلمان و... را جزء روشنفکران قرار می‌دهد (گلدستون، ۱۳۸۷: ۱۵). آن‌ها به وضعیتی بهتر از رژیم‌های ناکارآمد پیشین فکر می‌کنند و در صدد ساخت جامعه‌ای به شیوه مد روز و ایدئولوژی انقلابی هستند (برنتون، ۱۳۶۶: ۵۵).

- طبقات و ناهمسازی‌های طبقاتی

طبقه حاکم، به معنای گردانندگان امور در برابر چشم آحاد مردم قرار دارند. سیاستمداران، کارمندان بلندپایه دولت، اشراف‌زادگان و... جزئی از این طبقه هستند (برنتون، ۱۳۶۶: ۶۰). همیشه در طول تاریخ میان طبقه حاکم و مردم به دلیل مسئله اقتصادی اختلاف نظر وجود داشته است. در جوامع انقلابی با دو کانون نارضایتی اقتصادی مردم مواجه هستیم: ۱. بینوایان که در نشانه‌های مقدماتی انقلاب، اهمیت چندانی ندارند. ۲. افرادی که شرایط اقتصادی، فعالیت آن‌ها را محدود یا مانع می‌شود. بنابراین گلایه‌های اقتصادی که معمولاً حالت پریشانی اقتصادی را دارند؛ بیشتر احساسی از سوی برخی گروه‌های صاحبکار اصلی که فرصت‌های آنها در این جهان به ناحق یا به لحاظ تدابیر سیاسی محدود شده، بروز می‌کند (برنتون، ۱۳۶۶: ۳۷-۳۸).

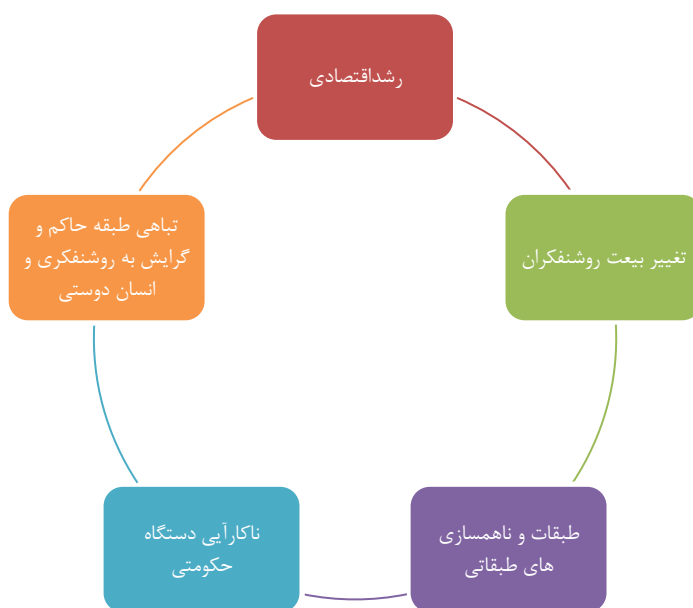
۱. اطلاعات بیشتر در صفحات ۹-۳۶.

- ناکارایی دستگاه حکومتی

ماشین حکومت تا حدی به خاطر غفلت و عدم توفیق در دگرگون ساختن نهادهای پیشین و رویارویی با شرایط جدید ناکارآمد می‌شود (برینتون، ۱۳۶۶: ۲۹۴). در این شرایط رهبران انقلابی که در عین فعال بودن، توان مقابله با حکومت را به مدت طولانی ندارند؛ به ناگاه خود را به واسطه ناتوانی رژیم پیشین، برتر و پرقدتر می‌بینند. بنابراین قدرت‌گیری ناگهانی انقلابیون به دلیل ضعف یا فلج کامل دولت می‌باشد که در نهایت انقلاب را به وجود می‌آورد (گلدستون، ۱۳۸۷: ۱۶).

- تباهی طبقه حاکم و گرایش به روشنفکری و انسان‌دوستی

در این مرحله طبقه حاکم به خود بی‌اعتماد و به سوی روشنفکری، انسان‌دوستی و گروه‌های مهاجم گرایش پیدا می‌کند (برینتون، ۱۳۶۶: ۲۹۴). زمانی که افراد حکومتی به این باور برسند که قبضه قدرت از سوی آن‌ها ناعادلانه و همه برابر و برادرنه، دیگر در برابر هر حمله جدی به مقام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خویش، مقاومت مستحکمی نمی‌کنند (برینتون، ۱۳۶۶: ۶۱). در این زمان دولت با انجام اصلاحاتی درصدد کاهش انتقادات و جذب گروه‌های دیگر می‌باشد. اما اصلاحات از یک سو نشانه ضعف حکومت در برابر مخالفان تلقی می‌شود و از سوی دیگر معترضان به اعمال فشار بیشتر شوق پیدا می‌کنند (گلدستون، ۱۳۸۷: ۱۶).



نمودار شماره ۱: نشانه‌های انقلاب

۲-۳. دوره‌های انقلاب

- ماه‌عسل:

پس از یک خونریزی نمایشی و نه چندان جدی با سقوط رژیم پیشین، نخستین مرحله انقلاب به پایان می‌رسد. این مقطع بسیار کوتاه ماه‌عسل نام دارد که مردم در مورد دوره‌ای که آرزوی آن را داشتند؛ صحبت می‌کنند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۰۶). مخالفان انقلابی به دلیل منازعات درونی وحدت خویش را از دست داده و به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند (گلدستون، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۷). این دوره در کشورهای مورد بررسی برینتون به دلیل کوتاهی زمان و آشفتگی امور، مشخص و مجزا نیست.

- میانه‌روها:

تنها انتظار از میانه‌روها، گرفتن حکومت و قدرت از دست رژیم پیشین است (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۴۵). آن‌ها برای تشکیل دولتی لیبرال، دموکراتیک و قانونی تلاش می‌کنند (گلدستون، ۱۳۸۷: ۶۶). میانه‌روها با وجود عدم هماهنگی و انضباط کم‌حزبی با وظیفه دشوار اصلاح سازمان‌های حکومتی و ایجاد نهاد نوین روبرو هستند. در حالی که نباید از کارهای عادی حکومت غافل شوند. آن‌ها با دشمنان مسلح روبرو و به زودی در یک جنگ خارجی و یا داخلی درگیر می‌شوند. تندروها پیوسته میانه‌روها را برای تلاش در توقف انقلاب متهم و برای کسب قدرت در مقابل آن‌ها به تلاش می‌پردازند. سرانجام تندورها در این دوره قدرت را به دست می‌گیرند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۴۵-۱۴۶).

- حکومت تندروها:

برینتون از این مقطع با عنوان دوران بحرانی یاد می‌کند (برینتون، ۱۳۶۶: ۲۹۶). میانه‌روها به عنوان مسئول مشکلات جامعه، جای خود را به تندروها با شعار آبادانی و توسعه می‌دهند. نقاط ضعف میانه‌روها به عنوان ویژگی‌های مثبت تندروها به حساب می‌آید (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۷۵). ویژگی‌های این دوره عبارت از جنگ‌های خیابانی، تصرف دارایی‌های دیگران به زور، بحث‌های داغ فراگیر، سرکوب‌های متعدد، تبلیغات شورش‌آمیز، عدم مراجعه به آرای عمومی، تعداد کم اعضا و پیروی از رهبرشان که هرگز در میانه‌روها یافت نمی‌شود. این رهبران از صبغه واقع بینانه و عملی برخوردارند. در نهایت، تندروها همه گروه‌های متنازع را از صحنه خارج کرده و با برقراری یک نظام متمرکز حکومتی، پایگاه خود را استوار می‌سازند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۷۴-۲۰۵).

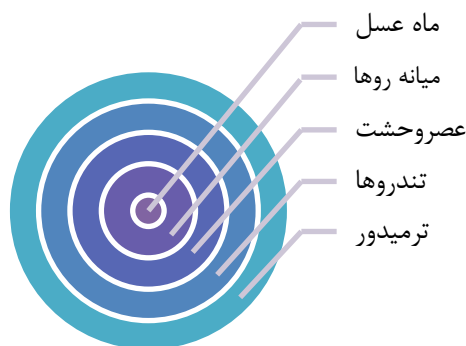
در سایه سهل‌انگاری میانه‌روها، تندروها جای آن‌ها را تصرف می‌کنند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۷۵). دسته کوچکی از انقلابیون خشن، هسته اصلی عصر وحشت را تشکیل می‌دهند. آن‌ها به دنبال ایجاد الگویی آرمانی برای انسان‌ها هستند. اعمال نظر آن‌ها در جامعه، سرکوب بخش اعظم مسائلی هست که بسیاری از افراد در طول زمان به آن عادت کرده بودند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۳۶۶).

298-297). بی‌نظمی‌های ناشی از انقلاب و اعمال کنترل شدید معمولاً به تحمیل اجباری نظم از سوی حکومتی قهرآمیز منتهی می‌شود که این دوره را عصر وحشت یا ترور می‌نامند (گلدستون، ۱۳۸۷: 17-18).

از ویژگی‌های دیگر عصر وحشت باید به: بحران اقتصادی، ستیزهای طبقاتی، گرایش رهبران به سمت افراط‌گری و در نهایت کوشش قهرمانانه‌ای برای حذف شکاف میان طبیعت بشری و آرزوهای آن، اشاره کرد (برینتون، ۱۳۶۶: 237-211).

۵/۲/۳. دوره ترمیدور:

ترمیدور دوره نقاهت پس از فرونشستن تب انقلابی می‌باشد. ویژگی این دوره استقرار نهایی خودکامه‌ای است که انقلاب او را به قدرت می‌رساند. در هر چهار انقلاب مدنظر برینتون، چنین دورانی تحقق یافت و همه آن‌ها دچار چرخش گردیدند. در این دوره، زندگی سیاسی، کم‌کم پایداری خود را باز می‌یابد. اما در حقیقت طعم خشونت سیاسی در کودتا، تصفیه‌ها و محاکمات مبتنی بر رعایت تشریفات قانونی، همچنان ادامه یافته و مردم کوچه و بازار نقشی در صحنه ندارند. به تدریج افراد تبعیدی اجازه حضور در کشور را پیدا می‌کنند و مشکلات پس از انقلاب به گردن تندروها می‌افتد. ابتدا همه در قالب نقش میانه‌روی، ولی سپس به محافظه‌کاری تغییر رویه می‌دهند؛ تا سرانجام با بازگشت دیکتاتوری و سلطنت، همه بازمانده‌های نظام‌پیشین در قالب چهره‌ای جدید به سرکار بازمی‌گردند (برینتون، ۱۳۶۶: 275-241).



نمودار شماره ۲: دوره‌های انقلاب

تعمیم نظریه برینتون با انقلاب‌های لیبی و یمن

۴. نشانه‌های انقلاب در لیبی:

۱.۴. اقتصادی^۱:

وضعیت اقتصادی لیبی گواه رشد دوبرابری درآمدهای این کشور بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ م بود ((Libyan GNP 2004-2011).^۲ در این مدت تعداد زیادی پروژه‌های صنعتی، پتروشیمی، غذایی به مرحله اجرا گذاشته شد (امیرشاهی، ۱۳۷۷: 44-45). البته رونق اقتصادی لیبی بر درآمدهای نفتی تکیه داشت (ولی پور عتیق و نصیری حامد، ۱۳۹۷: 121-122). بنابراین رونق اقتصادی لیبی مدیون کارکرد خاص دولت نبود. بلکه فروش نفت این امکان را در اختیار دولت قذافی برای اجرای طرح‌های مختلف قرار می‌داد. این مسائل سطح بالای رفاه لیبی را نسبت به دیگر کشورهای قاره افریقا نشان می‌داد. اما نکته مهم میزان استفاده و بهره‌مندی مردم از این امکانات بود.

دولت لیبی از سال ۲۰۰۳ م با لغو تحریم‌های بین‌المللی، اصلاحاتی را در زمینه‌های اقتصادی از جمله تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، لغو یارانه‌ها، پیش گذاشتن طرح‌های خصوصی‌سازی و تجدید نظر در قوانین اقتصادی را به مرحله اجرا گذاشت. اما فقدان نهادهای نظارتی در سیستم اقتصادی عامل بازدارنده‌ای برای تأثیر این رونق در جامعه بود. فساد در لیبی در زمان حکومت معمر قذافی از سال ۱۹۶۹ آغاز شد. رژیم قذافی میلیاردها دلار رشوه از شرکت‌های ثروتمند دریافت کرد تا معاملات غیرقانونی در بخش انرژی انجام دهد (Macaraniag: 2019).^۳ این امر با نظریه برینتون همسو است که سیستم حکومتی، مانع از فعالیت اقتصادی تعداد زیادی از مردم می‌شود و این احساس سرخوردگی، انگیزه حمایت از حکومت را کاهش می‌دهد.

۲.۴. اختلاف طبقاتی:

حکومت استبدادی لیبی مانع اصلی زندگی مرفه و یکسان مردم این کشور با وجود جمعیت کم آن بود. (Libya's total population 2011). در طرح‌های قذافی برای حل مشکلات اقتصادی، جایی برای رشد بخش خصوصی وجود نداشت و اقتصاد به ابزاری برای اعمال نفوذ دولت تبدیل شده بود. این مسئله نارضایتی گسترده نسل جوان کشور را به همراه داشت (واعظی،

۱. در خصوص ارائه آمارها در این مقاله با توجه به اینکه معتبرترین مراکز آمارهای جهانی، سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن می‌باشد، به همین دلیل آمار، اعداد و ارقام استفاده شده در این خصوص، از سایت‌های رسمی این مراکز گرفته شده است. لذا از استناد به سایر کتاب‌های تحقیقی در این زمینه که منبع آن‌ها همین نهادها می‌باشد؛ پرهیز شده است.

۲. بانک جهانی.

۳. borgenproject.org

۱۳۹۲: 250-249). به طور کلی فساد گسترده در سیستم دولتی و مهم‌تر از همه خود شخص قذافی مانع تحقق آرمان‌های برابری‌خواهانه در لیبی شده بود.

در مجموع ۶۵ میلیارد دلار از صندوق ثروت لیبی، سازمان سرمایه‌گذاری لیبی^۱ به جای صرف هزینه‌های عمومی در حساب‌های خصوصی نگهداری می‌شد. در حالی که تنها رژیم قذافی از دارایی‌های ملی کشور سود می‌برد؛ بیش از ۴۰ درصد جمعیت لیبی زیر خط فقر زندگی می‌کردند (Macaraniag: 2019).

بر اساس گزارش‌های سایت شفافیت بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه فساد، آمار فساد در سیستم دولتی لیبی در بخش‌های مختلف آن گسترده‌تر از فراوانی داشت. در این گزارش‌ها نام افراد بلند پایه حکومت قذافی از جمله ساهر کوسا، پسر موسی کوسا رئیس سازمان اطلاعاتی به چشم می‌خورد. این فساد دولتی در صنایع نفتی، شیمیایی، روابط با شرکت‌های خارجی، صندوق سرمایه‌گذاری مستقل لیبی و..... به چشم می‌خورد که همگی آن‌ها ریشه در دوران حکومت قذافی دارد (LIBYA'S TOP CORRUPTION SCANDALS)

۳/۴. تغییر بیعت روشنفکران:

در کنار آمار بالای روشنفکران لیبی، نرخ بیکاری در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ م به بیش از ۱۸٪ رسیده بود. (Libya 2010-2009) ۲. جوانان لیبی تحت تأثیر فضای بیکاری قرار داشتند و اقتصاد در حال رشد لیبی کمک موثری به اشتغال آن‌ها نمی‌کرد (-491: 2011: ayahan, 492). تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان لیبی، فاقد مهارت‌های لازم مرتبط با شغلشان بودند. از همین رو بیشتر شغل‌های فنی در دست مستشاران خارجی قرار می‌گرفت (هدایت، ۱۳۹۲: ۳۳). هم‌چنین در این نظام، هرگونه فعالیت حزب‌گرایی با تهدید فرآیند مزبور توسط قذافی، به بن بست سیاسی رسیده بود (فردوسی پور، ۱۴۰۲)؛ ۳. از جمله افراد شاخص مخالف حکومت می‌توان به محمد علی عبدالله، معاون دبیرکل جبهه ملی (libyan opposition warns of 'bloodbath,' calls for intervention: 2011) ۴ و فتحی تربیل (-0216-2011 libya) ۵. یکی دیگر از فعالان مدنی اشاره کرد. عدم فرصت شغلی مناسب برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، نرخ بالای بیکاری و عدم اجازه فعالیت سیاسی، دلیلی برای حمایت روشنفکران از حکومت باقی نمی‌گذاشت. این مسائل جوانان و قشر تحصیل‌کرده را در اعتراض به وضع موجود تشویق می‌نمود و آن‌ها را در کنار گروه‌های دیگر قرار داد.

۱. LIA)

۲. سایت اقتصاد تجارت.

۳. مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

4. Libyan Opposition Warns of 'Bloodbath,' Calls for Intervention.

۴/۴. ناکارایی طبقه حاکم در اصلاح امور:

اعتراضات در کشور لیبی به دلایل سکولاریسم و وابستگی به غرب، فقدان دموکراسی، عدم آزادی بیان و احزاب، شخصی‌بودن قدرت، عدم گردش سیاسی نخبگان و در کل فساد بغرنج سیاسی و اقتصادی صورت گرفت (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۹).

۱/۴/۴. فساد اقتصادی:

شاخص فساد لیبی، در سال ۲۰۱۰ به ۲/۲ رسیده بود (Libya 2010^۱). در محدوده زمانی انقلاب لیبی، شاخص آزادی سرمایه‌گذاری، اشتغال و حق مالکیت نمرات بسیار پایینی را داشتند (Libya 2011).^۲ بیش از ۱۶٪ مردم لیبی درآمد پایدار و مسکن مناسبی نداشتند. به همین دلیل دولت لیبی در تنوع بخشیدن به اقتصاد خود شکست خورده بود (-ayahan, 2011: 491). (492).

از سوی دیگر لغو تحریم‌های آمریکا و رشد درآمدهای نفتی لیبی، امکان تاثیرگذاری فشارهای آمریکا را افزایش می‌داد که زمینه بی‌ثباتی سیاسی را فراهم می‌نمود (جنتلسون، بی‌تا: ۳۵). حکومت لیبی هیچ‌تلاش موثری برای از میان بردن فساد در دولت و جامعه انجام نداد و در آن دوره تنها عده‌ای از رفاه نسبتاً خوبی برخوردار بودند. این امر با توجه به رشد اقتصادی دولت و محرومیت اجباری توده مردم، مخالفت‌ها را به وجود می‌آورد.

۲/۴/۴. سیاسی:

همه انقلاب‌ها به نام آزادی، علیه خودکامگی اقلیت و به سود فرمانروایی اکثریت برپا می‌شوند (برینتون، ۱۳۶۶: ۲۸۱). شاخص سرکوب در لیبی بسیار بغرنج بود. هیچ آزادی در حقوق سیاسی، مدنی و مطبوعاتی این کشور وجود نداشت (Puddington^۳, 2011: 14). حکومت قذافی بر روابط پیچیده شخصی و قبیله‌ای استوار بود و هیچ نهاد سیاسی و دموکراتیکی اجازه حضور نداشت (ولی پور عتیق و نصیری حامد، ۱۳۹۷: ۱۱۸). حذف، تضعیف و سرکوب جدی گروه‌های رقیب و مخالف حکومت قذافی، به تضعیف مشروعیت او در میان مردم منجر شد (واعظی، ۱۳۹۲: 244-248). در کنار مسائل اقتصادی، عدم تأمین حقوق اولیه مردم و سرکوب صدای مخالفان راهی جز اعتراض برای مردم باقی نگذاشت. این مسائل ناکارآمدی حکومت را نشان می‌داد که در نهایت به اعتراض گسترده آن‌ها در سال ۲۰۱۱ م منجر شد.

۵/۴. تباهی طبقه حاکم و گرایش به روشنفکری و انسان‌دوستی:

۱. سازمان شفافیت جهانی؛ نمره یک بیشترین میزان فساد در بین کشورها می‌باشد.

۲. اندیشکده محافظه‌کار آمریکایی مستقر در واشنگتن دی.سی.

۳. خانه‌آزادی.

قذافی سعی می‌کرد؛ از یک سو اعتراض مردم لیبی را محدودتر از سایر قیام‌های عربی جلوه دهد و با شرکت در تظاهرات مردمی^۱، رژیم را در کنار صفوف مردم و معترض به فساد نشان دهد. اما امکان کنترل بحران با بهره‌گیری از ابزارهای ابتکاری قذافی، با بالاگرفتن سطح تنش در اکثر کشورهای عربی، به حداقل رسید. چندروز پس از اعتراضات، رژیم لیبی به رویارویی کامل با معترضان و بمباران هوایی آن‌ها پرداخت (قناه قضائیه، ۲۶ فوریه ۲۰۱۱). قذافی از دو عنوان مترسک غربی و تروریسم داخلی^۲ در توجیه سرکوب مخالفان با تمام قوا استفاده نمود (واعظی، ۱۳۹۲: ۲۶۱). وی معترضین را مشت‌آشوب‌گر خطاب می‌کرد. اما از سوی دیگر گروهی از طبقه حاکم به سمت مردم گرایش پیدا نمودند. برای نمونه تعداد زیادی از افسران و سربازان ارتش، وزیر دادگستری و به جای حمایت از قذافی به مردم پیوستند (مطلبی، ۱۳۹۹: ۸۹). بنابراین در انقلاب لیبی با دورویه انسان‌دوستی و سرکوب شدید مردم از سوی دولت مواجه هستیم.

با توجه به مطالب بالا که در خصوص وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی لیبی پیش از انقلاب سال ۲۰۱۱ بیان شد، می‌توان به این نتیجه رسید که دلایل مدنظر برینتون برای بروز یک انقلاب با وقایع مورد بررسی لیبی هم‌خوانی دارد. رشد اقتصادی در عرصه‌های مختلف این کشور، اما بن بست سیاسی آن که منجر به فاصله زیاد مردم با حکومت شده بود؛ یکی از زمینه‌های انقلاب ۲۰۱۱ را فراهم نمود. هم‌چنین در آستانه انقلاب، روی‌گردانی روشنفکران از حکومت، تغییر دیدگاه بسیاری از افراد حکومتی و ناکارآمدی سیستم حکومتی در مواجهه با مردم، دولت معمر قذافی را به شکست رساند.

۵. نشانه‌های انقلاب در یمن:

۵/۱. اقتصادی:

نگاهی کلی به وضعیت اقتصادی یمن، وضعیت نابسامان مردم آن کشور را در سیستم اقتصادی حکومت یمن نشان می‌دهد. یمن پیش از سال ۲۰۱۱ م از شرایط مساعد اقتصادی برخوردار نبود. حدود ۷۰ درصد بودجه و ۹۰ درصد صادرات این کشور را نفت به خود اختصاص می‌داد. با وجود افزایش صادرات نفت، رشد تولید ناخالص داخلی و درآمد ناخالص ملی^۳ این کشور از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ م^۴ نسبت به کشورهای عربی بسیار پایین بود (Yemen)

۱. ۱۷ فوریه ۲۰۱۱ م.

۲. وی از عنوان مترسک غربی به دخالت کشورهای غربی در واداشتن مردم به شورش و از مترسک‌تروریسم برای ترساندن کشورهای غربی از آینده مبهم لیبی تعبیر می‌کرد.

۳. Rep: تولید ناخالص داخلی یا درآمد ناخالص ملی.

۴. تولید ناخالص داخلی یمن در سال ۱۹۹۰ از ۵/۶۵ میلیارد دلار به ۳۲/۷۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش یافت.

(1990-2010).

ناکامی دولت در تکیه بر اقتصاد غیر نفتی و ایجاد زمینه‌های رشد در بخش‌های مختلف اقتصادی، باعث تشدید فقر در این کشور شد (کریم‌لو، ۱۳۹۳: ۱۵۱). به دلیل عدم کفاف اقتصادی صادرات نفت، برای تأمین مخارج و بودجه کشور، دولت برنامه‌ریزی گسترده‌ای برای توسعه کشاورزی انجام داد که با شکست مواجه شد. کمبود آب و عدم وجود زمین‌های کشاورزی دو عامل اساسی در شکست این امر محسوب می‌شد. در حالی که حدود ۵۳ درصد مردم این کشور در بخش کشاورزی فعالیت می‌کردند و ۴۷ درصد غذای مردم را تأمین می‌نمود. این دلایل، در کنار رشد بالای جمعیتی یمن^۱ باعث کمبود منابع طبیعی و دولتی برای تأمین مایحتاج مردم شده بود (Blumi, 2011: 1). نرخ بیکاری در یمن حدود درصد بود که حدود ۵۷ درصد آن را جوانان تشکیل می‌دادند (ابو طالب: دسامبر ۲۰۰۵).

با این اوصاف یمن فقیرترین کشور خلیج فارس محسوب می‌شد (Blumi, 2011: 1؛ نجفی، ۱۴۰۱، ۱۱۶-۱۱۵). به همین دلیل بسیاری از شعارهای مردم یمن در سال ۲۰۱۱ م بر ضد فقر شدید در جامعه بود (Yemen Uprising of: 2011-12). بنابراین کشور یمن برخلاف نظریه برنتون، شاهد رشد اقتصادی پیش از انقلاب نبود. یمن بر خلاف لیبی که کشوری ثروتمند و پردرآمد محسوب می‌شد؛ دچار فقر گسترده بود که درآمدهای آن توان تأمین مایحتاج مردم را نداشت.

۲/۵. اختلاف طبقاتی:

فساد، بیکاری و تورم مهم‌ترین چالش‌های کشور یمن می‌باشد (Boucek, 2009: 4). با وجود رونق شبکه‌های فساد و پارتی‌بازی (یوسف پور، ۱۳۹۵: ۷۳)، حکومت تلاشی برای از بین بردن آن انجام نمی‌داد. اختلاس و ثروت‌های نامشروع در تمامی سطوح بروکراسی یمن جریان داشت. رئیس‌جمهور و خانواده وی فعالیت‌های اقتصادی و تجاری زیادی داشتند؛ در حالی که اکثریت مردم در فقر مطلق به سر می‌بردند (blaydes, 2011: 217-218). درآمد سرانه مردم یمن پیش از سال ۲۰۱۱ م به حدود ۱۰۰۰ هزار دلار در سال می‌رسید (yemen 2011). طبق آمارها ۴۰ درصد مردم این کشور با درآمد زیر ۱/۲۵ دلار در روز، زیر خط فقر به سر می‌بردند (Boucek, 2009: 9). این وضعیت زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم از جمعیت ۲۳ میلیونی یمن حدود ۴۶٪ زیر ۱۴ سال بودند. این مسائل فاصله طبقاتی گسترده‌ای را در آن کشور به وجود آورده بود.

در سال ۲۰۱۵ م دارایی‌های صالح در بیست کشور پیدا شد. شورای امنیت سازمان

۱. میانگین نرخ رشد سرانه ملی یمن در سال ۲۰۰۹، ۳/۸ درصد بود که نسبت به دو سال قبل آن، حدود ۰/۰۹ درصد افزایش یافت (المركز الوطني، الموارد الطبيعية و الطاقة ۲۰۱۰).

ملل متحد، دارایی‌های او را بین ۳۲ تا ۶۰ میلیارد دلار تخمین زده بود (ثروة صالح تناهز ۶۰ میلیارد دلار، ۲۴ دسامبر، ۲۰۱۷) بنابراین یمن نیز از تضاد عمیق طبقاتی عمیقی رنج می‌برد، به طوری که یکی از دلایل اعتراض آن‌ها رسیدن به جامعه عدالت محور و به دور از تبعیضات طبقاتی بود. در سال ۲۰۱۱ تنها حدود ۵۰٪ مردم یمن به خدمات بهداشتی دسترسی داشتند. حدود یک میلیون نفر زن و کودک یمنی محتاج کمک‌های جهانی برای ادامه زندگی بودند. نرخ مرگ و میر کودکان یمنی بالاترین میزان در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا محسوب می‌شد و ۵۸٪ کودکان زیر ۵ سال یمن، از لحاظ سوء تغذیه رتبه دوم را در جهان داشتند (Yemen 2011) این موضوع در کنار مسائل اقتصادی، وضعیت بسیار اسفناکی را برای مردم به وجود آورد که به هر نحو آن‌ها را به مخالفان حکومتی تبدیل می‌کرد.

۳/۵. تغییر بیعت روشنفکران:

جوانان، دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی در بحرین یمن از مهم‌ترین معترضان بودند. آن‌ها از شبکه‌های مجازی برای شروع مخالفت و سازماندهی استفاده می‌کردند (احمدیان: اردیبهشت ۱۳۹۰). بیکاری بیش از ۵۷٪ جوانان این کشور (Yemen 2011)، در ابراز مخالفت فارغ التحصیلان دانشگاهی بسیار مؤثر بود.

آن‌ها برای تغییرات به خیابان‌ها آمدند و در این راه نیروهای قدیمی را با خود همراه نمودند. احزاب و اپوزیسیون‌ها پس از سرکوب ماه مارس ۲۰۱۱ م به جوانان مخالف پیوستند (جینو، ۲۰۱۳: 410-411). در روز ۲۰ فوریه ۲۰۱۱ م هزاران دانشجو در محوطه دانشگاه صنعا تجمع کردند (Yemen Uprising of 2011-12).

در فوریه ۲۰۱۱ م، تعدادی از نمایندگان پارلمان یمن در دانشگاه صنعا به معترضان پیوستند. اپوزیسیون رسمی یمن - احزاب دیدار مشترک - به تدریج با حضور دانشجویان در صحنه و مطرح ساختن خواسته‌های خود از جمله استعفای صالح به معترضان پیوستند (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۸). در انقلاب یمن، نقش جوانان و تحصیل‌کردگان آن نسبت به لیبی تاثیرگذارتر بود. آن‌ها با تداوم حرکت معترضان خود، دیگر گروه‌های یمنی را به صحنه مبارزات کشانده و از این رو در پیروزی حرکت انقلابی مردم نقش بسیار موثری را ایفا کردند.

۴/۵. ناکارایی طبقه حاکم در اصلاح امور:

فقر، بیکاری گسترده، عدم توزیع عادلانه درآمدها، قدرت نامشروع، تبعیض‌های اجتماعی و سیاسی مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت علی عبدالله صالح در سالیان متمادی بود^۱.

۳/۴/۵. سیاسی:

۱. در مورد اقتصادی توضیح داده شد.

صالح رئیس جمهور یمن تنها نامی از سیستم جمهوری در این کشور باقی گذاشته بود. وی به سلب آزادی سیاسی و سرکوب مخالفان خویش می‌پرداخت و توجه چندانی به وضعیت اقتصادی و مطالبات سیاسی شهروندان جنوبی یمن نداشت؛ همین امر به بحرانی مزمن برای دولت تبدیل شده بود. حکومت صالح در زمره رژیم‌های اقتدارگرای مبتنی بر هژمونی حزب حاکم با سطح بالایی از رقابت سیاسی و انتخاباتی قرار می‌گرفت. این حزب به واسطه کمک‌های دولتی همیشه پیروز انتخابات بود (blaydes, 2011: 218).

الیگارش‌ی حکومت صالح و اقتدارگرایی مبتنی بر هژمونی حزب حاکم، نارضایتی احزاب و گروه‌های سیاسی را به وجود می‌آورد. آخرین تحول سیاسی پیش از سال ۲۰۱۱ م در یمن، طرح اصلاح قانون اساسی برای نامزدی دوباره صالح تا سال ۲۰۱۳ م بود. هدف اصلی وی به قدرت رساندن فرزندش احمد بود (واعظی، ۱۳۹۲: ۲۸۸). این امر یکی از زمینه‌های اصلی تظاهرات مردم در سال ۲۰۱۱ م شد. علاوه بر فقر مردم، تضاد طبقاتی، وضعیت ناپه‌نجار بهداشتی، سلب آزادی‌های سیاسی مردم، همگی شرایط خاصی را برای اعتراض گسترده و اصلاح حکومت در سال ۲۰۱۱ م به وجود آورد.

۵/۵. تباهی طبقه حاکم و گرایش به روشنفکری و انسان دوستی:

شروع اعتراضات در یمن، صالح را وادار به حرکت‌هایی از جمله کاهش مالیات بر درآمد و افزایش حقوق کارمندان برای تغییر اوضاع نمود. او قول داد تا برای انتخابات مجدد کاندید نشود. البته این حرکت نظر معترضان را جلب نکرد؛ چرا که صالح به وعده قبلی خود برای عدم انتخاب مجدد در سال ۲۰۰۶ م پایبند نمانده بود (Yemen Uprising of: 2011-12). صالح برای تأخیر در روند وقایع، طرح شورای همکاری خلیج فارس را در سپتامبر ۲۰۱۱ م با حمایت ایالات متحده آمریکا^۱ برای حل و فصل بحران و کناره‌گیری مسالمت‌آمیز از قدرت پذیرفت. در این میان سرلشکر علی محسن در بیان‌های اظهار امیدواری نمود که تمام احزاب، طرح موردنظر را قبول کنند و فرصت را از دست ندهند (الجزیره، المعارضة الیمنیة ترفض خطة الخلیجی، ۱۲ آوریل ۲۰۱۱). البته صالح درصدد اجرای آن نبود و طرح چهار بار تعدیل یافت تا وی و طرفدارانش بپذیرند. اما هر بار به بهانه‌ای از امضای آن سرباز می‌زدند (واعظی، ۱۳۹۲: ۳۰۱). در واقعیت امر قصد صالح از اصلاح در امور کشوری، تنها فریب مردم و معترضان بود. با گسترش اعتراضات و سرکوب مردم، تعدادی از دیپلمات‌ها، وزرای کابینه و اعضای پارلمان یمن، در اعتراض به سرکوب مردم استعفا کردند. سرلشکر علی محسن الحمار حمایت خود را از مخالفان اعلام نمود. تخریب‌احمر فرمانده نظامی نیز به همراه چند افسر از حمایت

۱. حضور نیروهای خارجی در روند انقلاب در نظریه برینتون وجود ندارد.

۲. برادر ناتنی علی عبدالله صالح.

صالح دست برداشتند (Yemen Uprising of 2011-12). سران قبیله حاشد نیز به معترضان پیوستند. در آن اوضاع، صالح فقط نیروهای امنیتی و بخشی از ارتش را در اختیار داشت. وی به مانند قذافی تلاش نمود تا از طریق سرکوب نظامی مردم، انقلاب را به ورطه نابودی سوق دهد. با مرور وقایع مشخص می‌شود که صالح بر خلاف قذافی برای حفظ اوضاع و کاهش مخالفت‌ها در ظاهر حرکت‌هایی را انجام داد و خودش را متمایل به مردم نشان می‌داد. ولی این مسائل مورد اقبال مردم قرار نگرفت. از سوی دیگر ارکان حکومتی یمن به ویژه بخش مهمی از نیروهای نظامی رسماً به حمایت از مردم و معترضان پرداختند و در پیشبرد اهداف انقلابی نقش مهمی را ایفا کردند.

جدول شماره ۱:

جدول مقایسه‌ای نشانه‌های انقلاب در کشورهای لیبی و یمن (حاضر: +، غائب: -)

رویداد	نشانه‌های انقلاب						کشور
انقلاب	انسان‌دوستی طبقه حاکم ^۱	ناکارایی دستگاه حکومتی	اختلاف طبقاتی	تغییر بیعت روشنفکران	رشد اقتصادی		
+	+	+	+	+	+	لیبی	
+	+	+	+	+	-	یمن	

۶. دوره‌های انقلاب در لیبی:

برینتون می‌نویسد مردم پس از سقوط رژیم پیشین، در مورد دوره‌ای که آرزوی^۲ آن را داشتند، صحبت می‌کنند. هر چند با وقایعی که اتفاق می‌افتد، این دوره خوشحالی مردم بسیار کوتاه است (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۰۶).

۱/۶. ماه عسل:

با بررسی روند وقایع پس از سقوط قذافی، نظریه برینتون تأیید می‌شود. پس از سقوط حکومت لیبی^۳ و کشته شدن معمر قذافی (اکبری، ۱۳۹۳: ۳۹۲)، مردم لیبی در خیابان‌های شهر سرت، طرابلس و حتی خارج از کشور لیبی به خوشحالی پرداختند (بی‌بی سی فارسی، ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱). اما دوره ماه عسل به سرعت در لیبی سپری شد و گروه‌های شرکت کننده در انقلاب برای کسب قدرت تا حدودی اتفاق نظر خویش را از دست دادند.

۱. توضیح در بخش نشانه‌های انقلاب در لیبی و یمن در قسمت گرایش به انسان‌دوستی طبقه حاکم ذکر شده است.

۲. منظور آرمان‌های آن‌ها در تشکیل حکومت جدید است.

۳. نکته مهم در این میان نقش نیروهای خارجی و تأثیر آن‌ها در سقوط قذافی می‌باشد. قطعنامه‌های شورای امنیت^۳ و حمله نیروهای ناتو به مناطق تحت اختیار قذافی عامل مهمی در سقوط وی محسوب می‌شود که در نظریه برینتون به عوامل خارجی اشاره‌ای نشده است (قدمیان، ۱۳۹۱: ۹۳-۸۳).

۲/۶. میانه‌روها:

در سال ۲۰۱۱ م شورای انتقالی قدرت در لیبی با هدف برکناری قذافی از مسند حکومت و بازگرداندن صلح به کشور تشکیل یافت (Nesi, 2011, 47). در این دوره افراد سرشناس، ثروتمند و مورد اعتماد مردم بر مسند قدرت تکیه زدند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۴۵). مصطفی عبدالجلیل رئیس نهاد، محمود جبریلی، عمر الحریری، علی عسوی همگی از افراد بلندپایه و مستعفی دوران قذافی در شورا حضور داشتند (National Transitional Council – Libya)^۱. این نهاد وظیفه برقراری امنیت ملی، برگزاری انتخابات آزاد، ایجاد دولت انتقالی، تشکیل دولت موقت قانونی، تنظیم روابط خارجی و حفظ حقوق زبانی اقلیت‌ها را بر عهده داشت (همان). برنامه‌ها و اهداف شورای انتقالی لیبی شیوه میانه‌روی این نهاد را مشخص می‌کرد. این نهاد با منشی متعادل، درصدد جلوگیری از تنش در سطح جامعه و میان مخالفان بود. مصطفی عبدالجلیل از مبارزین، تقاضای احترام به قانون و عدم انتقام خشونت‌آمیز علیه اعضای دولت رژیم قذافی را داشت. وی خواهان ایجاد یک دولت بر پایه آزادی، دموکراسی و شفاف در چارچوب قوانین اسلامی بود که حتی قذافی و خانواده‌اش در صورت ترک قدرت، می‌توانند در لیبی به عنوان بخشی از راه حل سیاسی اتمام درگیری‌ها باقی بمانند (الجزیره، ۲۳ آگوست، ۲۰۱۱).

در لیبی بلافاصله پس از تشکیل شورای انتقالی، مشکل عدم انضباط حزبی و اتحاد میان میانه‌روها بروز کرد. عبدالحافظ سخنگوی شورا، در سخنرانی مدعی شد که آن‌ها دولت موقت نخواهند بود (National Transitional Council – Libya). این مسئله ضعف میانه‌روها را در مقابل دیگر گروه‌ها نشان داد. از سویی برنامه‌های اعلامی شورا و نظرات رئیس آن شیوه میانه‌روی داشت؛ اما از سوی دیگر، سخنگوی شورا سخنان مخالف آن را به زبان می‌آورد. نکته دیگر، ابهام در رویکرد فکری و ایدئولوژیک این نهاد است. عضویت حدود سی نفر از مناطق مختلف با گرایش‌های متنوع بر اجرای مفاد شورا تأثیر زیادی داشت (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۸۵). با وجود اعلام آزادسازی لیبی و پایان جنگ از سوی عبدالجلیل در اکتبر ۲۰۱۱ م، درگیری و ناامنی‌های داخلی ادامه یافت و شورای انتقالی در کنترل اوضاع به مشکلات زیادی برخورد می‌کرد. به رغم اوضاع نابسامان، نخستین انتخابات آزاد لیبی در سال ۲۰۱۲ م به صحنه رقابتی منجر شد. پس از پایان انتخابات، شورای ملی انتقالی، قدرت را به مجلس واگذار کرد (واعظی، ۱۳۹۲: ۲۵۸-۲۵۷).

یکی از ویژگی‌های عصر میانه‌روها، عدم اتفاق نظر آن‌ها بر سر اداره و بازسازی کشور می‌باشد (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۴۵). دولت موقت لیبی تنها حدود یک سال و نیم کشور را اداره

۱. سایت رسمی شورای انتقالی لیبی.

نمود (حیدری، ۱۳۹۵: ۴۲). در سال ۲۰۱۲ م مصطفی ابوشاقور به دلیل عدم رأی اعتماد از مجلس استعفا داد. سپس علی زیدان مسئولیت دولت انتقالی را تا برگزاری انتخابات آینده بر عهده گرفت. دولت زیدان برای جلوگیری از جنگ داخلی در صدد حل مسائل اساسی کشور بود. اما حمله معترضان به مقر کنگره ملی، باعث تعلیق تشکیل کابینه وی شد (واعظی، ۱۳۹۲: ۲۵۸-۲۵۹).

برینتون می‌نویسد که در نهایت میانه‌روها درگیر یک جنگ خارجی، داخلی و یا هر دوی آن‌ها می‌شوند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۴۵). در لیبی یکی از اهداف کابینه جلوگیری از جنگ داخلی بود. بعد از انقلاب، حدود ۲۲۰ هزار شبه نظامی به عضویت گروه‌های مختلف درآمد. با وضعیت بحرانی در آن دوران، هر روز خطر یک جنگ داخلی تمام عیار در لیبی از لحظه سقوط قذافی بیش از پیش احساس می‌شد. پس از پیروزی ملیگرایان در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۴ م، اختلافات داخلی در این کشور بار دیگر اوج گرفت. اسلامگرایان با استناد به حکم دیوان عالی لیبی، پارلمان را غیرقانونی قلمداد کرده و به احیای دوباره کنگره ملی روی آوردند. در این زمان دو پارلمان یکی به نخست‌وزیری عبدالله‌الثنی و دیگری به نخست‌وزیری عمرالحاسی برای اداره کشور تشکیل یافت. دو دولت هم‌زمان به نبرد با یکدیگر و جنگ با داعش و گروه‌های تروریستی مشغول شدند (حیدری، ۱۳۹۵: ۴۲).

پس از کشته شدن قذافی، جنگ داخلی خساراتی را به فرآیند گذار احتمالی وارد ساخت. مشکلات لیبی ابعاد دوگانه داشت: ۱. میراث نظام حکومتی قذافی برای حمایت از شخص وی طراحی شده بود. ۲. شیوه‌ای که در آن انقلاب گسترش یافت؛^۱ باعث افزایش نظامی‌گری افراطی در سراسر کشور می‌شد. از سوی دیگر شورای انتقالی ملی تمایل چندانی به مقاومت در برابر اتوریته حاکم و ارتش نداشت و نتیجه این امر صدمه به چهره شورا بود. در این حالت لیبی به بستر داغ درگیری میان میلیشیا‌های مسلح تبدیل شد که شورای عالی انتقالی لیبی را فاقد کارایی لازم می‌دانستند (آرتز و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۶). در کنار این مسائل به خاطر ماهیت قبیله‌ای جامعه لیبی اسلحه به آسانی و به طرز خطرناکی در دسترس مخالفان قرار می‌گرفت. طبق نظر الوحیب باید به مردم القا می‌شد که بخشی از پیروزی آن‌ها مدیون ظرفیت جذب این نظام است؛ نه انتقام و دفع کردن دیگران. اما با فرایندی که در تحولات پس از انقلاب لیبی پیش آمد؛ آینده فرآیند انتقالی به میزان زیادی تا به امروز نامشخص مانده است (آرتز و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۷-۱۱۶). با روند وقایع در لیبی و درگیری گروه‌های مختلف تا به حال^۲، بر خلاف نظریه برینتون، انقلاب لیبی دوره حکمرانی تندروها، عصر وحشت و ترمیدور را تجربه نکرد. چرا که در ظرف

۱. سرکوب شدید مردم توسط قذافی و مقاومت آن‌ها برای پیروزی.
۲. از سال ۲۰۱۱ تا کنون.

چندسال گذشته هیچ‌یک از گروه‌های حاضر در سیاست لیبی، تفوقی بر دیگر گروه‌های مخالف به دست نیاورده و تنها از سال ۲۰۱۱ م به بعد شاهد جنگ داخلی بدون نتیجه و دخالت کشورهای خارجی در این کشور هستیم.

۲. دوره‌های انقلاب در یمن:

حوادث منتهی به انقلاب یمن و مراحل پس از آن، شکل و سیاقی متفاوت با نظریه برنتون دارد. عدم اشاره برنتون به نقش نیروهای خارجی، یکی از تضادهای مهم برای عدم هم‌خوانی با دیگر انقلاب‌ها می‌باشد. کنار رفتن صالح تنها تحت تأثیر مسائل داخلی کشور یمن قرار نداشت. با وجود اینکه استعفای وی از نتایج اعتراضات گسترده مردم به حساب می‌آمد؛ ولی این امر با فشار کشورهای خارجی به وقوع پیوست.

کشورهای عربی، یمن را به عنوان خلوتگاه خود می‌نگریستند و سیاست تغییر رهبری این کشور را بدون تغییر ساختار سیاسی آن مدنظر داشتند (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۹۱). مردم با مقاومت در برابر سرکوب صالح و پیروزی در انقلاب، به دلیل دخالت نیروهای خارجی، هنوز نتوانسته‌اند شرایط مورد نظر خویش را در یمن مستقر کنند (طاهری، ۱۳۹۴: ۲۲۱). به این ترتیب گذار مراحل انقلابی پس از استعفای صالح به شکل مدل‌های انقلابی برنتون نیست. حکومت یمن به واسطه تلاش‌های مردم در آستانه سرنگونی قرار داشت که با نفوذ کشورهای خارجی که منافع آن‌ها در خطر قرار می‌گرفت، از سقوط حتمی نجات یافت.

۱.۲. ماه عسل:

با توجه به پیچیدگی شرایط و اوضاع یمن پس از سقوط صالح، نشانه واضحی برای تشخیص دوره ماه عسل وجود ندارد. بنابراین مقطعی به نام ماه عسل در انقلاب یمن قابل تصور نیست.

۲.۲. میانه‌روها:

با کناره‌گیری صالح از قدرت به واسطه فشارهای خارجی، مسند حکومت به منصور هادی معاون وی انتقال یافت. به این ترتیب روند انقلاب از مسیر اصلی آن خارج و تنها نامی از آن در میان مردم باقی ماند.

الف. تفاوت‌ها: ۱. تأثیر نیروهای خارجی: برگزاری انتخابات و همه‌پرسی برای ریاست جمهوری به برخی منازعات داخلی پایان داد؛ ولی مردم انقلابی از اقدامات حکومت مذکور دریافتند که منصور هادی با حمایت‌های خارجی درصدد حفظ ساختار قدرت و توقف تدریجی انقلاب است. در واقع جابه‌جایی قدرت در یمن به منظور کنترل گروه‌های انقلابی و مهار آن‌ها صورت گرفت. ۲. حضور فرزندان و وابستگان صالح در حکومت: در این دوره شاهد حضور فرزندان و وابستگان صالح در ارکان سیاسی هستیم. یکی از دلایل تداوم قدرت حکومت پیشین، سرپیچی آن‌ها از عزل و نصب‌های هادی در این دوران می‌باشد. آن‌ها همچنان امیدوار به بقای نقش در ساختار سیاسی جدید یمن بودند (واعظی، ۱۳۹۲: ۳۱۲). بنابراین انتقال قدرت حالت

صوری پیدا کرد؛ چرا که فرزندان صالح هنوز در رأس کار حضور داشتند و عدم محاکمه آن‌ها بار دیگر چالش‌های انقلاب یمن را پررنگ‌تر می‌نمود (اسدی، ۱۳۹۲: ۳۱۲).

الف. شباهت‌ها: اما از سوی دیگر، در یک نگاه فعالیت‌های هادی برای تغییر اوضاع در قالب میانه‌روهای حکومتی قابل تصور است. ۱. تلاش برای بازسازی ساختار سیاسی کشور و برکناری عناصر وابسته به صالح که در این راه با مشکلات زیادی مواجه بود^۱ (اسدی، ۱۳۹۲: ۳۱۳-۳۱۲). ۲. فضای لازم برای تدوین قانون اساسی و مقدمات برگزاری انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۴ م را فراهم نمود. ۳. طرحی را برای ایجاد خود مختاری مناطق مختلف در قالب حکومت فدرال مطرح کرد که با مخالفت قبایل گوناگون مواجه شد (رسولی، ۱۳۹۴: ۳۱۲-۳۰۵). ۴. برای جلوگیری از یک جنگ داخلی و حل مشکلات امنیتی در مقابل القاعده ایستادگی نمود. ۵. به رفع مسائل معیشتی مردم و بازسازی زیر ساخت‌های اقتصادی پرداخت (آجورلو: ۱۳۹۳: ۸۶). برای این اساس دوره میانه‌روهای یمن در مواردی با نظریه بریتون هم‌خوانی دارد؛ ولی در مسائلی از جمله حضور و تأثیر نیروهای خارجی و نفوذ گسترده وابستگان صالح در حکومت جدید تفاوت‌های اساسی دارد.

اما نکته مهمتر اینکه، یمن به مانند لیبی شاهد تجربه دوره‌های انقلابی بعد از میانه‌روها نبود. در سال ۲۰۱۵ م با کناره‌گیری هادی و درگیری میان گروه‌های صاحب قدرت در یمن، این کشور عرصه جنگ داخلی شد. در این مقطع حوثی‌های یمن به مخالفت با هادی پرداختند و بین دو طرف درگیری رخ داد. در این میان القاعده و داعش در بخش‌هایی از کشور به قدرت‌گیری پرداختند. هادی با وجود استعفا، از عربستان تقاضای کمک و دخالت در امور یمن را خواستار شد. به این ترتیب ائتلافی به رهبری عربستان^۲ سعودی به نبرد با نیروهای حوثی از سال ۲۰۱۵ م به وجود آمد که این جنگ هم‌چنان ادامه دارد (سبحانی، ۱۳۹۴: ۴۹؛ رسولی، ۱۳۹۴: ۳۲۲؛ نجفی، ۱۴۰۱: ۱۱۶). بر این اساس انقلاب مردم یمن به واسطه نفوذ کشورهای خارجی، از مسیر اصلی خارج و آرزوی استقرار نظامی جدید در مبادلات سیاسی این کشور به یک آرزو تبدیل شده است.

۱. این حرکت به مرور باعث تضعیف جایگاه صالح در حکومت جدید می‌شد، که روال آهسته آن در قالب میانه‌روها قرار می‌گرفت که علاقه‌ای به قدم‌های آهسته در تغییرات حکومتی هستند.

۲. کشورهای امارات متحده عربی، قطر، کویت، بحرین، مراکش اردن و سودان در این ائتلاف حضور داشتند.

جدول شماره ۲: جدول مقایسه‌ای دوره‌های پس از انقلاب در کشورهای لیبی و یمن (حاضر: +، غائب: -)

دوره‌های انقلاب					کشور
ترمیدور	تندروها	عصروحشت	میانه‌روها	ماه‌عسل	
-	-	-	+	+	لیبی
-	-	-	۵۰٪ ^۱	-	یمن

نتیجه‌گیری

در تطبیق دو انقلاب لیبی و یمن با نظریه برنتون مشخص می‌شود که از میان پنج مورد نشانه‌های انقلابی، لیبی به طور کامل و یمن تنها چهار مورد از آن را سپری کرده است. نشانه رشد اقتصادی^۲ بر اساس آمار و ارقام جهانی در لیبی قابل مشاهده است؛ ولی اکثر مردم این کشور از موهبت این پیشرفت محروم بودند. اما یمن فقیرترین کشور خلیج فارس به حساب می‌آمد و شرایط اقتصادی آن، کفاف تأمین مایحتاج جمعیت این کشور را نداشت. مردم هر دو کشور از وجود اختلاف طبقاتی رنج بسیاری می‌بردند. وجود شبکه‌های گسترده فساد و پارتی‌بازی، فضایی به مردم عادی نمی‌داد. در هر دو جامعه تغییر بیعت روشنفکران در روند انقلاب تأثیر زیادی به جای گذاشت. در لیبی ۲۵ هزار دانشجوی و تعداد زیاد فارغ‌التحصیل فاقد مهارت‌های کافی، به بیکاری گسترده، حضور گسترده مستشاران خارجی در شغل‌های فنی و عدم اجازه فعالیت سیاسی اعتراض داشتند. دانشجویان یمنی هم به دلیل بیکاری، فقر و فساد اعتراضات را شروع و به سازماندهی آن پرداختند. در مورد چهارمین نشانه ناکارایی حکومت در اصلاح امور، هیچ یک از دو حکومت لیبی و یمن، برای برطرف کردن فقر، تبعیض اجتماعی، ایجاد اشتغال و فضای بازسیاسی تلاشی انجام ندادند. در مورد آخرین نشانه انقلابی‌گرایی به روشنفکری و انسان‌دوستی، در لیبی قذافی تنها در اولین برخورد با معترضان همراهی نمود؛ ولی در ادامه راه با تمام قوا به مقابله با مخالفان پرداخت. در حالی که تعدادی از وابستگان حکومتی و نظامی وی، به همراهی مردم در این راه پرداختند. در یمن، صالح برای تغییر اوضاع طرح کاهش مالیات بر درآمد و افزایش حقوق کارمندان را اعلام کرد؛ ولی در ادامه راه او نیز به مقابله با مردم پرداخت. اما از سوی دیگر تعدادی از دیپلمات‌ها، وزرای کابینه و اعضای پارلمان، در اعتراض به سرکوب مردم استعفا دادند.

در مورد دوره‌های انقلابی، پس از سقوط قذافی مرحله ماه‌عسل در لیبی قابل شناسایی است. ولی این دوران با اختلاف گروه‌های انقلابی به سرعت از میان رفت. در کشور یمن نشانه‌ای مبنی

^۱. در قسمت دوره‌های انقلاب در یمن توضیح داده شده است.

^۲. از فروش بالای نفت به دست آمده بود.

بر شناخت این مقطع وجود ندارد. در خصوص دوره میانه‌روها، تشکیل شورای انتقال قدرت در لیبی و کارکرد آن با نظریه برینتون هم‌خوانی دارد. حتی در این دوره شاهد اختلاف میان اعضا شورا هستیم. اما در یمن، حضور هادی و اقدامات وی در آن دوره، مقابل کارکرد نیروهای میانه‌رو نظریه برینتون قرار می‌گیرد. از سوی دیگر تأثیر نیروهای خارجی در روند انقلاب یمن و حتی پس از آن و حضور فرزندان صالح در ارکان سیاسی، با نظریه برینتون هم‌خوانی ندارد. نکته مهم‌تر اینکه هیچ‌یک از دو کشور نه تنها دوره میانه‌روها را به طور کامل به پایان نرساندند، بلکه به مرحله عصر وحشت، تندروها و ترمیدور نرسیدند و هر دو از دوره میانه‌روها به جنگ داخلی کشانده شدند که این روند تاکنون ادامه دارد. بنابراین نظریه برینتون فاکتور کاملی برای توصیف تمامی مراحل انقلاب کشورهای مختلف نیست و در بسیاری از موارد خلاف آن به وقوع پیوسته است؛ علاوه بر آن که وی اصلاً اشاره‌ای به تأثیر نیروهای خارجی در انقلاب‌ها نمی‌کند.

منابع

- امام جمعه، سید جواد؛ دارابی، ابراهیم (بی تا) جایگاه امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مراحل از تحول انقلاب برینتون. مجله سیمای اقتصاد، ۲(۶)، ۲۷۵-۲۷۶.
- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۰). تأثیر شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۴(۲)، ۱۱۱-۱۳۴.
- ۲۰/۱۰۰۱/۱۷۳۵۰۷۲۷/۱۳۹۰/۱۴/۵۲/۴/۸
- پائول، آرتز، ون دایک، پیتر، کلمن، اریش، استیتما، جورت، و دهان، غسان (۱۳۹۳). از انعطاف‌پذیری تا شورش (تلاش برای فهم پدیده انقلاب‌های عربی) (رضا التیامی نیا و علیرضا سمیعی اصفهانی، ترجمه). تهران: انتشارات نیسا.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). یمن بیم و امیدهای عبور از دوره گذار. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
- اسکندری، محمدرضا (۲۵ خرداد ۱۳۹۳). سیاست مردم مسلح، قذافی و بحران آفرینی آمریکا و عربستان در لیبی. تهران: خبرگزاری فارس. <https://www.farsnews.ir/news/1393112000404>
- اکبری، حسین (۱۳۹۲). لیبی پس از قذافی. تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- امام جمعه، سید جواد؛ دارابی، ابراهیم (بی تا) جایگاه امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مراحل از تحول انقلاب برینتون. مجله سیمای اقتصاد، ۲(۶)، ۲۷۵-۲۷۶.
- امیرشاهی، ذوالفقار (۱۳۷۷). لیبی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- برینتون، کرین (۱۳۶۶). کالبد شکافی چهار انقلاب (محسن ثلاثی، ترجمه). تهران: نشر نو (نشر اصلی ۱۹۶۵).

■ کاربست نظریه کرین برینتون با انقلاب‌های ۲۰۱۱ م کشورهای عربی (مطالعه موردی لیبی و یمن)

برینتون، کرین (۱۳۹۰). شکل‌گیری افکار مدرن (الهه هاشمی حائری، ترجمه). تهران: نشر علمی.

بی‌بی‌سی فارسی (۲۰۱۱، ۱۰، ۲۰). معمر قذافی در سرت کشته شد.
https://www.bbc.com/persian/world/2011/10/111020_131_world_libya
a.amp

تقریر اُمی الجزیره. (۲۰۱۵، ۲، ۲۵). ثروة صالح تناهز ۶۰ ملیار دولار.
<https://www.aljazeera.net/news/2015/2/25>
تقریر- اُمی- ثروة- صالح- تناهز- ۶۰- ملیار

جانسون، چالمرز (۱۳۶۳). تحول انقلابی (بررسی نظریه پدیده انقلاب) (حمید الیاسی، ترجمه). تهران: انتشارات امیرکبیر.

الجزیره، و کالات. (۲۰۱۱، ۴، ۱۲). المعارضة الیمنیة ترفض خطة الخلیجی. أخبار، الیمن.

<https://www.aljazeera.net/news/12/04/2011> // المعارضة الیمنیة ترفض خطة

الخلیجی

جنتلسون، بروس (بی‌تا). خلع سلاح لیبی (رحمان قهرمانپور، ترجمه). تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

حاضری، علی محمد، و نوه‌نجانر، صدیقه (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی ایران و انقلاب نیکاراگوئه. فصلنامه ژرفا پژوه، ۳(۱۰)، ۷۳-۴۱.

حیدری، ایوب (۱۳۹۵). تحلیل بحران لیبی (بر اساس مدل مایکل برچر). فصلنامه سیاست، ۳(۱۰)، ۳۷-۵۰.

حیدری، خدیجه (۱۳۹۱). عوامل مؤثر در پیدایش و گسترش جنبش‌های مصر، تونس و لیبی با تکیه بر نظریه جنبش‌های اجتماعی هربرت بلومر [پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی]. گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک).

راه چمندی، هادی، و کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۲). جایگاه امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مراحل از تحول انقلاب برینتون. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۲(۶)، ۱-۲۴.

رسولی، معین (۱۳۹۴). انقلاب یمن. تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

رهبری، مهدی (۱۳۸۳). اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد

انقلاب اسلامی.

زرقانی، سیدهادی، و خلیلی زاده، علی رمضان (۱۳۹۰، اسفند). واکاوری تحولات ژئوپلیتیکی و انقلاب‌های اخیر در خاورمیانه. در همایش اسلام و تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه

و شمال آفریقا.

سبحانی، مهین (۱۳۹۴). بررسی مداخله عربستان در یمن از منظر حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان]، گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک).

سردارنیا، خلیل اله، و عموی، رضا (۱۳۹۳). تحلیل انقلاب لیبی و چالش‌های فراروی حکومت پسا اقتدارگرا از منظر بحران هویت و آمریت. مجله روابط خارجی، ۶ (۱)، ۱۶۱-۱۹۰.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی و تئوری ترمیدوری برینتونی. فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۳۹، ۱۳-۲۷.

طاهری، سید مهدی (۱۳۹۴). بیداری اسلامی از ایده تا تحقق. تهران: امیرکبیر. عظیمی، دولت‌آبادی (۱۳۹۳). انقلاب در کشورهای عربی [رساله دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس]، گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک).

عنایت مهری، محمدرضا (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای نظریه کرین برینتون در خصوص انقلاب‌ها با علل وقوع انقلاب اسلامی در ایران [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران]، گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک).

قدمیان، مهدی (۱۳۹۱). بررسی مداخلات بشردوستانه با تاکید بر قضیه لیبی [پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی]، گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک).

الجزیره، (۱۵/۲/۲۰۱۱). الجماهيرية الليبية، دوحه، الجزيره مباشر.

<https://www.aljazeera.net/news/2011/2/15> /الجماهيرية الليبية

کریم‌لو، داود (۱۳۹۳). یمن. تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

گار، تدرابرت (۱۳۸۸). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ (علی مرشی زاد، ترجمه). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گلدستون، جک (۱۳۸۷). مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها (محمدتقی دلفروز، ترجمه). تهران: نشر کویر.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴). درآمدی بر جنبش‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

مطلبی، مسعود (۱۳۹۹). نظریه بیداری اسلامی و نظریه‌های رقیب؛ استنتاج بهترین در تحلیل تحولات خاورمیانه عربی. فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۹ (۱)، ۸۳-۱۰۹.

https://www.iabaj.ir/article_122876.html

مطهری، مرتضی (بی‌تا). پیرامون انقلاب اسلامی. قم: انتشارات صدرا.
نجفی، محمد جواد، و قاسمی، بهزاد (۱۴۰۱). مصادیق تاریخی بیداری و مقاومت ملت
یمن از صدر اسلام تا عصر حاضر. فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱ (۱)، ۱۰۱-۱۲۳.
https://www.iabaj.ir/article_149603.html

نوازی، بهرام (۱۳۸۵). نشانه‌های تب در انقلاب مشروطیت ایران با تیکه بر یافته‌های
نظری کرین برنتون. مجله سیمای اقتصاد، شماره ۲۳۰-۲۲۷، ۴۰-۵۷.
نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۱). کالبد شکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب. تهران: بنیاد
حقوقی میزان.

هانینگتون، ساموئل (۱۳۷۱). سامان سیاسی در جوامع در دستخوش توسعه (محسن ثلاثی،
ترجمه). تهران: نشر علمی.

هراتی محمد جواد، و پاکزاد، رحیم (۱۳۹۷). آزمون‌پذیری نظریه چالمرز جانسون با
انقلاب‌های جهان اسلام (مطالعه موردی ایران و مصر و لیبی). فصلنامه مطالعات سیاسی جهان
اسلام، ۷ (۲۸)، ۲۵-۴۴. https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article_1649.html
هراتی، محمد جواد، و مهدی‌زاده، روح‌الله (۱۳۹۷). آزمون‌پذیری نظریه دولت رانتیر در
انقلاب‌های جهان اسلام (مطالعه موردی ایران و مصر). فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان
اسلام، ۸ (۲)، ۴۹-۸۰.

هراتی، محمدجواد (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی آزمون‌پذیری نظریه انقلاب هانتینگتون با
انقلاب در ایران و مصر. دو فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۳
(۲)، ۱۹-۱. https://iws.shahed.ac.ir/article_329.htm

واعظی، محمود (۱۳۹۲). انقلاب و تحول سیاسی در خاورمیانه. تهران: مرکز آموزش و
پژوهش‌های بین‌المللی.

ولی پور، عتیق، و نصیری، حامد (۱۳۹۷). نقش ساختارهای سیاسی پیش از بهار عربی بر
ماهیت تحولات کشورها؛ (مطالعه موردی تونس و لیبی). فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی،
۷ (۱۴)، ۱-۱۸. https://www.iabaj.ir/article_121690.htm

یوسف‌پور، احمد (۱۳۹۵). تحلیل ژئوپلیتیکی شیعیان الحوثی یمن در انقلاب کشور یمن
۲۰۱۲-۲۰۰۱ [پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی]، گنج،
پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک).

arch, puddington. (2011). freedom in the world 2011, selected data
from freedom house's annual survey of political rights and civil liberties.
washington, dc.

blaydes, lisa. (2011). elctions and distributive politice in mubarak
egypt. london: cambridge university press.

Bloomberg. (2011). libyan opposition warns of 'bloodbath,' calls for intervention: (<https://www.bloomberg.com/news/articles/2011-02-19/libyan-opposition-warns-of-massacre-calls-for-intervention>). 20th February 2011

blumi, isa. (2011). chaos in yemen: societal collapse and new authoritarianism routledge. washington, dc: routledg

boucek, christopher. (2009). yemen: avoiding a downward spiral. washington, dc: carnegie endowment for international peace.

Britannica. (2011). Arab Spring uprising: (<https://www.britannica.com/event/yemen-uprising-of-2011-2012>). 12th April 2011.

encyclopedia Britannica. (2011). yemen uprising of 2011-12: (<https://www.britannica.com/event/yemen-uprising-of-2011-2012>). 20th Jan 2024.

france24. (2011). violent protests rock libyan city of Benghazi: (<https://www.france24.com/en/20110216-libya-violent-protests-rock-benghazi-anti-government-gaddafi-egypt-tunisia-demonstration>). 16th February 2011.

heritage. (2011). libya 2011: (https://www.heritage.org/index/pdf/2011/index2011_full.pdf). 15th jan 2011.

log.transparency. (2014). libya's top 5 corruption scandals: (<https://blog.transparency.org/2014/07/28/libyas-top-5-corruption-scandals-2/index.html>). berlin: 2022. (2019). 28th july 2014.

macaraniag, louise. (2019). 10 facts about corruption in libya. washington, dc: Tacoma.

Ntclibya. (2012). National Transitional Council & Lifestyle Blog – Libya: <https://ntclibya.org>.

the worldbank. (2011). libya 2011. libya's total population: (https://www.heritage.org/index/pdf/2011/index2011_full.pdf).

tradingeconomics. (2011). libya unemployment rate 2011.: (<https://tradingeconomics.com/libya/unemployment-rate>).

transparency. (2010). libya 2010: (<https://www.transparency.org/en/cpi/2010?>)



روش‌شناسی راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام

محمد داوند^۱

چکیده

در ارتباط با هستی‌شناسی راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام دیدگاه‌های متفاوتی ارائه می‌گردد. از یک طرف، طراحان محافل نظام سلطه معتقدند: راهبردهای شهید سلیمانی ناشی از توسعه‌طلبی ایران برای نفوذ بیش‌ازپیش در دنیای اسلام است. سویه دیگر این دوقطبی که از سوی اندیشمندان بومی در جهان اسلام در حال نشر است، بر این اصل پای می‌فشرد که راهبردهای شهید سلیمانی نه برای نفوذ؛ بلکه برای وحدت جهان اسلام در برابر نظام سلطه و نهایتاً استقلال کشورهای مسلمان از قیود ناشی از رابطه سلطه و سلطه‌پذیری است. لذا تبیین روش راهبردهای سیاسی- نظامی شهید سلیمانی در جهان اسلام است (مسئله)؛ نوشتار حاضر؛ تبیینی- تحلیلی است. نوع این پژوهش؛ کیفی و شیوه گردآوری اطلاعات؛ اسنادی است (روش)؛ به دلیل پیوستگی دو مؤلفه آنتولوژی و متدولوژی، این فرض مطرح است که روش اصلی راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام، حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم بوده است. در این روش برخلاف نظریه رئالیسم، هدف کسب منفعت نیست، بلکه هدف تأمین سعادت کشورهای اسلامی (استقلال) در برابر نظام سلطه است. بنابراین، در مکتب شهید سلیمانی، حمایت از مظلوم (روش) به موازات هدف (وحدت جهان اسلام) و به عبارتی هستی‌شناسی راهبردها، اهمیت دارد (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، هستی‌شناسی، شهید سلیمانی، راهبرد، جهان اسلام، نظام سلطه

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.1.2.3

دوره ۱۳، شماره ۱،
پیاپی ۳۱ بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۶/۱۸
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۲/۲۲
صص: ۵۵-۳۳

شاپا: ۲۳۲۲-۵۶۴۵

رتبه علمی

ب

پروسی مدیریت گوناگونی در ایران
JOURNALS.MSRT.IR

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

در یک شمای کلی از منظر اندیشکده‌ها، رسانه‌ها و استراتژیست‌های غربی راهبردهای شهید سلیمانی، ناشی از توسعه‌طلبی جمهوری اسلامی ایران برای نفوذ بیش‌ازپیش در منطقه غرب آسیا قلمداد می‌شود. برای نمونه، اندیشکده شورای آتلانتیک در تحلیل خود با در نظر داشتن جزئیات می‌نویسد: «سلیمانی کماکان استراتژیست ارشد اقدامات نظامی ایران در خارج از کشور از جمله برای مقابله با گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه است.» همچنین بی‌بی‌سی، در مستند خود با ارائه تصویری از یک قاسم سلیمانی جوان، معتقد است: «هر وقت از مداخله [نظامی] ایران در هر کجای دنیا صحبت می‌کنید، مغز متفکر پشت آن قاسم سلیمانی است و آن کسی این مداخله را رهبری می‌کند هم قاسم سلیمانی است.»

ونیز راوی مستند می‌گوید: «اکثر مردم هرگز درباره او چیزی نشنیده‌اند، اما او ده‌ها سال است که از پشت پرده، نخ‌های [عروسک‌گردانی در] خاورمیانه را می‌کشد. «دیوید پترائوس» فرمانده پیشین سنتکام در مستند بی‌بی‌سی درباره مواجهه با قاسم سلیمانی اذعان می‌کند: «ما قاسم سلیمانی را یک انسان بسیار توانمند، کاریزماتیک، ماهر، از نظر حرفه‌ای شایسته و... [از دیدگاه آمریکایی] اهریمنی شورو دیدیم...» (اصغریان کاری، ۱۳۹۹: ۳-۲).

سوفان، محقق مرکز تحقیقاتی و مشورتی مبارزه با تروریسم با شگفت‌زدگی خاصی می‌نویسد: سلیمانی در حین سخنرانی در همدان، شهری در ۲۰۰ مایلی جنوب غربی تهران، ترامپ را با بمبی هولناک منفجر کرد. او با اخم، انگشتش را تکان داد و فریاد زد: «رئیس‌جمهور ایالات متحده... نظرات احمقانه‌ای را توثیق کرده است. پاسخگویی به این اظهارات در شأن رئیس‌جمهور کشور بزرگ اسلامی ایران نیست، لذا من به عنوان سرباز ملت بزرگمان پاسخ خواهم داد. شما ما را به اقدامی تهدید می‌کنید که دنیا تا به حال ندیده است... او به سبک ساقی یا مدیر کازینو با دنیا صحبت می‌کند... آقای ترامپ قمارباز شما به خوبی از قدرت و توانایی‌های ما در منطقه آگاه هستید. شما می‌دانید که ما در جنگ نامتقارن چقدر قدرتمند هستیم. بیایید، ما منتظر شما هستیم. تا آنجا که به شما مربوط می‌شود، ما مردان واقعی صحنه هستیم. می‌دانید که جنگ به معنای از دست دادن تمام توانایی‌های شماست. شما ممکن است جنگ را شروع کنید، اما ما تعیین‌کننده پایان آن خواهیم بود.» (Soufan, 2018: 2).

رئیس بخش اطلاعات اسرائیل، تمیر هایمن در اظهاراتی درباره نقش شهید سلیمانی در منطقه بیان می‌کند: «سردار سلیمانی یکی از شخصیت‌هایی است که توانایی عملیاتی داشته و از راهبرد خصمانه علیه اسرائیل برخوردار بوده و می‌توان آن را در لیست سیاه قرار داد. همچنین او یکی از شخصیت‌هایی است که علیه اسرائیل، قدرت بالا و ایدئولوژی خطرناکی داشت» (خبرگزاری حوزه، ۱۴۰۰).

از طرفی، منطقه غرب آسیا که ایران در آن واقع شده است، همواره موضع منازعات و

درگیری‌ها و کشمکش‌های مختلف بوده است؛ در چنین شرایطی، مجموعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و کارگزاران آن، در صدد به حداقل رساندن تهدیدات برای ایران و کشورهای منطقه هستند. یکی از کارگزاران ایران در خارج از کشور سپاه قدس و فرماندهان آن است. نیروی قدس یا سپاه قدس، نیروی ویژه و زیرشاخه‌ای از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد که مسئولیت فعالیت‌های برون‌مرزی را بر عهده دارد. مأموریت اصلی نیروی قدس، سازماندهی و ترغیب نهضت‌های انقلابی اسلامی علیه نظام استبداد جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و مقابله با شرایط ظالمانه علیه مسلمانان است.

لذا در چنین شرایطی، طبیعی است که نظام سلطه (به رهبری ایالت متحده آمریکا) فعالیت‌ها و راهبردهای سپاه قدس و رهبران آن از جمله شهید سلیمانی را به چاش طلبد. پس در این مقاله، نویسنده در پی آن است تا ضمن ردّ هجمه‌های تبلیغاتی نظام سلطه علیه استراتژی‌های شهید سلیمانی، روش راهبردهای سیاسی و نظامی شهید سلیمانی در جهان اسلام را به تصویر کشد. به عبارتی دیگر، اصلی‌ترین کارکرد پرداختن به روش‌شناسی راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام، به بطلان کشیدن فرض‌های بازنمایی شده نظام سلطه در این ارتباط است. با این اوصاف، این سؤال قابل طرح است که چگونه پرداختن صحیح به روش راهبردهای شهید سلیمانی، تصاویر غیر واقعی بازنمایی شده توسط نظام سلطه در این ارتباط را به چالش می‌کشد؟

فرضیه پژوهش

از نظر نویسنده، به علت درهم‌تنیدگی دو مؤلفه آنتولوژی و متدولوژی، این فرض مطرح است که روش اصلی راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام، حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم بوده است. و به همین علت، تصویر بازنمایی شده ناصحیح از راهبرد وی در جهان اسلام، (گسترش نفوذ) مردود و بر پایه ملاحظات غیر اخلاقی است.

پیشینه و نوآوری پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و تبیین روش راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام است. در این ارتباط تحقیق و پژوهش هدف‌مندی صورت پذیرفته است. اگرچه سیری در پیشینه سیره سیاسی شهید سلیمانی، کمک شایانی به نویسنده در راستای فرضیه تحقیق می‌کند.

رفیعی طاری و عبدیان (۱۳۹۹)، در تحقیقی تحت عنوان «نشانه‌شناسی و نمادشناسی شخصیت قاسم سلیمانی»، به بررسی ابعاد شخصیتی و رفتاری شهید سلیمانی با عنایت به مشخصه‌های فرماندهی و شناسایی ابعاد وجودی ایشان بواسطه سیمای جمهوری اسلامی از منظر اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، پرداخته‌اند.

ردایی و همکاران، هسته اصلی راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام را «مدیریت جهادی» می‌دانند. به اعتقاد آنها شهید سلیمانی با مدیریت جهادی خود نقشی مؤثر و اساسی در

عمل به مسئولیت اجتماعی و زنده نگهداشتن این آموزه اسلامی نسبت به ملت‌های مسلمان در جهان اسلام داشت (ردایی و همکاران، ۱۴۰۰).

امیری و کیانی، در مقاله‌ای به تبیین نقش گفتمان مقاومت در روابط بین ملت‌ها و دولت‌ها پرداخته‌اند. از دید نویسندگان، گفتمان شهید سلیمانی (مقاومت) با داشتن ویژگی‌هایی نظیر «حمایتگری»، «همدلی»، «مساوات‌طلبی»، روشی شایسته از ارتباطات و دیپلماسی را به‌واسطه دعوت مردم و نخبگان جهت مبارزه با تروریسم، پایه‌گذاری نمود (امیری و کیانی، ۱۳۹۸).
تاج‌بخش (۱۴۰۰) پس از شناسایی سبک‌های زندگی فرد محور، اجتماع محور، مدیریت محور و دین محور، سبک زندگی سیاست محور شهید سلیمانی را مبتنی بر همگرایی منطقه‌ای، استکبارستیزی، فراجناحی بودن، درک شرایط سیاسی و ولایت‌مداری تحلیل می‌کند (تاج‌بخش، ۱۴۰۰).

اسلامی و همکاران، در مقاله‌ای این پرسش را مطرح می‌کنند که روش‌های شناخت سیاست «دشمنی با ظالم و حمایت از مظلوم» در سیاست خارجی ج.ا.ایران چگونه قابل تجزیه و تحلیل اند؟ آن‌ها در پاسخ می‌نویسند: چهار سازه و منبع دین، تاریخ، فقه و آتیه‌نگری مهدوی، سیاست دشمنی با ظالم و حمایت از مظلوم را روش‌مند می‌کند (Eslami et al, 2020).
نوآوری تحقیق پیش رو بر خلاف تحقیقات مذکور که غالباً بر چیستی راهبردهای شهید سلیمانی (مدیریت جهادی، استکبارستیزی و ...) تأکید دارند، در این فرض ریشه دارد که روش‌مندی راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام، (حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم) افشاگر تحریف قرائت‌های نظام سلطه از راهبردهای مذکور است؛ چرا که از منظر نظریه‌های رئالیستی حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم، متضمن نفوذ ایران در جهان اسلام نیست.

تعریف مفاهیم

روش^۱: به معنای «در پیش گرفتن راه» است، «Meta» یعنی «در طول»، و «Odos» یعنی «راه». «روش» عبارت است از: فرآیند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دستیابی به شناخت یا توصیف واقعیت. به واسطه روش، می‌توان از طریق عقل یا غیر آن، واقعیت‌ها را شناخت و مدلل کرد و از لغزش برکنار ماند (ساروخانی، ۱۳۷۵).

روش‌شناسی^۲: بعضی روش‌شناسی را مبحثی نظری می‌دانند که با تعقل، منطق و فلسفه پیوسته است. بعضی دیگر روش‌شناسی را از فلسفه جدا دانسته، آن را یک رشته علمی می‌دانند. آنان ضمن پذیرش منطق، فلسفه و به طور کلی تعقل در کار روش و احراز شناخت، معتقدند: باید با مباحث ملموس و پدیده‌های حیات انسانی، تماسی نزدیک‌تر برقرار سازیم (حقیقت، ۱۳۸۲).

۱. Method

۲. Methodology

راهبرد^۱: راهبرد معادل مفهوم استراتژی است که به ریشه یونانی «استراتوس» به معنای «ارتش» و «آژین» به معنای «هدایت کردن» به دوران یونان باستان باز می‌گردد. اگرچه در گذشته استراتژی معنا و وجه نظامی داشته، اما به لحاظ تحولات سریعی که طی چهار دهه پس از جنگ جهانی دوم در ماهیت قدرتی ایجاد شد، طبیعی است که مفهوم راهبرد نیز دچار تحول گردید. در تعاریف جدید راهبرد، این مفهوم به جریان کلی حاکم بر هماهنگ سازی امکانات و هدف‌ها برای تأمین امنیت (فرد، رژیم و یا نظام سیاسی)، اطلاق می‌شود. برای نمونه، جان ام‌کالینز راهبرد را به معنای «به‌کارگیری قدرت ملی برای تأمین امنیت ملی» می‌داند. در نظریه آنگلو ساکسون، راهبرد مساوی است با «هنر کاربرد هر چه موثرتر امکانات دولتی». فون مولتکه راهبرد را «سازگار کردن وسایل تحت اختیار در جهت دستیابی به هدف مورد نظر» تعبیر می‌کند و هالستی راهبرد را «سمت‌گیری کامل سیاست خارجی کشورها» تعریف می‌کند که با طرز تلقی و تعهدات عمومی نسبت به محیط خارجی ملزم است (سیف‌زاده، ۱۳۹۶).

نظام سلطه^۲: نظام سلطه‌گر بر این باور است که هر کس قدرت داشته باشد، شایسته است؛ تا آنجا که خود قدرت، هدف است. اشغال کشورها و حمایت از گروه‌های تروریستی، تحریم‌های همه‌جانبه علیه برخی کشورها و ... از جمله اقدامات نظام سلطه است (محمودی رجا و همکاران، ۱۳۹۷).

دگرنمایی^۳: یکی از حرکت‌های جبهه رقیب در جنگ روانی، دگرنمایی واقعیت‌هاست. دگرنمایی در واقعیت نظام طاغوتی پهلوی، تحریف وقایع انقلاب و مواضع رجال دینی و سیاسی، تحریف و دگرنمایی در حقیقت و واقعیت نظام سلطه، دگرنمایی وقایع جنگ تحمیلی، تحریف امام خمینی (ره) و تحریف در موقعیت و جایگاه رفیع انقلاب اسلامی در منطقه و معادلات جهانی، نمونه‌هایی از دگرنمایی و تغییر ذهنیت مخاطب نسبت به پدیده‌هاست (نصرتی و صابری، ۱۴۰۱).

مقاومت اسلامی^۴: نظریه مقاومت در چارچوب گفتمان مبارزه با سلطه، تفسیر انقلاب اسلامی از نظام بین‌الملل مبتنی بر اندیشه‌های الهی است (قادری کنگاوری، ۱۳۹۲) و از این منظر بحران‌های حاضر در روابط بین‌الملل، ناشی از رابطه سلطه‌گری - سلطه‌پذیری بین واحدهای سیاسی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۷).

۱. Strategy

۲. Domination system

۳. Distortion

۴. Islamic resistance

مبانی نظری: دگرنمایی نظام سلطه از راهبردهای مقاومت

نویسنده بر این باور است از آنجایی که رشته علوم سیاسی و راهبردی خاستگاهی غربی دارد و در کشورهای غربی تثبیت و ترویج یافته است، قاعدتاً جریان علمی سیاسی در ارتباط با کشورهای تجدیدنظرطلب و رهبران سیاسی و نظامی آنها با مجامع و نهادهای قدرت در غرب پیوند خورده و تحت تأثیر تدابیر و راهبردهای اصلی نظام حاکم بر سیاست بین‌الملل (سلطه) قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه لائوسون و شیلیام معتقدند: جریان اصلی در [علوم سیاسی] و روابط بین‌الملل، در بیشتر موارد، جهان فراتر از [آمریکا] و اروپا، جهان فراتر از مردان و اغلب اوقات جهان فراتر از سیاست‌های اعلی را حذف کرده است (Lavson and Shilliam, 2010: 71).

به طور واضح، نتیجه چنین پیوندی قرائتی واژگونه از تحولات جبهه مقاومت و رهبران آنهاست. نویسنده این تحلیل را بر اساس داده‌های عینی که در ادامه مقاله آمده است، علمی نمی‌پندارد و در جست‌وجوی روشی بومی جهت راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام است.

لذا در همین ارتباط، تبیین نظام سلطه و تحلیل گفتمان کشورهای ضد سلطه که در این مقاله در قالب گفتمان مقاومت به آن پرداخته می‌شود، ضروری است. به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای جوهره اصلی نظام سلطه «زور» است. در نظام سلطه مشروعیت و مقبولیت معنی ندارد و از کارکرد حداقلی برخوردار است و سلطه‌گران به پشتوانه زور سلطه خود را بدون در نظر داشت اصول اخلاقی بر دیگران تحمیل می‌کنند. در دنیا استکبار جهانی و تفکری که بر استکبار جهانی و بر گروه‌هایی که تابع آنهاست حاکم است، «تفکر قدرت» است. اصلاً برای ملتی که قدرت نداشته باشد، حق حیات قائل نیست. برای ملت‌های جهان سوم ... هیچ حق حیاتی قائل نیستند... بدون ... کمترین اعتنایی به نظر آنها... برایشان تصمیم می‌گیرند. همچنین، مجامع تصمیم‌گیری نظام سلطه نظیر «دولت‌ها»، «تصمیم‌گیران»، «تصمیم‌سازان»، «اتاق‌های فکر» طوری برنامه‌ریزی می‌کنند که بازیگران روابط بین‌الملل، جهان را تنها از منظر آنها ببینند. بنابراین، مبارزه با رژیم‌های انقلابی و سرنوشتی آنها یکی دیگر از اهداف سیاسی نظام سلطه در جهت بقاء و تداوم است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «نظام سلطه به میل خود انقلاب‌ها را نفی و برای رژیم‌های انقلابی، اشکال‌تراشی می‌کند»؛ زیرا وجود حکومت‌های انقلابی و مردمی مانع و سدی است که جلو زیاده‌طلبی و زورگویی سلطه‌جویان را می‌گیرد (امام خامنه‌ای مدّ ظلّه‌العالی، ۱۳۹۴).

بنابراین، در گفتمان مقاومت، فرض بر این است که گفتمان مدرنیزاسیون، برخی از نیروهای اجتماعی و یا رهبران سیاسی و نظامی آنها را در جوامع اسلامی به حاشیه رانده یا سرکوب کرده است که همین نیروهای اجتماعی سرکوب شده با تولید دانش و صورتبندی معرفتی معترض در مقابل گفتمان سلطه، مقاومت می‌کنند. محور مقاومت اعتقاد دارد که اگر جهان در قرن‌های متمادی عرصه غلبه سلطه‌گران بوده است، دیگر این به حاشیه رفتگان هستند که با تکیه بر

آرمانهای اسلامی از حاشیه به متن آمده‌اند و مدعی رهبری امور و داشتن حق تعیین سرنوشت خویش هستند. اسلام سیاسی روایتی است که این نیروها اجتماعی از اسلام به دست می‌دهند و به این ترتیب گفتمان مسلط غربی را به چالش می‌کشند. مهم‌ترین ویژگی این گفتمان، به دست دادن روایتی سیاسی از اسلام است. بر این اساس، اسلام سیاسی حاصل ایدئولوژی و عقلانیت گروه‌های اسلامی است که در فرایند گفتمان غالب سلطه در قالب مدرنیته جذب نشده و به حاشیه رانده شده‌اند (محمودی رجا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۵).

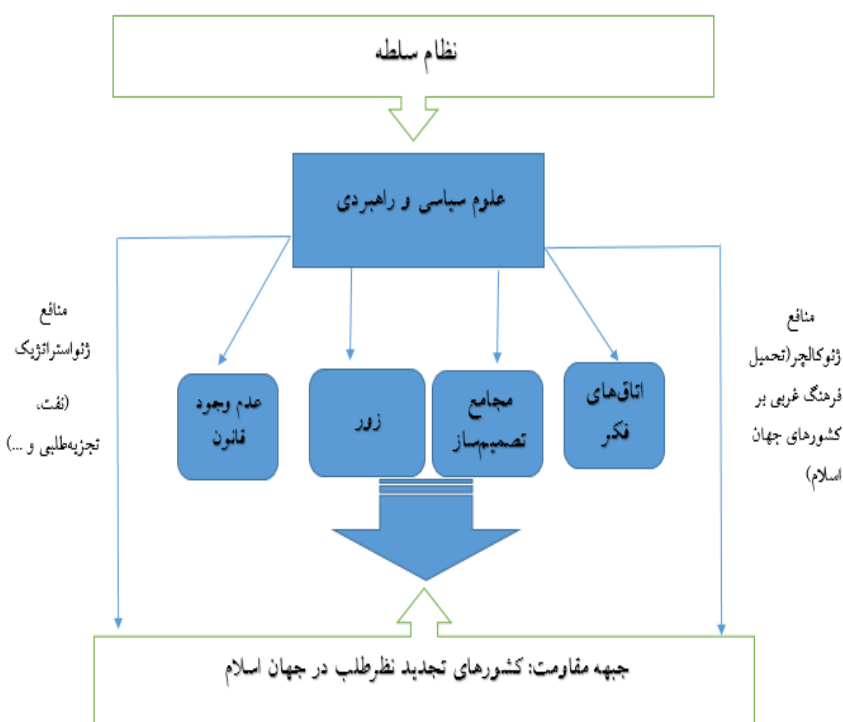
نظریه مقاومت به‌عنوان یک نظریه‌رهایی‌بخش در قالب پارادایم برخورد با سلطه و مبتنی بر قدرت، روایت^۱ انقلاب اسلامی از اسلام ناب محمدی (ص) و نظام بین‌الملل است. بدون شک چنین مقاومتی - مقاومت پویای برخاسته از انقلاب اسلامی و نه مقاومت منفعلانه - برگرفته از متن قرآن و سنت رسول‌الله (ص) است. از این رو، شاید مهم‌ترین پیامد انقلاب اسلامی ایران را بتوان همین چالش در برابر هژمونیک‌گرایی و سلطه جهان غرب بر مناطق پیرامونی دانست (قادری کنگاوری، ۱۳۹۲: ۲۴۸-۱۹۱).

لذا گفتمان مقاومت اسلامی یا به طور مشخص جبهه مقاومت، از سه طریق هندسه قدرت در جهان اسلام را تحت تأثیر قرار داده است. اول، به تقویت پایه‌های مقاومت در لبنان و پشتیبانی از جنبش‌های اسلامی در منطقه، نظیر جنبش جهاد اسلامی و حماس می‌پردازد. دوم، جمهوری اسلامی به واسطه تلاش برای اتحاد و ائتلاف با جنبش‌ها و تشکل‌های غیردولتی، سعی کرده تا مبارزه با راهبردهای نظام سلطه در غرب آسیا را نهادینه کند. بر این اساس، گفتمان مقاومت انقلاب اسلامی باعث شده تا بسیاری از این جریان‌ها به شکل نهادی و سازمان‌یافته علیه نظام حاکم در کشور خود، فعالیت کنند. سوم، ارزش‌ها و بنیان‌های اعتقادی مقاومت (گسترش هنجار مقاومت، خودآگاهی سیاسی، رواج فرهنگ شهادت و غیره) به واسطه رشد و نضج اندیشه انقلاب اسلامی (غیرمستقیم) در تحقق نشر ابعاد معنایی مقاومت اسلامی، میان جوامع جهان اسلام نهادینه شده است (داوند و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۹).

ایالات متحده آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین سردمدار نظام سلطه، با توجه به علائقی چون دسترسی به منابع نفت و گاز، جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، تحت کنترل نگه‌داشتن تروریسم، ممانعت از ایجاد قدرت منطقه‌ای غیرقابل کنترل و برقراری ثبات در کشورهای همسو، دل‌بستگی خاصی به جهان اسلام برای حفظ منافع خود دارد (دهشیری، ۱۳۸۳: ۱۱۵). نظام سلطه سعی دارد تا در کشورهای جهان اسلام به تقویت گرایش‌های گریز از مرکز با دامن زدن به بحران‌های اجتماعی و قومی مبادرت ورزد، تا از این رهگذر پروژه بالکانیزه کردن کشورهایی چون ایران، عراق و عربستان را در بلندمدت، عملی سازد. این مهم برای برهم‌زدن توازن قدرت

منطقه‌ای به نفع رژیم صهیونیستی و زمینه‌سازی برای تحقق پروژه «اسرائیل بزرگ» است (دهشیری، ۱۳۸۳: ۱۲۴-۱۲۵). بنابراین، در چنین شرایطی، نظام سلطه حاکم جهت فشار بر مقاومت اسلامی و تطبیق سیاست‌های این جبهه با قواعد مورد نظر خود، سعی در دگرنمایی راهبردهای سیاسی و نظامی جبهه مقاومت و رهبران آن را دارد. در نگاره زیر گزاره‌های فوق‌الذکر، به تصویر کشیده شده است.

نگاره شماره (۱) - تبارشناسی دگرنمایی نظام سلطه از راهبردگفتمان کشورهای حوزه مقاومت اسلامی



منبع: نویسنده

این در حالی است که اهداف سردمدار نظام سلطه در طول این دوره با مدیریت هوشمندانه شهید سلیمانی خنثی شده بود. سقوط حکومت بشار اسد در سوریه هدف کوچکی نبود؛ نه تنها آمریکایی‌ها بلکه بسیاری از کشورهای منطقه بر روی آن، سرمایه‌گذاری کرده بودند (عرفانی فر، ۱۳۹۹: ۷۵-۷۳). براندازی حکومت در عراق نیز از دیگر اهدافی بود که آمریکایی‌ها اگرچه در ظاهر بروز نمی‌دادند، اما مروری بر مجموعه سیاست‌ها و بکارگرفتن دکترین‌های نظامی و امنیتی در طول این دوره نشان می‌دهد که واشنگتن در عمل قصد داشته است نظام سیاسی عراق

را دگرگون کند.

اینکه القاعده و داعش و سایر گروه‌های تروریستی در منطقه مولود نقشه‌های آمریکایی‌ها و سعودی‌ها هستند، امری است آشکار؛ بگونه‌ای که هم هیلاری کلینتون وزیر خارجه اوپاما و هم دونالد ترامپ، به این امر اعتراف کرده‌اند (جمشیدی و داوند، ۱۳۹۸: ۷۰). برای تشکیل این گروه‌ها سرمایه‌گذاری هنگفتی صورت گرفت و در طول دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۷ هم بخش بزرگی از بودجه هزاران میلیاردی که ترامپ برای جنگ عراق منتقدش بود، مختص تشکیل این گروه‌های تکفیری شده بود. حتی در طول جنگ علیه داعش در عراق نیز آمریکایی‌ها همواره مواضع الحشد الشعبی و ارتش عراق را بمباران می‌کردند و بعد آن را توجیه، یا اینکه محموله‌های کمک‌های نظامی و غیر نظامی برای داعش در صحنه‌های نبرد، پرتاب می‌کردند و دوباره با یک تکذیبیه یا جمله کوتاه "اشتباه شد"، آن را جمع می‌کردند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹).

در حقیقت، شهید سلیمانی تمام سرمایه‌گذاری‌های نظام سلطه را به شکل روشمند به هم ریخته و راهبردهای آنها را در جهان اسلام، با اختلال مواجه ساخته بود. در ادامه، به تبیین مهم‌ترین ابعاد راهبردهای روشمند شهید سلیمانی در جهان اسلام خواهیم پرداخت.

روش‌شناسی (مبانی روش حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم)

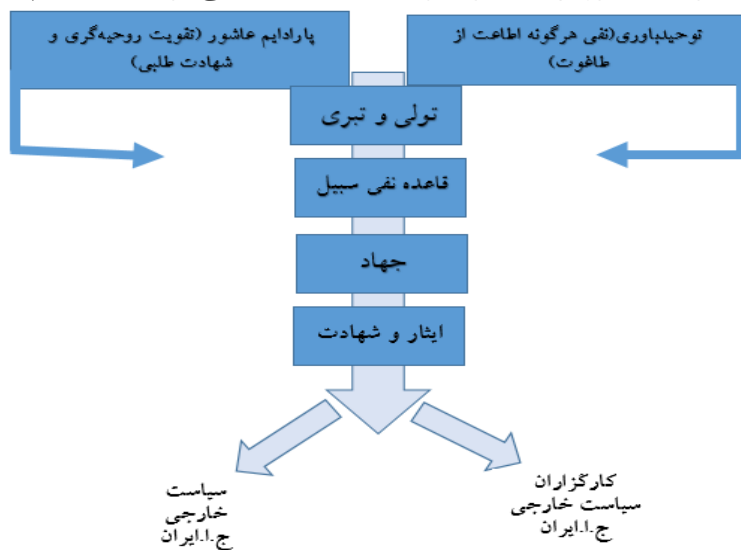
روش اصلی تحقیق حاضر؛ تحلیلی است. نوع این پژوهش؛ کیفی و نظری می‌باشد. شیوه گردآوری اطلاعات؛ کتابخانه‌ای و اسنادی است و ابزارهای گردآوری داده‌ها؛ فیش‌برداری خواهد بود. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز، کیفی (تحلیلی و منطقی) است.

از اینرو، شناخت راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام، مستلزم در نظر داشت مقتضیات خاص زمانی و مکانی انقلاب اسلامی برای سیاست و علوم سیاسی است. در واقع، زیرساخت‌های فکری و منابع عقیدتی انقلاب اسلامی، از بسیاری جهات مباحث روش‌شناختی در مطالعات اجتماعی غربی را به چالش می‌کشد. به عبارت بهتر، هستی‌شناسی خاص انقلاب اسلامی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی منحصر به فرد خود را برای علوم سیاسی و سیاست خارجی در پی دارد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متأثر از دین مبین اسلام و تحولات تاریخ شیعه، روشمند شده است. پس بر اساس اصول و آموزه‌های اسلامی، روش‌شناسی سیاست خارجی ایران از شیوه‌های شناخت سیاست خارجی سایر دولت‌ها (پارادایم‌های اومانیستی) متمایز است و بر همین مبنا، رفتار جمهوری اسلامی ایران در قبال نظم بین‌المللی و محیط پیرامون، صورتبندی می‌شود.

در سیاست خارجی دولت اسلامی و کارگزاران آن، نقش مکتب اسلام، اصول و آموزه‌های برآمده از آن و دیدگاه‌های فقیهان و اندیشمندان اسلامی در این خصوص تعیین‌کننده است.

همان‌گونه که خصلت‌های فرهنگی و ایدئولوژیک ممکن است در سیاست خارجی هر کشور تأثیرگذار باشد، جمهوری اسلامی نیز به دنبال تحقق ارزش‌های مکتبی و توحیدی در چارچوب (زارعی، زینی وند و محمدی، ۱۳۹۳: ۱۷۱) روش‌های خاص خود در سیاست خارجی است. از سویی، تاریخ با الهام از پارادایم عاشورا، به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و کارگزاران آن می‌آموزد که بهره‌گیری از روحیه ایثار و شهادت‌طلبی، نفی سلطه‌پذیری و استقلال را در پی دارد.

نگاره شماره (۲) - روش‌مندی راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام



منبع: نویسنده

یافته‌های پژوهش

مبانی راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام، برگرفته از دین مبین اسلام و تحولات تاریخ شیعه است. در زیر به تبیین این موضوع خواهیم پرداخت.

راهبردهای سیاسی

اصل تولی و تبری، بر روش نوع‌دوستی سیاسی و دشمن‌شناسی شهید سلیمانی تأثیر دارد.

الف. مبانی: تولی و تبری

تولی در فرهنگ اسلام عبارت است از: پذیرش حکومت، سرپرستی و دوستی خدا و پیامبر و تبری، دوری جستن از فرد و جریانی است که جهت الهی ندارد و دشمن خدا محسوب می‌شود (وفا و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۲).

بسیاری از علمای شیعه و اهل سنت و دیگر فرق اسلامی از جمله پیروان اباضیه مسئله تولی

و تبری را به گونه‌ای اثبات کرده‌اند که اعتقاد و التزام نداشتن به آن، به معنای فقدان ایمان است (محمدی و اکبرپناه، ۱۳۹۹: ۱۰۳).

مرحوم علامه طباطبایی (ره)، تولی و تبری را امری لازم، ضروری و جزء از معتقدات مذهب امامیه می‌داند، به گونه‌ای که هر کسی نسبت به خداوند، اولیاء الهی و مؤمنان که از مصادیق تولی می‌باشد محبت داشته باشد در دایره ایمان بوده، و دشمنان خدا و رسول خدا و ائمه (ع) و مومنان که از موارد و مصادیق تبری می‌باشد، از دایره ایمان خارج می‌باشند (سیاهپوش و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۵). تولی و تبری در عرصه سیاست خارجی جایگاه بی‌بدیلی در سپهر اندیشه سیاسی اسلام دارد و تصمیم‌سازان، در رویارویی با نظام سلطه و همراهی با سلطه‌شوندگان، این امر را الگوی روابط خارجی خود قرار می‌دهند (مطهری، ۱۳۶۸: ۳۵).

مقام معظم رهبری در توصیف انقلابی‌گری شهید سلیمانی از جملاتی مانند «اهل حزب، جناح و مانند اینها نبود»، «ذوب در انقلاب بود»، «به شدت پایبند به انقلاب و پایبند به خط مبارک امام راحل بود» استفاده نموده است (امام خامنه‌ای مدظله العالی، ۱۳۹۸). پهلوان و شریف در تحقیق خود انقلابی‌گری شهید سلیمانی را با مضمون‌هایی چون امین رهبری، ولایت‌مداری، پیگیر خشنودکردن امام، اعتقاد عملی به ولی فقیه، هماهنگی راهبردی و عملیاتی با رهبری، همسویی ایدئولوژیکی با رهبر، جانثار رهبر، اطاعت از تصمیم رهبر، اولویت دادن به نظر ولی فقیه نسبت به نظر خود، مطیع امام و رهبری، رفیق خوب رهبر، حمایت از رهبری، مقلد واقعاً رهرو، سربازی وظیفه‌شناس و ... (پهلوان و کاظمی، ۱۹۹: ۱۵۹) که از مصادیق عینی تولی شهید سلیمانی هستند، توصیف می‌کنند.

ب. عناصر: دشمن‌شناسی و نوع دوستی سیاسی

شهید سلیمانی در اهمیت بحث دشمن‌شناسی می‌فرماید:

شناخت از دشمن یک امر سیاسی نیست. شناخت از دشمن یک امر تحقیقی و تجربی است. برای شناخت از دشمن باید به تاریخ سیطره و عملکرد و استراتژی دشمن توجه داشت. وی با بیان این سؤال که چرا امیرالمؤمنین (ع) با معاویه صلح نکرد؟ اگر علی (ع) با معاویه صلح می‌کرد چیزی از مشروعیت وی باقی می‌ماند؟ ممکن بود امیرالمؤمنین (ع) به شهادت نرسد اما آیا از اسلام چیزی باقی می‌ماند؟ اگر در جامعه ما نخبگان سیاسی اگر آدرس غلط به جامعه دادند مرتکب خیانت شده‌اند (سلیمانی، ۱۳۹۶/۰۹/۰۳).

از طرفی، شهادت سردار سلیمانی ما حسنات زیادی دارد که یکی از آنها روح جدیدی است که با این شهادت به انقلاب دمیده و اثر دیگر آن اینکه روحیه ولایت‌پذیری، جهاد و اخلاص را تشدید کرده است، اما به نظر می‌رسد در میان آثار فراوانی که این شهادت عظیم و این تشیع میلیون‌ها ملت داشته است، از یک اثر می‌توان به مهم‌ترین آثار تمدنی نام برد و آن ایجاد روح تبری در جامعه و انقلاب می‌باشد.

جامعه ایران در کوران ابتلائات تاریخی در مسئله تولی به اهل بیت (س) سرآمد بوده‌اند و در انقلاب اسلامی انسان اوج این تولی را مشاهده می‌کند. بسیجی ۱۳ ساله که حتی امام غیر معصوم خود را ندیده، ولی با اشاره او جان خود را فدای مکتب می‌کند صحنه‌هایی که حتی در حضور امام معصوم (ع) در تاریخ شیعه بی‌نظیر و کم‌یاب بوده است. اوج این تولی را می‌توان در رفتار سردار شهید مشاهده کرد که خود را سرباز ولایت می‌دانست و با اشاره امام خود یک جبهه مقاومت را شکل داد. به عبارتی دیگر، متناسب با بلوغ تولی مردم ایران آنگونه که باید روحیه تبری رشد نکرده بود و به یک فرهنگ عمومی تبدیل نشده بود، ولی با شهادت سردار این عطیه و این رزق الهی به مردم داده شد. این شهادت، روح تبری از ظالم و باطل را نه تنها در جهان اسلام، بلکه در جامعه جهانی دمید. تولی و تبری در دین بسیار مهم است و اتفاقاً بر اساس معارف دینی، تبری مقدم بر تولی است. در شعار توحید «لا اله الا الله» ابتدا باید نفی معبودها و الهه‌ها و نفی بت‌ها شود تا در مرتبه بعد الله ثابت شود (جمالی، ۱۳۹۸).

معنوی معتقد است رهیافت دشمن‌ستیزانه شهید سلیمانی سه اصل دارد: (۱) معرفی کامل اسلام و تشیع. او معتقد بود اسلام حقیقت درونی دارد و به همین سبب شکست نمی‌خورد. و مذهب نقش بسیار مهمی در انگیزش جبهه مقاومت و رشادت، شهامت و شهادت‌طلبی دارد. (۲) ایجاد رابطه معنی‌دار بین فرهنگ انتظار و مقاومت. او بین رفتار و اعتقاداتش به مذهب ارادتش به ولی فقیه به عنوان نایب امام عصر (عج) رابطه معنی‌داری قائل بود. (۳) اهتمام به مرجعیت سیاسی شیعه. شهید سلیمانی رهبری را پشتیبان اصلی جبهه مقاومت برمی‌شمرد و معتقد است: نظام بدون ولایت فقیه سر پل نمی‌ماند (معنوی، ۱۴۰۱: ۱۹۴-۱۹۲).

راهبردهای دیپلماتیک

قاعده نفی سبیل مبنای روشی نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری شهید سلیمانی است.

الف. مبانی: نفی سبیل

اندیشمندان و فقهای اسلامی برای حفظ عزت و عظمت مسلمانان با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین، قاعده‌ای فقهی را به عنوان قاعده نفی سبیل تأسیس کرده‌اند. طبق آیه کریمه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (قرآن کریم سوره نسا آیه ۱۴۱) راه هرگونه تسلط کافران بر مؤمنان بسته شده است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۰-۱۶۹). قرآن بر مبنای اصل «نفی سبیل» مسلمانان را در خصوص خطر نفوذ غیرمسلمانان آگاه کرده است. در این خصوص ملاک و معیار ثابت در روابط مسلمانان با غیرمسلمانان و کفار، بستن راه‌های نفوذ و جلوگیری از سلطه احتمالی آن‌هاست (وفا و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۵-۵۳). به همین دلیل، در قرآن کریم پس از موضوع جهاد در سیاست خارجی دولت اسلامی، بر هیچ مسئله سیاسی دیگری نظیر نفی ولایت غیرمسلمان بر مسلمان توجه و تأکید نشده است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۱).

خنتی کردن نقشه‌های نامشروع آمریکا در غرب آسیا، نمونه‌ای از تدبیر شهید سلیمانی بود. کارسازی بی نظیر سردار سلیمانی در چالش فلسطین، به شکلی بود که به آنها جرأت و توان پیکار با دشمن را داد. ایشان با یاری مرجعیت دینی در عراق، عناصر مؤمن و جوانان شجاع عراقی را در برابر نقشه‌های آمریکا، هشیار نمود. وی همچنین، در لبنان با تقویت حزب‌الله از نقش مداخله‌گرانه صهیونیست‌ها، به شدت کاست (سالاری راد، ۱۴۰۱: ۳۵). در دوران جنگ با داعش در عراق و سوریه، شهید سلیمانی مانند دفاع مقدس، نماد ایستادگی و استقامت است. *الاسدی*، سخنگوی حشدالشعبی عراق، می‌گوید: حاج قاسم سلیمانی، همواره در صحنه نبرد حاضر است و من بر این عقیده‌ام هیچ هدایت راهبردی شکل نمی‌گیرد مگر اینکه با راهنمایی‌های وی به سرانجام می‌رسد. قاسمی، فرمانده سپاه خراسان جنوبی، نیز می‌افزاید: «حضور سپهد سلیمانی در عملیات، حال همه نیروها را خوب می‌کرد و قوت قلبی برای همه ما بود ... همیشه خودش در منطقه و میدان بود.» (شیرازی، ۱۳۹۹: ۱۰۹-۱۰۴).

ب. عناصر: نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری

فقیه‌ی زاده با اشاره به آیه شریفه نفی سبیل «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، می‌افزاید: در جامعه ایمانی باید این توجه دمام وجود داشته باشد که آحاد جامعه و مسئولان جامعه اسلامی هرگز زیر بار ولایت کافران نروند و این اجازه را خدا نداده است. به اعتقاد وی، مقاومت شهید سلیمانی جلوه برجسته‌ای از نفی ولایت کافران است؛ چرا که همین کافران با حضورشان به دنبال تحقیر مسلمانان، سوء استفاده از امکانات کشورهای اسلامی، بهره‌کشی از توان آنها و در نهایت تضعیف آموزه‌های دینی در جامعه اسلامی هستند. بر همین مبنا، بدخواهان و دشمنان ایران اسلامی باید تحلیل کنند که توان امروز کشور مانند توان چهل سال قبل نیست و در پرتو تلاش‌ها مجاهدت‌های سپهد قاسم سلیمانی بوده، توانسته‌ایم توانی را برای دفاع به دست بیاوریم که دشمن در محاسبات خود دچار اشتباه استراتژیک نگردد (فقیه‌ی زاده، ۱۳۹۸).

در همین راستا، شهید سلیمانی در وصیت‌نامه خود می‌آورد: «بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ص).» بر حفظ ام‌القری جهان اسلام، تأکید ویژه دارد. در واقع برای سردار «اسلام در این برهه تداعی یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است» است که نباید آن‌را تنها گذاشت. رویکرد مکتبی و انسانی او نه تنها ایران را اولویت می‌داند، مستضعفان و آزادی خواهان را نیز اولویت می‌داند و نگاه سکولار منافع‌محور ندارد. دید مکتبی سردار برگرفته از خط امامی است که تجلی آن در اصل ۱۵۴ قانون اساسی است: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را، حق تمام مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبرین

در هر نقطه از جهان، حمایت می‌کند.» بر اساس همین نگاه است که قاعده «نفی سیبل» که در اصل ۱۵۲ قانون اساسی متجلی است نیز هرگونه ظلم‌پذیری را بر نمی‌تابد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.» (خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۸/۱۱/۲۶).

راهبردهای نظامی - مدیریتی

جهاد، شیوه رهبری نظامی و مدیریتی شهید سلیمانی در جهان اسلام را روشمند می‌نماید.

الف. مبانی: جهاد

اسلام از جنگ به عنوان آخرین چاره برای نابود کردن بت‌پرستی و اشاعه توحید استفاده کرده است؛ نه کشورگشایی و تسلط بر ملت‌های ضعیف (رکنی یزدی، ۱۳۸۹: ۱). مفهوم جنگ از جهاد وسیع‌تر است، زیرا شامل همه منازعات می‌شود و جهاد نوعی از آن است (فغفور مغربی، ۱۳۸۸: ۳۰). جهاد در یک تقسیم‌بندی کلی، به دو نوع جهاد ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود؛ در «جهاد دفاعی» دولت اسلامی و تک‌تک مسلمانان در برابر تجاوز خارجی به کیان اسلام، وارد جنگ و کارزار شده و در «جهاد ابتدایی» مسلمانان ابتدائاً و بدون وجود تجاوز به کشوری دیگر حمله می‌کنند (حاج اسماعیلی و حبیب‌اللهی، ۱۳۹۱: ۳۷-۳۶). از مهم‌ترین اهداف جهاد در اسلام می‌توان مواردی همچون دفع فتنه، رفع تجاوز و حمایت از مظلومان و مستضعفین را برشمرد (حاج اسماعیلی و حبیب‌اللهی، ۱۳۹۱: ۵۹-۴۵). اصل جهاد در فرهنگ سیاسی تشیع، همواره مسلمانان را به لزوم آمادگی نظامی جهت جلوگیری از استبداد ظالمان و عدم پذیرش ظلم زورگویان، آگاه کرده است.

مدیریت در مکتب «قاسم سلیمانی» از «جهاد با نفس» آغاز می‌شود. در این مکتب «اگر فردی توانست خود را مدیریت کند، می‌تواند همه جهان را مدیریت کند. اگر توانست خود را کنترل کند و خود را بسازد، می‌تواند دیگران را هم بسازد. و اگر توانست خود را تربیت کند، دیگران را هم می‌تواند تربیت کند.» بنابراین، الگوی تربیت مدیران جهادی از خود مدیران شروع می‌شود و شروع آن هم از «جهاد با نفس» است (رودگر، ۱۴۰۰).

«پیتر دراکر» پدر علم مدیریت می‌نویسد: «اگر کسی بتواند زمان را مدیریت کند می‌تواند دیگران را مدیریت کند.» اما در نگرش «قاسم سلیمانی» هرکسی بتواند خود را مدیریت کند، می‌تواند دیگران را مدیریت کند. ولی این جهاد با نفس در میدان عمل صورت می‌گیرد و در اتاق‌های در بسته و دور از حوادث انجام نمی‌شود. بنابراین، جهاد با نفس، جدای از جهاد با دشمن نیست. در ترکیب این دو جهاد، مدیران واقعی شکل می‌گیرند (رضایی، ۱۳۹۹: ۶).

ب. عناصر: رهبری جبهه مقاومت

سردار سلیمانی از شجاع‌ترین فرماندهان جنگ تحمیلی بود. ایشان جمله معروفی داشت که می‌گفت: فرماندهان دفاع مقدس همواره به نیروهایشان می‌گفتند: «بیایید جلو» و نمی‌گفتند «بروید جلو»؛ چون همیشه خود ایشان زودتر از نیروهایشان در خط مقدم بودند. سردار سلیمانی این خصوصیت را حفظ کرده بود و در صحنه‌های بسیار خطرناک در عراق، سوریه و جنگ ۳۳ روزه لبنان، حضور داشت. همچنین، از سال ۲۰۰۵ میلادی بود که فرایند تقویت مقاومت از لحاظ نظامی آغاز گردید. در این میان، حاج قاسم سلیمانی و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش برجسته‌ای در ارتقا بخشیدن به مقاومت مسلحانه در نوار غزه، ایفا کردند. از سویی، اگر امروز شاهد حضور مقاومت قدرتمند در جنوب لبنان هستیم که به طور کامل از آمادگی برای ایستادن و رویارویی با دشمن صهیونیستی برخوردار است، این آمادگی مرهون حمایت‌های ایران و حاج قاسم سلیمانی است. در عراق و سوریه و یمن نیز شاهد آن هستیم که جنبش‌های مقاومت جملگی قدرت یافته‌اند و اکنون در برابر پروژه‌های غربی و نیز پروژه‌های رژیم صهیونیستی ایستادگی می‌کنند. این مسأله غیرقابل انکار است (اسداللهی، ۱۳۹۹).

همچنین یکی از مصادیق جهاد شهید سلیمانی مبارزه با تروریسم داعش است. در اکثر نبردهایی که رزمندگان محور مقاومت در سوریه و عراق با عناصر تروریستی داعش داشتند، حاج قاسم یا مستقیماً و بصورت میدانی فرماندهی آن را برعهده داشت و یا بصورت غیرمستقیم، عملیات را هدایت می‌کرد. به عنوان نمونه، شهر «آمرلی» در استان صلاح‌الدین عراق به مدت ۸۰ روز تحت محاصره گروه تروریستی تکفیری داعش قرار داشت. در شهریور ماه سال ۹۳ با حملات ارتش عراق و حشد الشعبی این کشور این محاصره شکسته شد. فرمانده نبرد ظفرمندان «آمرلی» کسی نبود جزء «حاج قاسم». آزادسازی شهر شیعه نشین «آمرلی» و مجاهدت‌ها و ایثار نیروهای حشد الشعبی در نجات اقلیت ترکمن ساکن این شهر از چنگال متوحشان داعشی، بر محبوبیت بسیج مردمی عراق و «حاج قاسم» افزود. تا جاییکه خبرگزاری رویترز نوشت: در پی شکست داعش در آمرلی و مناطق شرقی استان صلاح‌الدین با فرماندهی مستقیم حاج قاسم، تروریست‌های داعشی روحیه خود را از دست دادند و در موصل پایتخت خودخوانده خود نیز فرار را برقرار ترجیح دادند (خبرگزاری میزان، ۱۳۹۹/۰۲/۱۳).

راهبردهای فرهنگی - اجتماعی

روحیه ایثار و شهادت باعث روشمند شدن شهادت‌طلبی و روحیه ایثارگری برای مظلومان در جهان اسلام شده است.

الف. مبانی: روحیه ایثار و شهادت

وقایع عاشورا که در آن امام حسین (ع) و یارانش به گونه‌ای مظلومانه که تحریک‌کننده عواطف و احساسات انسانی است به شهادت می‌رسند؛ جایگاهی ویژه و نمادین در فرهنگ سیاسی تشیع و شیعیان دارد. از جمله آثار این نهضت، عدم جواز مسامحه در حراست و نگهداری

از ارزش‌های دینی به بهانه نداشتن قدرت است (هنری لطیف پور، ۱۳۸۰: ۸۹). هدف قیام امام حسین (ع) بازگرداندن جامعه اسلامی به خط صحیح آن در زمانی بود که ظلم و استبداد مسلمین را منحرف کرده بود. از مصادیق واقعه عاشورا، مواردی همچون ضرورت فداکاری برای حفظ دین و آسیب‌پذیری جبهه دشمن با همه توانایی‌های ظاهری را می‌توان برشمرد (امام خامنه‌ای مدظله العالی، ۱۳۷۴).

این نمود همواره در زندگی شیعیان جاری و ساری بوده است و مسلمانان در مبارزه با ظالمان واقعه عاشورا را به عنوان تمثیلی از چنین حرکتی، در نظر داشته و به آن تمسک جست‌اند. پارادایم «عاشورا» یک مفهوم منفرد نیست؛ بلکه بسیاری از مفاهیم دیگر با آن گره‌خورده که توأمان به ذهن متبادر می‌شود. مفاهیمی نظیر «شهادت»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «جهاد» و «تولی و تبری» همگی از ابعاد محتوایی حماسه عاشورا است و به تفسیر ایرانیان از وقایع سیاسی داخل و خارج جامعه خود، شکل می‌دهند. به عنوان نمونه، مفهوم «جهاد» در زندگی امام حسین (ع) تجلی نام یافته؛ به گونه‌ای که شیعیان وی را «سیدالشهدا» خطاب می‌کنند. جنگ تحمیلی هشت‌ساله ایران با رژیم بعث عراق (پوستینچی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۰۵) و دفاع از حرم حضرت زینب سلام‌الله علیها از نمونه‌های تأثیرپذیری از فرهنگ عاشورا و شهادت در سیاست خارجی است. فرهنگ عاشورا به‌طور کلی نماد مبارزه با ظلم و دفاع از حق برای شیعیان تلقی می‌شود.

ب. عناصر: ایثارگری و شهادت‌طلبی

شهید سلیمانی در عرصه‌های مقاومت اسلامی آگاهانه و متعهدانه به جهادی فراگیر پرداخت و همواره حمایت از مردم فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی را وظیفه‌ای دینی و انقلابی خود می‌دانست و پیروزی محور مقاومت در برابر گروه‌های تکفیری و تروریستی را مقدمه‌ای برای فروپاشی رژیم صهیونیستی و شکست آمریکا، قلمداد می‌کرد. در حقیقت، بسیاری از کامیابی‌های جبهه مقاومت در گرو روحیه ایثارگری و شهادت‌طلبی سردار سلیمانی است. وی همه زندگی خود را وقف جهاد و دفاع از سرزمین اسلامی و حفاظت از منافع و مصالح امت اسلامی کرد. شهید سلیمانی نماد شجاعت و تدبیر، مقاومت و ایثارگری و جهاد عزت و اقتدار بود و از این رهگذر با تمرکز بر گفتمان جهادی و ایثارگری باعث وحدت، همگرایی و هم‌افزایی ظرفیت‌های مردمی امت اسلامی در مقابله با نظام سلطه بین‌الملل شد (فرزندی، ۱۳۹۹). برای نمونه، شهید سپهبد سلیمانی در رابطه با شهادت با تاسی از مکتب امام حسین علیه السلام چنین می‌فرمایند:

«به همه شما خواهران و برادران گرانقدرم، این ماه خون و شهادت را، این ماه عزت و عظمت را تسلیم عرض می‌کنم. انشاءالله خداوند به همه ما توفیق بدهد که از رهروان راه امام حسین - آن آزاده بزرگی که درس آزادی و کرامت، جوانمردی و ایثار به همه ایثارگران و به همه آزادگان عالم داد - [باشیم]. همه آزادگان عالم از زمان شهادت امام حسین تا آخر دنیا از

شاگردان مکتب امام حسین هستند و از محضر امام حسین تلمذ می‌کنند...» (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۶/۰۷/۰۳).

لذا روحیه ایثار و فداکاری در رفتار و منش سردار شهید حاج قاسم سلیمانی ساری و جاری بود و شهید سلیمانی الگویی بی‌بدیل و آینه تمام‌نمای یک انسان مؤمن، ولایت‌مدار، ایثارگر و خدمتگزار بود؛ لذا شناساندن مکتب والای شهید سلیمانی به نسل‌های آینده‌ساز این مرزوبوم از مهم‌ترین وظایف ما در مسیر نشر و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت است (عسگری، ۱۳۹۹).
در جمع‌بندی بحث باید ذکر نمود که روش راهبردهای سیاسی و نظامی شهید سلیمانی متأثر از اصولی است که در بالا ذکر آن رفت. لذا روش‌های مزبور نتایج و عواقب خاصی در پی دارد که در جدول زیر به آنها پرداخته شده است.

جدول شماره (۱) - اصول، عناصر، نتایج و عواقب راهبردهای سیاسی و نظامی

شهید سلیمانی

عواقب	نتایج	عناصر	اصول
تحریم ایران بواسطه نظام سلطه	مبارزه با رژیم صهیونیستی و حمایت از جنبش مقاومت در فلسطین	دشمن‌شناسی و نوع‌دوستی سیاسی	تولی و تبری
تهدید ایران بواسطه نظام سلطه	تقویت بنیه دفاعی کشور در برابر آمریکا و کمک به استقلال عراق پس از صدام	نفی سلطه جویی و سلطه‌پذیری	قاعده نفی سبیل
دگرنمایی راهبردهای سیاسی و دفاعی شهید سلیمانی	فرماندهی در دفاع مقدس و عملیات متعدد در جهان اسلام	رهبری نظامی جبهه مقاومت	جهاد
دگرنمایی راهبردهای سیاسی و دفاعی جبهه مقاومت در جهان	استقبال از شهادت و روحیه ایثارگری در برابر مظلوم	ایثارگری و شهادت‌طلبی	روحیه ایثار و شهادت

منبع: نویسنده

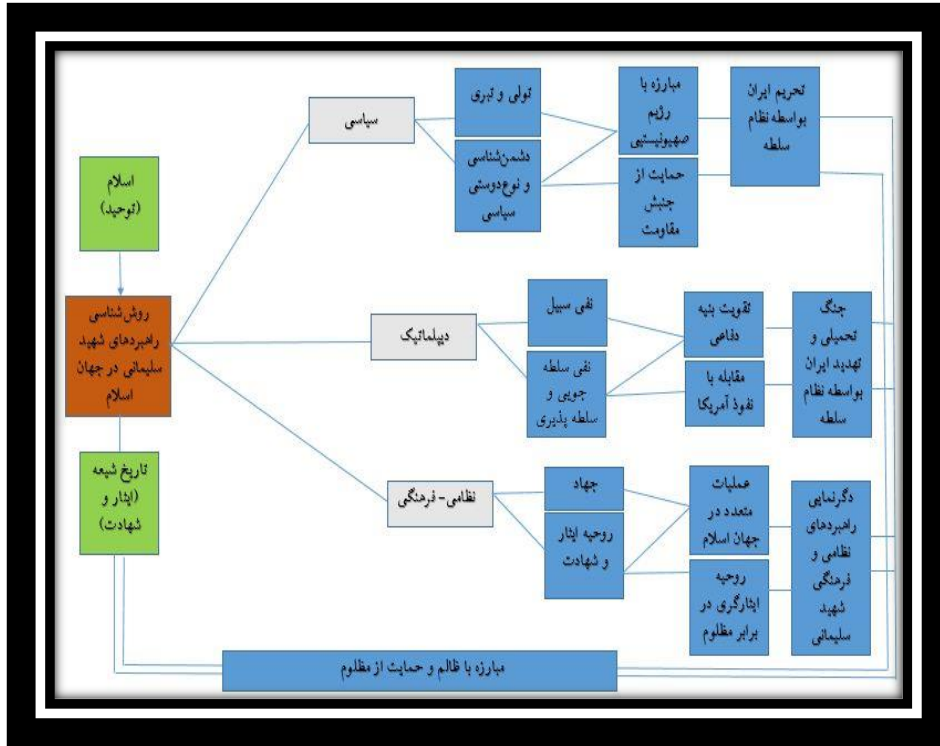
نتیجه

اندیشمندان و مجامع تصمیم‌گیر نظام سلطه راهبردهای شهید سپهبد سلیمانی را ناشی از توسعه‌طلبی جمهوری اسلامی ایران برای نفوذ بیش‌ازپیش در جهان اسلام، تلقی می‌کنند. این در حالی است که تبارشناسی این فرضیه بواسطه سازوکارهای علمی نشان از دگرنمایی روش راهبردهای شهید سلیمانی دارد. لذا سؤالات اصلی این نوشتار عبار است از اینکه: چگونه روش‌شناسی راهبردهای سیاسی - نظامی شهید سلیمانی در جهان اسلام قابل تبیین است؟ و این روش‌ها چگونه تبار فرضیه نظام سلطه را به چالش می‌کشد؟ در پاسخ به این پرسش، این فرضیه قابلیت طرح دارد که روش اصلی راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام، حمایت از «مظلوم و

مبارزه با ظالم» بوده است.

در توضیح فرض فوق باید به دستاوردهای پژوهش حاضر اشاره گردد. به طور کلی، اصول روش‌های شهید سلیمانی منبث از دین مبین اسلام و تحولات تاریخ شیعه بالاخص واقعه عاشورا و الزامات آنها برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. مشخصاً در این ارتباط چهار اصل «تولی و تبری»، «قاعده نفی سبیل»، «جهاد» و «روحیه ایثارگری و شهادت‌طلبی»، قابل ذکر است. اصل تولی و تبری به طور مستقیم روش نوع‌دوستی سیاسی و دشمن‌شناسی شهید سلیمانی را تعریف نموده است. یکی از مصادیق این روشمندی، مبارزه شهید سلیمانی با رژیم صهیونیستی و حمایت از جنبش مقاومت در فلسطین است. لذا نظام سلطه در برابر این روش متوسل به اعمالی نظیر تحریم و تهدید علیه ایران می‌شود.

قاعده نفی سبیل، روش نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری شهید سلیمانی را مرزبندی می‌کند. شهید سلیمانی مادامی که سلطه‌پذیری را نفی می‌کند، از سلطه‌جویی نیز تبری می‌جوید. تقویت بنیه دفاعی کشور در برابر ایالات متحده آمریکا و کمک به استقلال عراق پس از صدام و حمایت از استقلال افغانستان، یمن، لبنان و ... از مشخصه‌های اصلی این گزاره است. نظام سلطه این روش شهید سلیمانی را برنتابیده و سعی در دگرنمایی آن (نفوذ ایران در منطقه) دارد. جهاد، اصل دیگری است که شیوه رهبری نظامی شهید در جهان اسلام را روشمند می‌کند. فرماندهی شهید سلیمانی در هشت سال دفاع مقدس و عملیات متعدد در جهان اسلام علیه کشورهای محافظه‌کار (همپیمان با نظام سلطه) و گروه‌های تروریستی، از مصادیق روش مزبور است. در نهایت روحیه ایثار و شهادت که متأثر از واقعه عاشورا است، باعث روشمندی استقبال از شهادت و روحیه ایثارگری در برابر مظلوم در راهبردهای شهید سلیمانی شده است. نحوه شهادت شهید سلیمانی (زمان و مکان شهادت) نشان از روحیه ایثارگری و عزم جدی ایشان جهت حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم دارد. لذا نظام سلطه به منظور تحریف و دگرنمایی راهبردهای جبهه مقاومت و فرماندهان سیاسی و نظامی آن، مبادرت به تولید ادبیات سلطه و خلاف واقع می‌نماید.



منبع: نویسنده

منابع

- اسداللهی، مسعود (۲۰/۱۰/۱۳۹۹). «استراتژیک فکر می‌کرد تاکتیکی عمل می‌کرد»، وبگاه مقام معظم رهبری، شبکه تحلیلی نخبگان.
- اصغریان کاری، زینب (۱۳۹۹). «راهبردهای سردار سلیمانی برای حل بحران‌های منطقه غرب آسیا»، همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب، ش ۲، ص ۲۳-۱.
- امیری، سروش، کیانی، جواد (۱۳۹۸). «گفتمان مقاومت شهید قاسم سلیمانی در دیپلماسی و روابط بین‌الملل»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۵ (۲)، ۳۰-۹.
- پوستین‌چی، زهره، متقی، ابراهیم (۱۳۹۰). «زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین‌الملل»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱ (۱)، ۹۷-۱۲۹.
- پهلوان شریف، محمدامین، کاظمی، شورئی، محمدحسین (۱۳۹۹). «تبیین الگوی شایستگی مدیران جهادی تمدن‌ساز مورد مطالعه: (شهید قاسم سلیمانی)»، مدیریت اسلامی، ۲۸

(۴)، ۱۴۱-۱۶۸.

تاجبخش، غلامرضا (۱۴۰۰). «واکاوی مؤلفه‌های سبک زندگی شهید سلیمانی»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۷ (۱)، ۱۵۸-۱۳۷.

جمالی، مصطفی (۱۳۹۸/۱۱/۲۳). «شهادت تمدن‌ساز/ واقعه‌ای که «تبری» از باطل را در جامعه زنده کرد»، خبرگزاری مهر، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲.

جمشیدی، محمدحسین، داوند، محمد (۱۳۹۸). «تحلیلی آینده‌پژوهانه از قدرت و نفوذ افراط‌گرایی اسلامی در جهان اسلام (مطالعه موردی: داعش)»، فصلنامه سیاست، ۴۹ (۱)، ۷۴-۵۷.

حاج اسماعیلی، محمدرضا، حبیب‌الله، مهدی (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل نظری اخلاق جنگ در قرآن و حدیث»، پژوهشنامه اخلاق، ۵ (۱۵)، ۵۶-۳۱.

حاج قاسم از نمای نزدیک؛ از «قنات ملک» تا «معراج» (۱۳۹۹/۰۲/۱۳). خبرگزاری میزان، کد خبر: ۶۱۶۵۸۲، تاریخ آخرین دسترسی، ۱۴۰۰/۰۹/۱۶.

حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۸۷/۰۴/۰۴). بیانات در دیدار مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل مشاهده در درگاه اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3486>

حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۴/۰۶/۱۲). بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل مشاهده در درگاه اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=30657>

حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۸/۱۰/۱۸). بیانات در دیدار مردم قم، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل مشاهده در درگاه اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?id=44628&nt=2&year=1398&tid=1803>

حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۷۴/۰۴/۱۹). بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه (عاشورای ۱۴۱۶)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل مشاهده در درگاه اینترنتی: <https://www.leader.ir/fa/speech/1137/>

حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۲). «بحران روش‌شناسی در علوم سیاسی»، مجله علوم سیاسی، ۶ (۲۲)، ۱۷۴-۱۵۳.

خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۹/۱۰/۱۳). «علت این همه وحشت آمریکایی‌ها از شهید سلیمانی چه بود؟»، کد خبر ۸۴۱۶۹۰۲۲.

داوند، محمد، اسلامی، محسن (۱۳۹۹). «تبارشناسی تهدیدات داعش در جهان اسلام؛ از رهگذر نقد مکاتب غیر بومی و کاربست نظریه نظام سلطه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۰ (۳۶)، ۵۵-۸۷.

داوند، محمد، اسلامی، محسن، داوند، حجت (۱۳۹۷). «تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۷ (۱)، ۹۹-۷۹.
 دهشیری، محمدرضا، (۱۳۸۳)، «بررسی مقایسه‌ای راهبرد امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپایی در خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر»، فصلنامه سیاست دفاعی، ۱۲ (۴۸)، ۱۴۶-۱۱۳.
 ردایی، هادی، ساده، احسان، امینی سابق، زین‌العابدین (۱۴۰۰). «مکتب شهید سلیمانی، منظومه عملی مسئولیت اجتماعی مدیران جهادی»، فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، ۱ (۱)، ۱۲۵-۹۵.

رضایی، محسن (۱۳۹۹). «مقدمه‌ای بر ابعاد مکتب قاسم سلیمانی از منظر سرلشکر محسن رضایی»، مجموعه گفتار مکتب سلیمانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه امام حسین، ش ۴.

رفیعی، طاری، ندا، عبدیان، محیا (۱۳۹۹). «نشانه‌شناسی و نمادشناسی شخصیت شهید سلیمانی»، مطالعات دینی رسانه، ۲ (۵-۶)، ۱۳۲-۱۱۲.
 رکنی یزدی، محمدمهدی (۱۳۸۹) «جستاری درباره جهاد در اسلام»، فصلنامه مشکوه، ۳ (۱۰۸)، ۲۹-۳.

رودگر کوهپیر، محمدجواد (۱۴۰۰). معنویت اجتماعی در مکتب سلیمانی، تهران: انتشارات دانش و اندیشه معاصر.

زارعی، بهادر، زینی‌وند، علی، محمدی، کیما (۱۳۹۳). «قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۱ (۳۶)، ۱۶۷-۱۸۲.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سالاری راد، معصومه (۱۴۰۱). «شاخص‌ترین اوصاف شهید سردار حاج قاسم سلیمانی»، دوفصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی حوزه، ۶ (۱۲)، ۴۵-۲۷.

سلیمانی، قاسم (۱۳۹۶/۰۹/۰۳). انتقاد سنگین سردار سلیمانی از تردید در شناخت دشمن، آپارات، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲.

سیاهپوش، مریم، کریمی‌نیا، محمدمهدی، انصاری مقدم، مجتبی (۱۴۰۰)، «بررسی رابطه تولی و تبری با توحید از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)»، دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۴ (۴۵)، ۹۷-۸۵.

سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۹۶). اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، تهران: انتشارات میزان.

شیرازی، علی (۱۳۹۹). شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، قم: انتشارات خط مقدم.

- عرفانی فر، علی (۱۳۹۹). «نقش راهبردی حاج قاسم سلیمانی در شکل‌گیری محور مقاومت و مدیریت توحیدی آن»، فصلنامه مدرسه حکمرانی شهید بهشتی، ۱ (۱)، ۶۳-۷۹.
- عسگری، هادی (۱۳۹۹/۱۰/۰۶). «روحیه ایثار و فداکاری در رفتار شهید حاج قاسم سلیمانی جاری بود»، خبرگزاری ایسنا، کد خبر، ۹۹۱۰۰۶۰۴۰۶۷، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷.
- فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۹/۰۸/۱۰). «شهید سلیمانی برجسته‌ترین الگوی ایثار و شهادت‌طلبی در مسیر وحدت اسلامی»، دبیرخانه برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت، شناسه خبر: ۷۹۴۱۸، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲.
- فغفور مغربی، حمید (۱۳۸۸). «ماهیت جهاد در اسلام»، فصلنامه اندیشه، ۱۵ (۱)، ۵۶-۲۷.
- فقیهی زاده، عبدالهادی (۱۳۹۸/۱۰/۱۸). «مقاومت جلوه برجسته‌ای از نفی ولایت کافران است»، خبرگزاری ایکن، کد خبر: ۳۸۶۹۹۶۵، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۲). «نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل؛ رویکرد ایرانی-اسلامی نفی سیبل و برخورد با سلطه»، مجله سیاست دفاعی، ۲۱ (۸۲)، ۲۴۸-۱۹۱.
- محمدی، روح‌الله، اکبریناه، فرزانه (۱۳۹۹). «اهمیت و کارکرد اجتماعی تولی و تبری در سبک زندگی اسلامی»، اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸ (۱)، ۱۲۳-۹۵.
- محمودی رجا، سیدزکریا، باقری دولت‌آبادی، علی، راوش، بهنام (۱۳۹۷). «بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه»، مطالعات بیداری اسلامی، ۷ (۱۴)، ۲۸-۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). «جاذبه و دافعه علی علیه‌السلام، تهران: انتشارات صدرا.
- معنوی، سیدمجتبی (۱۴۰۱). «دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی در پرتو فرهنگ انتظار و مقاومت (در مکتب شهید سلیمانی)»، فصلنامه مهدویت، ۱۶ (۶۱)، ۱۹۸-۱۷۹.
- نسبت "اسلامیت" و "ایرانیت" در وصیت‌نامه شهید سپهد سلیمانی (۱۳۹۸/۱۱/۲۶).
- خبرگزاری دفاع مقدس، کد خبر: ۳۸۴۲۸۹، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶.
- نصرتی، علی‌اصغر، صابری، رضا، (۱۴۰۱). «جنگ روانی دشمن؛ شیوه‌ها و راه‌های خنثی‌سازی آن»، یادداشت تبلیغی: معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- وصف خالصانه حاج قاسم از امام حسین (ع) (۱۳۹۳/۰۷/۰۳). باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر: ۶۲۵۶۳۱۷، تاریخ آخرین دسترسی: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶.
- وفا، جعفر، فرقانی، قدرت‌الله، حیدری، احمد (۱۳۹۰). تولی و تبری در قرآن، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- هنری لطیف‌پور، یدالله (۱۳۸۰). فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات

Eslami, Mohsen, Ranjbar Muhammadi, Mostafa, Davand, Muhammad, (2022), "Methodology of Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran (Politics of Enmity with the Oppressor and Support for the Oppressed)", journal of Contemporary Research on Islamic Revolution, 4 (12), 21-42.

Lawson, G., & Shilliam, R. (2010). "Sociology and international relations: legacies and prospects". Cambridge review of international affairs, 23(1), 69-86.

Soufan, A. (2018). "Qassem Soleimani and Iran's Unique Regional Strategy". CTC Sentinel, 11(10), 1.



نقش رژیم صهیونیستی در تنش‌های ایران-آذربایجان و بایسته‌های رویکرد دفاعی ایران

محسن شفیعی سیف‌آبادی^۱

چکیده

سؤال اصلی در این پژوهش عبارت است از اینکه رژیم صهیونیستی در تنش‌های اخیر ایران-آذربایجان چه نقشی دارد و بایسته‌های رویکرد دفاعی ایران در شرایط فعلی چیست؟ (مسئله) تحقیق حاضر بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد آزمون نظریه «اتحاد پیرامون» با مورد «نفوذ رژیم صهیونیستی در آذربایجان» نگارش یافته است. (روش) نتایج حاصل از تحقیق حکایت از آن دارد که اسرائیل در چهار حوزه اقتصادی-تجاری، اطلاعاتی-امنیتی، نظامی و سیاست خارجی نفوذ گسترده‌ای در دولت و کشور آذربایجان پیدا نموده است. این رژیم توانسته ضمن جلب اعتماد دولت آذربایجان، از یک سو جمهوری آذربایجان را در انتخاب رفتار پرخطر در قبال دولت ایران تحریک نموده و از سوی دیگر خود را در آستانه اشراف اطلاعاتی در مرزهای شمالی ایران قرار دهد. به نظر می‌رسد در این شرایط مهم‌ترین بایسته‌ها و اولویت‌های رویکرد دفاعی ایران عبارتند از: ۱- خودداری از انفعال و رای‌زنی با روسیه؛ ۲- تغییر سیاست خارجی با ترکیه؛ ۳- افزایش قدرت نرم و رسانه‌ای ایران؛ ۴- توازن در حضور فعالانه ایران در آسیای میانه و خاورمیانه؛ ۵- ایجاد روابط منطقی با ارمنستان؛ ۶- ارسال شفاف سیگنال قدرت نظامی؛ ۷- افزایش تعاملات بین‌المللی. (یافته‌ها)

کیدواژه‌ها: ایران، آذربایجان، رویکرد دفاعی، رژیم صهیونیستی، دکترین پیرامون

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.1.3.4

دوره ۱۳، شماره ۱،
پیاپی ۳۱ بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۳/۰۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۳/۳۰
صص: ۵۷-۸۰

شاپا: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی فصلت گواهی در
JOURNALS.MSRT.IR

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اردکان، اردکان، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

قلمرو کنونی جمهوری آذربایجان تقریباً در تمام طول تاریخ خود بخشی از امپراتوری‌های مختلف پارسی و به طور کلی قفقاز جنوبی هزاران سال تحت تأثیر فرهنگ ایرانی بوده است. به‌ویژه در دوران سلطنت سلسله‌هایی مانند ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، قراقویونلو، آق قویونلو، صفویان، افشاریان، زندها و قاجارها موقعیت ژئوپلیتیکی کنونی آذربایجان جزئی از خاک ایران محسوب می‌شده است. در طول قرن نوزدهم، به دنبال اشغال قفقاز توسط نیروهای روسی در طول جنگ‌های روسیه و ایران در سال‌های (۱۸۱۳-۱۸۸۴) و (۱۸۲۶-۱۸۲۸)، دولت ایران زمان قاجار، مجبور به واگذاری آذربایجان کنونی در کنار گرجستان، داغستان و ارمنستان به روسیه تحت شرایط معاهدات گلستان و ترکمنچای شد. (Swietochowski, 1995: 69) با اعلام استقلال آذربایجان، در سال ۱۹۹۱، ایران بلافاصله استقلال آذربایجان را به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک بین دو کشور در سال ۱۹۹۲ برقرار شد. آنچه بدون هیچ تردیدی قابل اثبات است، این است که ایران و آذربایجان تا حد زیادی از یک تاریخ، دین، قومیت و فرهنگ مشترک برخوردارند. (Cornell, 2005: 3) زیرا در ناحیه شمال رود ارس، قلمرو جمهوری آذربایجان معاصر تا زمانی که توسط روسیه اشغال شد، قلمرو ایران بود. (Batalden, 1997: 98)

تا پیش از سال ۲۰۲۱ تنش‌های چندانی که منجر به انجام مانور عظیم نظامی از سوی دو کشور بخصوص ایران گردد وجود نداشت. با این وصف این سؤال مطرح می‌شود که چرا ایران در نهم مهرماه ۱۴۰۰ صلاح را در این می‌بیند که یک رزمایش کامل نظامی با عنوان معنادار «فاتحان خبیر» که حکایت‌گر تقابل امام علی (ع) با یهودیان در غزوه خبیر است؛ در نزدیکی مرزهای خود و آذربایجان برپا کند؟ رئیس‌جمهور آذربایجان، در اعتراض به این تحرک نظامی ضمن اظهار «شگفت زدگی» از طرح‌ریزی و انجام این رزمایش پرسید: «چرا اکنون و چرا در مرز ما؟» (Esfandiari, 2021: 1) اساساً چه تحولی موجب شد تا ایران این رزمایش بزرگ را برگزار کند و بار این تنش را به جان بخرد؟ اهمیت این موضوع زمانی بیشتر آشکار می‌شود که دانسته شود این نخستین بار از زمان فروپاشی شوروی و استقلال آذربایجان در ۳۰ سال اخیر است که ایران به قدرت‌نمایی در این بخش از مرزها اقدام می‌کند. به نظر می‌رسد پاسخ درست را باید از زبان فرماندهان نظامی دریافت کرد. چنانکه امیر سرتیپ کیومرث حیدری، فرمانده نیروی زمینی ارتش ایران، در آغاز رزمایش در روز ۹ مهر، رزمایش را به مناسباتی که از نظر ایران میان آذربایجان و رژیم اسرائیل وجود دارد، مرتبط دانست. او در این زمینه صراحتاً می‌گوید «از زمان باز شدن پای رژیم صهیونیستی (به آذربایجان)، حساسیت ایران نسبت به این بخش از مرزها افزایش یافته و تحرکات آنها کاملاً زیر رصد ایران است». (حیدری، ۱۴۰۰: ۱) حسین امیرعبداللہیان، وزیر خارجه جدید ایران نیز در دیدار با سفیر جدیدی که جمهوری آذربایجان

اخیراً به ایران اعزام کرده، صراحتاً اظهار داشت «ایران حضور و تحرکات علیه امنیت ملی خود را از سوی رژیم صهیونیستی در کنار مرزها تحمل نکرده و هر اقدام لازم را در تقابل با آن انجام خواهد داد». (امیرعبداللهیان، ۱۴۰۰: ۲) امام جمعه اردبیل سید حسن عاملی نیز روز ۳۰ شهریور ۱۴۰۰ نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس بیان داشت «اسرائیل به آذربایجان آمده کرده تا علیه ایران توطئه کند» (عاملی، ۱۴۰۰: ۱). در همین راستا سوالی که مطرح می‌شود عبارت است از اینکه «اسرائیل چه نقشی در تنش‌های اخیر ایران و آذربایجان دارد و اولویت‌های رویکرد دفاعی ایران در شرایط فعلی چیست؟»

۱- پیشینه تحقیق

موضوع تنش‌های اخیر جمهوری آذربایجان و ایران تاکنون گرچه در خبرگزاری‌ها و سایت‌های داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما به خاطر جدید بودن آن تا این زمان به صورت مقالات و پژوهش‌های منسجم و روشمند، کمتر مورد توجه و مذاقه جدی قرار گرفته است. با این وجود برخی از آثاری که در گذشته نگارش یافته و به لحاظ موضوعی با این پژوهش تا حدودی قرابت دارد عبارتند از:

۱. معصومه رادگودرزی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «روابط استراتژیک اسرائیل و آذربایجان: بنیادها و الزامات»، معتقد است که عوامل اقتصادی و تکنولوژیک به صورت چشمگیری در پیشبرد روابط میان دو رژیم مؤثر بوده است. به همین دلیل، در مقاله حاضر توجه خاصی به نقش آذربایجان به عنوان یک تولیدکننده عمده نوظهور انرژی و همچنین نیازهای حیاتی رژیم اسرائیل در حوزه امنیت انرژی شده است.
۲. علی امیدی و مصطفی خیری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران»، به این نتیجه دست یافته‌اند که مقامات جمهوری آذربایجان در چارچوب اختلافاتی که با ارمنستان، به ویژه در مسأله قره‌باغ دارند، به روابط با رژیم اسرائیل می‌اندیشند و در این رابطه، عمدتاً به دنبال دستیابی به ادوات و تکنولوژی‌های پیشرفته نظامی از اسرائیل و کسب حمایت لابی صهیونیستی در آمریکا برای مقابله با لابی ارمنی هستند.
۳. جوانپور هروی و جعفری فر (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر همگرایی اسرائیل و جمهوری آذربایجان (۲۰۱۷-۱۹۹۱)»، به این نتیجه دست یافته‌اند که همکاری نظامی، اهمیت ژئوپلیتیکی و وجود ذخایر انرژی و یهودیان آذربایجان سبب ساز نزدیکی روابط رژیم صهیونیستی با یان کشور بوده است.
۴. علیرضا پناهی و اقبال امیری (۱۳۹۴)، در اثری با عنوان «تأثیرات حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی ایران»، به این نتیجه رسیده‌اند که گرایش دولت آذربایجان به تعامل گسترده با رژیم اسرائیل باعث افزایش ضعف ساختارهای

ناموزون اقتصادی و سیاسی داخلی آذربایجان و نفوذ آنها در این کشور و عملاً همسایگی دشمن استراتژیک با ایران خواهد شد.

۵. محسن کرمی و داوود نظریور (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «منابع نفت و گاز جمهوری آذربایجان، تحرکات انرژی اسرائیل و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، ضمن تمرکز به ابعاد اقتصادی نفوذ رژیم صهیونیستی بر شریان‌های اقتصادی آذربایجان بخصوص نفت و گاز، تجارت اسرائیل و دولت باکو را باعث برهم خوردن بخشی از امنیت اقتصادی و ملی ایران می‌دانند.

۶. شامخال آبیلاف (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «روابط بین آذربایجان و اسرائیل: مشارکتی غیر دیپلماتیک اما راهبردی»، ضمن بررسی ابعاد روابط پنهانی رژیم صهیونیستی با آذربایجان از تلاش این رژیم برای قرار گرفتن در میان قدرت‌های هژمون منطقه با گسترش ارتباط با آذربایجان پرده بر می‌دارد.

آنچه مقاله حاضر را از سایر مقالات بالا مجزا می‌کند عبارتند از: ۱- کاربست یافتن تئوری دکترین پیرامونی جدید و استفاده از رویکرد آزمون نظریه با مورد؛ ۲- پردازش آخرین تنش‌ها و اختلافات میان آذربایجان و ایران؛ ۳- تحلیل متن اصلی بر پایه چهار استراتژی امنیتی-اطلاعاتی، نظامی، تجاری-اقتصادی و سیاست خارجی رژیم صهیونیستی و چگونگی حساسیت ایران نسبت به این موارد؛ و ۴- ارائه بایسته‌ها و اولویت‌های رویکرد حفاظتی-دفاعی ایران.

۲- روش پژوهش

به لحاظ روشی پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد «انطباق نظریه با مورد» و «آزمون نظریه با مورد» است. جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در این تحقیق به شیوه‌اسنادی (کتابخانه‌ای و فیش‌برداری)، استفاده از آثار، پژوهش‌ها و مقالات موجود در اینترنت و خبرگزاری‌ها و گزارشات علمی معتبر است. علاوه بر این، این پژوهش از منظر هدف، کاربردی است، زیرا با نتایجی که از طریق آن بدست می‌آید می‌توان ضمن کسب آگاهی از ریشه‌های رفتار معنادار رژیم صهیونیستی در آذربایجان، از آن در جهت انتخاب بهترین رویکرد دفاعی-حفاظتی در قبال این تحول بهره‌برد.

۳- چارچوب نظری؛ دکترین اتحاد پیرامون^۱

اتحاد پیرامون یا دکترین پیرامون یک استراتژی سیاست خارجی است که بر مبنای آن رژیم صهیونیستی سعی داشت تا با کشورهای مسلمان غیر عرب در خاورمیانه، اتحاد استراتژیک نزدیکی برای مقابله با مخالفان متحد خود که در ابتدا کشورهای عربی بودند، ایجاد کند. این استراتژی اولین بار با عنوان اتحاد توسط «ریوون شیلوا^۲» نخستین رئیس موساد طراحی و به بن

1. Periphery doctrine

2. Reuven Shiloah

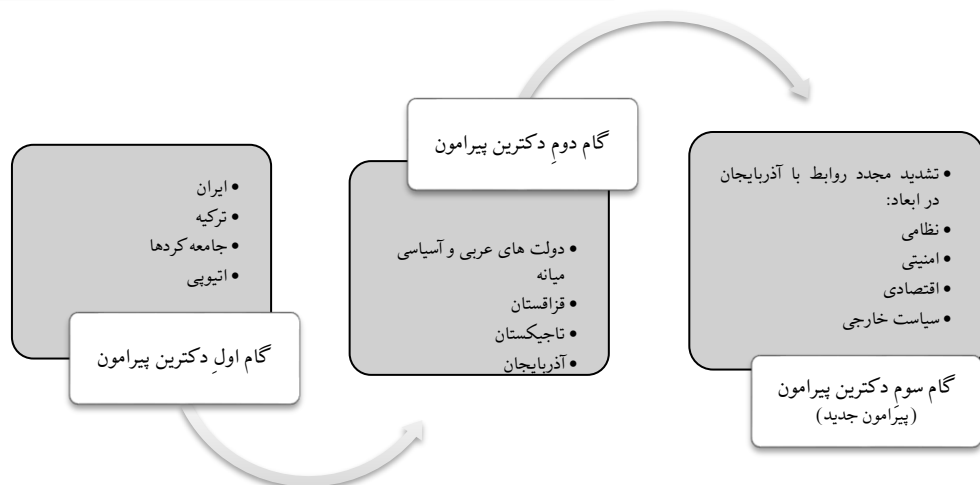
گورین^۱ ارائه شد (جاودانی مقدم، موسوی زاده، ۱۳۸۸: ۲۰۳-۲۰۴). عمدتاً هدف اولیه آن اتحاد با کشورهای چوَن ترکیه، ایران قبل از انقلاب، اتیوپی و همچنین جامعه کرد در سراسر خاورمیانه مانند عراق، ایران و سوریه بود.

سرنگونی‌شاه ایران در سال ۱۹۷۹ یک شکست بزرگ برای این سیاست بود. رژیم اسلامی ایران روابط خود را با رژیم اسرائیل قطع کرد و رهبران آن بارها اسرائیل را «رژیم غیرقانونی» خواندند و حتی از نابودی آن دفاع کردند. تا پیش از این، بن‌گورین معتقد بود که عموم کشورهای عرب به‌دلایل متعدد، حتی در میان مدت با دولت وی رابطه‌ای نخواهند داشت و از نفوذ خود برای محدودکردن این حکومت در صحنه جهانی استفاده خواهند کرد. افزون بر آن امکانات و ظرفیت‌های خود به‌ویژه نفت را به‌عنوان سلاحی علیه دولت یهودی به‌کار خواهند برد؛ بنابراین از نظر او جز خروج از این بن‌بست از طریق دور زدن اعراب و برقراری پیوند با دیگر واحدهای سیاسی خارج از این محیط، چاره‌ای وجود نداشت. (الرکابی، ۱۳۹۰: ۷۷). در همین راستا، تئورسین‌های رژیم صهیونیستی پس از انقلاب اسلامی متوجه اتحاد با اعراب علیه نظام جمهوری اسلامی گردیدند. (Totten, 2016: 30-32)

نکته مهم در اینجا این است که کشورهای عربی که در این ائتلاف حضور دارند و شامل عربستان سعودی، امارات متحده عربی و عمان می‌شوند، هسته مهم و اصلی شورای همکاری خلیج فارس هستند. با گذشت زمان، رفته رفته به این ائتلاف افزوده شد؛ به گونه‌ای که در سال ۲۰۲۰ کشورهای امارات متحده عربی، بحرین، کردستان عراق، سودان و مراکش با امضای پیمان ابراهیم روابط خود را با اسرائیل عادی کردند. (Ramani, 2016: 2) ظاهراً رژیم صهیونیستی همچنان در حال محاصره بی سرو صدای جغرافیای ایران با رنجیرهای نامرئی ائتلاف است. به گونه‌ای که امروزه با علنی‌تر شدن روابط رژیم صهیونیستی با آذربایجان حتی پس از عملیات طوفان الاقصی، دکتترین پیرامون معنای جدیدتری به خود گرفته است. به نظر می‌رسد این دکتترین در گذر زمان در شاکله شکلی به شرح زیر قابل فهم است.

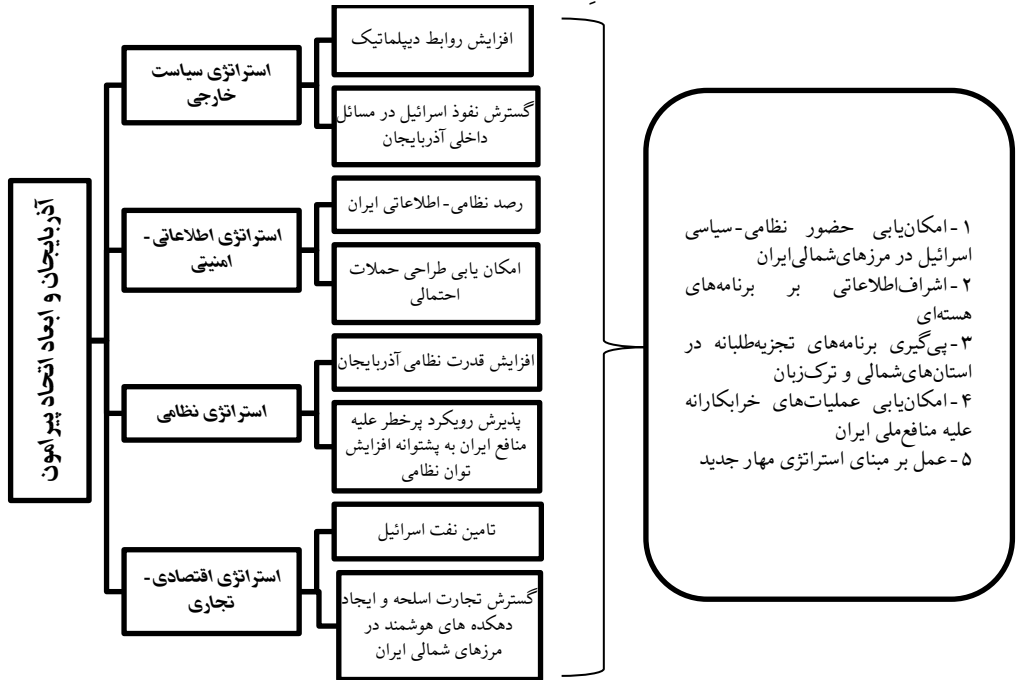
شکل (۱). دکتترین پیرامون در گذر زمان

1. David Ben-Gurion



همانطور که از شکل بالا قابل فهم است در شرایط فعلی اسرائیل به دنبال تمرکز بر کشورهای آسیای میانه بخصوص آذربایجان است. در این میان به نظر می‌رسد به سبب مرز مشترک آذربایجان و ایران و اختلافات فرهنگی و سیاسی که بیشتر به آن اشاره شد، رژیم صهیونیستی حساب ویژه‌ای بر دولت و جغرافیای جمهوری آذربایجان نموده و در پرتو دکترا پیروان اتحاد پیرامون حول چهار محور آن به شرح زیر، در صدد اتحاد بیشتر با آذربایجان و اشراف بر جغرافیای ایران برای انجام برنامه‌های راهبردی آینده خود است.

نمودار (۱). مدل مفهومی ابعاد دکترین نوین اتحاد پیرامون و اهداف رژیم اسرائیل



۴- دکترین پیرامون نوین و نقش اسرائیل در رویارویی ایران و آذربایجان

۱- ۴- سیاست خارجی و دیپلماسی

راه‌های نفوذ دیپلماتیک رژیم صهیونیستی در آذربایجان به‌گذشته و نوع برخورد اولیه این رژیم با جمهوری تازه‌تاسیس آذربایجان برمی‌گردد. توضیح آنکه در ۱۸ اکتبر ۱۹۹۱ که پارلمان آذربایجان استقلال این کشور را اعلام کرد، در فاصله کوتاهی یعنی در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱، اسرائیل رسماً استقلال آذربایجان را به رسمیت شناخت (Nichol, 1995: 3) و در ۷ آوریل ۱۹۹۲ با این کشور روابط دیپلماتیک برقرار کرد. (Lenk, 2007: 4) به تدریج این همکاری‌ها از سطح دیپلماسی عبور نموده و حوزه نظامی را نیز دربرگرفت. به‌عنوان مثال در جریان مناقشه قره‌باغ که منطقه‌ای کوهستانی بین ارمنستان و آذربایجان است، اسرائیل بودجه لازم برای خرید تسلیحات توپخانه‌ای را در اختیار آذربایجان قرار داد. این نوع از همکاری فقط بخش اندکی از روابط آشکار آنها است و به نظر می‌رسد روابط پنهانی آذربایجان و رژیم صهیونیستی عمق بیشتری نیز داشته باشد. چنانچه الهام‌علی‌اف خود به صراحت رابطه کشورش با اسرائیل را به کوه یخی تشبیه نمود که «نه‌دهم آن در زیر سطح آب قرار دارد» (Perry, 2012: 2)

این اظهارات در عرصه سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک در عمل نیز به تدریج خود را

نشان داد. به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۰، الهام علی اف، فرمان ممنوعیت صدور روایید در فرودگاه‌های بین‌المللی این کشور را صادر کرد و اعلام نمود از این پس خارجی‌ها باید برای دریافت ویزا به نزدیکترین کنسولگری آذربایجان مراجعه کنند. اسرائیل و ترکیه تنها کشورهایی بودند که شهروندان آنها مشمول قانون جدید نمی‌شدند. (Vesti, 2012) در سال ۲۰۱۶، وزیر دفاع اسرائیل آویگدور لیبرمن^۱ از مواضع آذربایجان در درگیری‌های ارمنی-آذربایجانی ۲۰۱۶ حمایت کرد و آن را «کاملاً موجه» خواند. علاوه بر این، لیبرمن ارمنستان را مسئول تحریک درگیری در آوریل ۲۰۱۶ دانست. (Lieberman, 2016: 2) به دنبال این حمایت‌ها در سپتامبر ۲۰۱۶ هیاتی از کنگره جهانی یهود از آذربایجان دیدن کردند. آن‌ها بارها در طول مذاکرات با الهام علی اف رئیس‌جمهور آذربایجان، به روابط «عالی» آذربایجان با اسرائیل و جامعه یهودی اشاره و به لزوم تداوم این روند تأکید کردند. (Aliyev, 2016: 3)

در اینجا اما این سؤال مطرح است که سیاست خارجی رژیم صهیونیستی و آذربایجان چه خطری برای ایران دارد. این یک واقعیت است که اسرائیل یکی از نخستین کشورهای بود که استقلال جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت و در فاصله چند ماه، حکومت تازه تأسیس آذربایجان نیز به جمع کشورهای پیوست که اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند. علاوه بر این، ارزش استراتژیکی که این دو برای یکدیگر دارند؛ موجب شد تا رابطه آذربایجان و اسرائیل روند رو به رشدی داشته باشد. در نگاه رژیم اسرائیل، آذربایجان کشور مسلمانی است که برخلاف بسیاری از کشورهای مسلمان دیگر، از رابطه با آنها ابایی ندارد. همزمان، این کشور با دولتی منفعل و حضور قابل توجه یهودیان ذی‌نفوذ، می‌توانست به شکل بالقوه به ایدئولوژی اسرائیل‌ستیز جمهوری اسلامی ایران نزدیک شود. برای جمهوری آذربایجان نیز اسرائیل از جمله رژیم‌هایی است که کمک می‌کرد این کشور خود را از سلطه مسکو رها کند و با تأمین سلاح‌های مناسب، سیاست دفاعی-امنیتی مطلوب خودش را اتخاذ نماید. از آن جمله این موارد می‌توان به تقویت قدرت نظامی آذربایجان با کمک اسرائیل برای مقابله با ارمنستان و بازپس گرفتن مناطقی که در همان نخستین سال‌های استقلال در جنگ با این کشور از دست داده بود، اشاره کرد. (Vatanka, 2021: 3)

طبیعتاً ایران هرگز از این رابطه خوشحال نبوده و نیست. اما این دولت هرگز نتوانست با ابزارهای مختص به خود، جلوی تعمیق این دوستی استراتژیک را بگیرد. آنچه برای دولت ایران مشخص است این است که اسرائیل و آذربایجان هدف مشترکِ مهار نفوذ ایران را بر مبنای تئوری «مهار جدید» که در طول تئوری اتحاد پیرامون است، در سر می‌پروراند. در این جبهه مشترک، آذربایجان مجاورت با ایران را فراهم می‌کند. هم اینک بخش از خاک آذربایجان به

1. Avigdor Lieberman

عنوان محل استقرار نیروهای نظامی اسرائیل استفاده می‌شود. در همین راستا، در فوریه ۲۰۱۲، آذربایجان قرارداد دفاعی ۱/۶ میلیاردی با اسرائیل را امضاء نمود که شامل سیستم‌های پدافند هوایی، سخت افزارهای اطلاعاتی و هواپیماهای بدون سرنشین (پهپادها) بود. دولت جمهوری آذربایجان به خوبی مطلع است که ارتباطات پنهانی و توافق‌هایش با اسرائیل، ایران را عصبانی می‌کند؛ اما پاسخ آنها این است که روابط قوی ایران با ارمنستان نیز آذربایجان را عصبانی می‌کند. (Javedanfar, 2021: 2)

۲-۴- استراتژی نظامی

همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، روابط اسرائیل و آذربایجان از اوایل دهه ۱۹۹۰ تقویت شد. روابط راهبردی که شامل همکاری در امور تجاری و امنیتی، مبادلات فرهنگی و آموزشی و غیره بود. اما این روابط در اوت ۱۹۹۷ در سفر بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر وقت اسرائیل به باکو وارد مرحله جدیدی شد.

جدول شماره (۱)، سفارش‌های آشکار تسلیحاتی آذربایجان از اسرائیل از سال

۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰

تعداد	سال تحویل	سفارش‌ها
۶	۲۰۰۵	موشک‌انداز
۵۰	۲۰۰۵	موشک‌های هدایت‌شونده
۴	۲۰۰۷	پهپادهای مشاهده‌ای Aerostar
۱۰	بین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۳	پهپادهای تاکتیکی هرمس ۴۵۰
۱۰۰	بین سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۰	موشک‌های ضد تانک Spike-LR
۱۰	بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱	خمدان‌انداز ۱۲۰ میلیمتری CARDOM
۵	۲۰۱۰	تفنگ 155mm ATMOS self-propelled gun
۱۰	بین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲	پهپادهای مشاهده‌ای Aerostar 2010
۱	۲۰۱۶	سامانه موشکی زمین به هوای باراک MX
۴۰	۲۰۱۶	سامانه رهگیرهای باراک ER
۴۰	۲۰۱۶	رهگیرهای باراک LRAD
۵	۲۰۱۳	هواپیماهای بدون سرنشین تاکتیکی Heron
۵	۲۰۱۳	پهپادهای مشاهده‌گر و جستج‌گر
۶	بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۹	شناورهای گشت دریایی OPV-62
۶	بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵	قایق گشت سریع Shalda
۲۵۰	بین سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۳	موشک‌های سطح به سطح Spike NLOS
۱۰	۲۰۱۸	تجهیزات SPEAR 120mm vehicle portable Mortar
۱۰۰	۲۰۲۰	موشک‌های سطح به زمین Spike NLOS

منبع: SIPRI database

پیش از جنگ در قره‌باغ، تخمین زده می‌شد که آذربایجان تقریباً ۱۲۰ هواپیمای بدون سرنشین تاکتیکی و ۵۰۰ پهپاد کامیکازه در اختیار داشته‌است که اکثریت قریب به اتفاق آنها اسرائیلی هستند. (Lieberman, 2016: 2) تحقیقات نشان می‌دهد که تقریباً انواع

هوایماهای بدون سرنشین اسرائیلی را می‌توان در نیروهای مسلح آذربایجان یافت. (2016:2) (Shiriyev)

همکاری‌های نظامی با این وسعت، آذربایجان را در شرایطی قرار داده‌است که بر مبنای آنها بعضاً خلاف منافع ایران عمل می‌کند. به‌عنوان مثال پس از پایان جنگ ۴۴ روزه و بر مبنای توافقنامه آتش‌بس سه‌جانبه روسیه، ارمنستان و آذربایجان؛ قرار بود نیروهای باکو و ایروان در آخرین محل حضور خود متوقف شده و از پیشروی بیشتر پرهیز کنند. اما آذربایجان بارها پیشروی‌هایی در مناطق مورد مناقشه داشته که یکی از این پیشروی‌ها به حضور در جاده ترانزیتی سوق الجیشی گوریس^۱ به کاپان^۲ و ایجاد مزاحمت برای کامیون‌ها و اتوبوس‌های عبوری ایران انجامیده است. در ابتدا ارتش این کشور ساعت‌ها جاده مذکور را مسدود کردند. در مرحله بعد با ایجاد ایست‌های بازرسی از وسایل نقلیه ایرانی حق ترانزیت دریافت شد و در نهایت کار به بازداشت و دستگیری دو راننده ایرانی کشید. علیرغم رایزنی‌های فراوان و اصرار ایران بر تمرکز بر روش‌های دوستانه و مسالمت آمیز، دولت باکو حاضر به آزادی رانندگان ایرانی نبود. علاوه بر اختلال در ارتباط ترانزیتی ایران با ارمنستان و سپس گرجستان و کشورهای اروپایی، این کشور بر ایجاد کریدوری بین نخجوان و آذربایجان از طریق خاک ارمنستان نیز اصرار دارد. (AFP, 2021:1) بدیهی است که ایران با ایجاد چنین کریدوری مخالف است، زیرا در صورت تحقق این هدف، ارتباط این دو منطقه بدون نیاز به ایران ممکن بوده و این امر علاوه بر مضرات اقتصادی باعث از بین رفتن اشراف امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی در منطقه و تسهیل فعالیت‌های دشمنان ایران همچون صهیونیست‌ها می‌شود. تا به این شکل همه چیز برای اجرای سیاست مهار جدید فراهم گردد.

۳-۴- استراتژی اطلاعاتی-امنیتی

در شرایط فعلی آنچه که در ایجاد چالش و تشدید تنش دیپلماتیک جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران بیش از موارد دیگر حساسیت برانگیز شده است، مسئله ورود و نفوذ قابل توجه رژیم اسرائیل در ساختار امنیتی، نظامی، سیاسی، دیپلماتیک، اطلاعاتی و دفاعی این کشور از یک سو (فرجی راد، ۱۴۰۰: ۳) و همچنین تلاش الهام علی اف برای خلق تغییر و تحولات ژئوپلیتیک در منطقه قفقاز جنوبی در امتداد تشکیل کریدور زنگه زور با نیت قطع روابط مرزی و ترانزیتی ایران و دولت ارمنستان از سوی دیگر است. هر دو مورد با مخالفت جدی و قاطع ایران روبرو شده است. اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که رژیم صهیونیستی تا چه میزان در ساختار و لایه‌های حساس دولت جمهوری آذربایجان وارد شده است؟ آیا کم و کیف این نفوذ به حدی جدی است که در آینده نزدیک جمهوری آذربایجان را در قامت یک دولت همسایه علیه

1. Goris

2. Kapan

منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران بدل خواهد کرد؟

آنچه مسلم است این است که در عمل و به وضوح ساختار و بافتار نظامی، امنیتی، سیاسی، دیپلماتیک و دفاعی آذربایجان هم به وسیله اسرائیل برنامه ریزی و طراحی می‌شود و هم در عمل تا حدود زیادی در اختیار این رژیم قرار گرفته است. بر مبنای همین شکل از نفوذ نیز، دولت آذربایجان در برخی از مواقع برای منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران خطارت و تهدیدهای بالفعلی را به وجود آورده است. (فرجی راد، ۱۴۰۰: ۳) به عنوان مثال در این رابطه شواهدی دال بر اینکه بعضی از اقدامات تروریستی مخفی و اعمال خرابکارانه پنهانی رژیم اسرائیل، بخصوص در زمینه صنایع هسته‌ای ایران، - با نگاهی اغمازی - حداقل با همکاری اطلاعاتی و امنیتی جمهوری آذربایجان به اجرا در آمده است. حتی برخی مدعی شده‌اند که «پروژه سرقت اسناد محرمانه و فوق محرمانه هسته‌ای ایران» بوسیله رژیم صهیونیستی از طریق برخی از پایگاه‌های اطلاعاتی در آذربایجان برنامه‌ریزی و یا مدیریت شده است. این ادعا اگر چه بخاطر کمبود مدارک به سختی قابل اثبات است اما برای سازمان‌های اطلاعاتی و تحلیل‌گران مسائل آسیای میانه، از نظر ژئوپلیتیکی کاملاً محتمل است، زیرا نزدیک‌ترین و همزمان امن‌ترین مکانی که می‌تواند رژیم صهیونیستی را به مراکز حساس ایران برای سرقت اسناد برساند، کشور جمهوری آذربایجان است. (Perry, 2021: 1)

موارد یاد شده در کنار این احتمال قوی که برخی از حملات پهبادی و فوق‌سری رژیم صهیونیستی علیه زیرساخت‌های تاسیسات ایران هم از مسیر جمهوری آذربایجان انجام شده است، ایران را نسبت به نفوذ اطلاعاتی این رژیم بسیار حساس نموده است. این نگرانی از طرف ایران بخاطر قدرت خاص اطلاعاتی که بدان دست یافته است، با یک رهگیری ساده ممکن شده است. بنابراین، دولت آذربایجان باید ضمن پذیرش فهم دقیق ایران از تحولات آسیای مرکزی؛ مبنی بر اینکه رژیم صهیونیستی از طریق موقعیت مناسب جغرافیایی جمهوری آذربایجان اکنون در کنار مرزهای شمال غربی ایران حضور نظامی، امنیتی، اطلاعاتی و دفاعی دارد؛ نگرانی مسئولین جمهوری اسلامی ایران را به حق بداند. از منظر دولت ایران، این شکل از حضور برای اسرائیل بسیار اهمیت دارد؛ زیرا رژیم صهیونیستی همواره به دنبال عملیاتی نمودن سیاست‌های تهاجمی و خرابکارانه علیه جمهوری اسلامی به شکل دومینویی بر مبنای تئوری «کارزای بین جنگ‌ها» است. (RFE/RL's Azerbaijani Service, 2012)

۴-۴- استراتژی تجاری-اقتصادی

واکاوی لیست شرکای تجاری جمهوری آذربایجان نشان دهنده آن است که رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر و حتی پس از عملیات طوفان الاقصی، در میان پنج شریک تجاری نخست آنها در زمینه تجارت اسلحه و نفت بوده است. به گونه‌ای که امروزه دولت آذربایجان اولین تأمین‌کننده نفت رژیم اسرائیل است. مطابق آمار حدود ۴۰ درصد نیاز سالیانه اسرائیل به نفت و منابع نفتی

از از طریق خط لوله‌ای باکو-جیهان در مدیریتانه تأمین می‌شود. علاوه بر این، شرکت «سوکارا» آذربایجان در اکتشاف نفت و گاز سواحل رژیم صهیونیستی مشارکت فعال دارد. اکنون حجم تجارت خارجی آنها در حدود ۴ میلیارد دلار و رژیم اسرائیل همچنین یکی از تامین‌کننده‌های اصلی تجهیزات نظامی، پزشکی، کشاورزی و تکنولوژی‌های ارتباطاتی و انرژی در جمهوری آذربایجان است. در این راستا، صهیونیست‌ها بر این نظر هستند که با توجه به رشد درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی آذربایجان در کنار وادارت نفت، بتوانند سهم گسترده‌ای در بسترسازی‌های اقتصادی در این جمهوری داشته باشند. (Luke Tress, 2023: 2)

جدول شماره (۲)، توسعه تجارت میان اسرائیل و آذربایجان، ۲۰۱۱-۲۰۲۰ بدون در نظر گرفتن نفت و الماس

سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
میلیون دلار	۱۲۵/۸	۱۳۰	۱۰۶/۶	۱۸۵/۲	۱۳۲/۱	۲۶۶/۳	۲۰۴/۳	۱۳۹/۴	۱۱۵	۲۰۴/۴

Source: Central Bureau of Statistics, Israel

در ابعاد اقتصادی در دو دهه اخیر، نقطه عطف این نوع از کنش ارتباطی، افتتاح خط لوله باکو-تلفیس-جیهان (خط لوله BTC) در سال ۲۰۰۶ میلادی بود که نفت آذربایجان را به دریای مدیترانه می‌رساند و موجب شد تا به شکل قابل توجهی بر میزان صادرات نفت آذربایجان به اسرائیل افزوده شود و آذربایجان جایگاهی ویژه در محاسبات اقتصادی رژیم اسرائیل بیابد. (Azernews, 2019: 1) سه‌سال بعد نیز، شیمون پرز، رئیس‌جمهوری اسرائیل به باکو سفر کرد تا دست‌کم بخشی از این رابطه، از «شکل پنهانی» بیرون بیاید و دولت‌های منطقه بیش از گذشته با همکاری اقتصادی آنها آشنا شوند. در سال ۲۰۱۲ وقتی آویگدور لیبرمن، وزیر خارجه وقت اسرائیل گفت «آذربایجان از فرانسه برای اسرائیل مهم‌تر است» (Lyukimson, 2012: 1)، احتمالاً بخشی از همین روابط و همکاری‌های پنهانی دو کشور را در ذهن داشت. بعد از سفر پرز، روابط سیاسی و دیپلماتیک دو کشور وارد دورانی بی‌بازگشت شد که در آن، به جز همکاری‌های پنهانی، تجارت و معاملات چندین میلیارد دلاری تسلیحاتی نیز قابل شناسایی است. بر اساس محاسبات سپیری (انستیتوی تحقیقات صلح بین‌المللی در استکهلم^۲)، در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰، اسرائیل دومین منبع تأمین تسلیحات آذربایجان بعد از مسکو بوده است. (Worldjewishcongress, 2020: 2)

در شرایط فعلی باکو در حال برنامه ریزی برای افتتاح دفتر نمایندگی تجاری در ایالت عبری در سال ۲۰۲۲ است. (Staff, 2020: 2) چنانچه این دفتر افتتاح شود، تنها چیزی که باقی

1. SOCAR

2. Stockholm International Peace Research Institute

می‌ماند این است که مشخص شود جمهوری آذربایجان در کدام یک از دو شهر-تل آویو یا اورشلیم- سفارت خود را افتتاح کند. این درحالی است که برقراری این شکل از روابط، بیشتر به نفع رژیم اسرائیل است زیرا این شکل از همکاری با آذربایجان به آنها این امکان را داده است که ادعا کنند که روابط مسالمت آمیزی با یک کشور شیعه نشین غیر عرب دارد و بر همین مبنا نیز خود را صلح طلب و ایران را مخل امنیت و ثبات در خاورمیانه و آسیای مرکزی قلمداد کند. (Swietochowski, 2002: 68-74) در نتیجه خطر انزوای صهیونیست‌ها در صحنه جهانی در حال کاهش است.

در همین راستا، اسرائیل احتمالاً آذربایجان را در استراتژی خود برای ایجاد اتحاد‌های جانبی علیه ایران حفظ خواهد کرد. آن‌ها می‌دانند که همچنین نیاز به یافتن ابزارهای جدید برای تشویق تجارت دوجانبه دارند. این مساله هدف آژانس تجاری پیشنهادی آذربایجان در اسرائیل است. در صورت افتتاح، باکو همچنین می‌تواند از پشتیبانی اسرائیل و ترکیه درباره قره باغ استفاده کند و بسترساز عادی سازی روابط بین اسرائیل و ترکیه باشد. زیرا زخم‌های حادثه کشتی مأوی مرمره^۱ ترکیه در ۳۱ مه ۲۰۱۰ - که حامل کمک‌های بشردوستانه به مردم تحت محاصره غزه در آب‌های بین‌المللی بود و طی آن ده نفر از شهروندان ترکیه کشته شدند-، هنوز بین اسرائیلی‌ها و ترک‌ها به طور کامل التیام نیافته است ((Lev Kay, 2009: 1) و اعتمادی که در دهه ۲۰۰۰ بین آنها وجود داشت کمرنگ شده است. آذربایجان به عنوان شریک ممتاز ترکیه و اسرائیل، می‌تواند روابط دو کشور را که در سال‌های اخیر رو به سردی بوده است و هر زمان که بحرانی در غزه شروع می‌شود با هم برخورد دیپلماتیک می‌کنند، اصلاح کند. امری که نتایج نهایی آن، خلاف آرمان‌های انقلاب اسلامی است. در همین رابطه نیز رئیس جمهور آذربایجان قبلاً در پایان آوریل ۲۰۲۱ اعلام کرده است که در صورت تمایل آنکارا و تل آویو آماده میزبانی نشست سه جانبه است. (Rotella, 2009: 2)

۵- بایسته‌های رویکرد دفاعی ایران

بر مبنای آنچه بیان گردید، رژیم صهیونیستی برای تأمین منافع خود طرح‌های بلندمدتی را در دست اجرا دارد که با منافع امنیتی، سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تضاد جدی داشته و برای کشور مشکلات طولانی مدتی را ایجاد خواهند کرد. آنچه اهمیت دارد این است که ایران باید در این شرایط بایسته‌ها و اولویت‌های رویکرد دفاعی خود را به خوبی شناخته و در رأس اقدامات سیاسی، امنیتی و نظامی قرار دهد. برخی از مهمترین این موارد در ادامه به شرح زیر خواهد آمد.

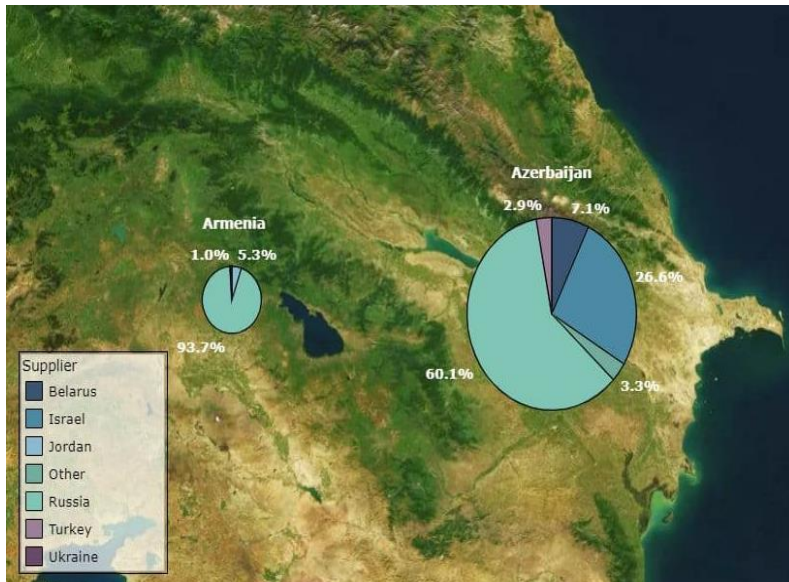
¹.Mavi Marmara

۱-۵- خودداری از انفعال و رأی زنی با روسیه

جمهوری اسلامی ایران باید مذاکره و رایزنی‌های جدی را با دولت‌های همسو با خود برای همراهی و تحقق درک مناسب از شرایط منطقه انجام دهد. در همین راستا، مهم‌ترین گام، ارتباط بیشتر با روسیه و آگاه ساختن آن از تحولات پیش‌رو است. واقع امر آن است که دولت روس در جریان جنگ ۴۴ روزه حاضر به حمایت جدی از ارمنستان نشد و در شرایط کنونی نیز در پی کنترل منابع انرژی آذربایجان است. در نظر گرفتن منافع ملی و تمرکز بر رویکردهای انحصاری باعث شده تا از طرف روسیه، امتیازهای زیادی به آذربایجان داده شود. به نظر می‌رسد تداوم این امتیازدهی و سکوت در برابر برخی اقدامات آذربایجان مانند برگزاری مکرر مانورهای نظامی و ارتباطگیری با ترکیه و رژیم صهیونیستی، باعث قدرت‌نمایی بیشتر آذربایجان خواهد شد و برای روسیه و متحدان آن تبعات ناگواری خواهد داشت. (Kucera, 2021: 3) بنابراین، ایران باید دولت روس را از تهدیدات احتمالی نگرش‌های پان‌ترکی و نوع‌گمانی‌گری آنکارا-آذربایجان و نفوذ با برنامه اسرائیل کاملاً آگاه کند و ایران نیز تا جای ممکن باید از تسلیم شدن در برابر نگرش روسی به منطقه قفقاز خودداری کند، تا بدین شکل منافع خود را تأمین کند.

رویکرد روسیه در قبال آذربایجان سینوسی است و این کنش سیاسی، بدبینی مقامات دولت‌های همراه خود را به همراه خواهد داشت. به عنوان مثال روسیه باز ماندن دالان لاجین - که از جنگ قره‌باغ به این سو تحت کنترل نیروهای ارمنی قرار داشت و پس از توافق آتش‌بس در آخرین ساعات ۳۰ نوامبر ۲۰۲۰ ارتش جمهوری آذربایجان کنترل دوباره این شهر را به دست گرفت - را تضمین نمود. (RFE/RL, 2021: 2) این درحالی است که پیش از این از فعالیت‌هایی آذربایجان برای بستن این دالان جلوگیری کرد. اما چنین واکنشی را در قبال مسدود کردن جاده‌کاپان به گوریس نداشت که شاید علت این مساله آن باشد که روسیه بر طبق توافق سه جانبه وظیفه‌ای برای تأمین امنیت جاده‌های ترانزیتی ارمنستان ندارد، اما وظیفه این کشور برای تأمین امنیت دالان لاجین به صراحت در توافقنامه آتش‌بس ذکر شده است. (Huseynov, 2021: 1) در واقع ابهام در بند نهم توافقنامه آتش‌بس سه جانبه که تنها به مناسبات ترانزیتی و حمل و نقل کالا بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان اختصاص دارد و اختلافات حاکمیتی دو طرف را تعیین تکلیف نشده رها کرده، از جمله عوامل اصلی تداوم تنش‌ها است. می‌توان حدس زد این ابهام به طور عمدی توسط روسیه به وجود آمده تا به تداوم دخالت‌های خود در این منطقه ادامه دهد. اما روسیه باید متقاعد شود که حضور فعالش در مناسبات و تحولات قفقاز و برنامه‌های راهبردی آن نباید برخلاف منافع ملی ایران طراحی و عملی شود. به عنوان مثال بررسی تجارت تسلیحاتی روسیه نشان می‌دهد که این کشور، همزمان صادرکننده اصلی سلاح و تجهیزات نظامی به هر دو کشور آذربایجان و ارمنستان است.

نقشه‌شماره (۱)، انتقال تسلیحات نظامی روسیه به ارمنستان و آذربایجان از سال



Source: SIPRI Arms Transfers Database, mar 2020

دولت روسیه باید بداند که تحولات قفقاز تنها منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را به خطر نمی‌اندازد. این تحولات در کنار قدرت گرفتن طالبان در افغانستان و افزایش دخالت پاکستان در این کشور و نیز در منطقه قفقاز، می‌تواند منجر به تهدید منافع چین و روسیه شود که منطبق بر برنامه‌های ایالات متحده و ناتو برای تضعیف این رقبای نوظهور است. در صورت ایجاد دالان زنگه‌زور راهی مطمئن و سریع برای انتقال نیروهای نظامی این کشورها و تروریست‌های مورد حمایت ترکیه و نیز عوامل وابسته به رژیم صهیونیستی به قفقاز و از این طریق به مرزهای چین و روسیه به وجود می‌آید. تحولات در مرزهای شمال غربی ایران می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر وزن سیاسی ایران و روسیه در تحولات منطقه قفقاز و حتی فراتر از آن داشته باشد. آنچه اکنون در مرزهای شمال غربی ایران مشاهده می‌شود، شکل‌گیری یک اتحاد نامرئی بین آمریکا، ترکیه، آذربایجان، ارمنستان و رژیم صهیونیستی است و هدف‌گذاری آن ایجاد یک تغییر ژئوپولیتیک با نتایج راهبردی علیه دو کشور ایران و روسیه است.

۲-۵- تغییر سیاست خارجی با ترکیه

دولت ترکیه فعلی سیاست‌های خود را به گونه‌ای در پیش می‌گیرد که با منافع ایران در بسیاری از مواقع متضاد است. این کشور در حال سرمایه‌گذاری‌های آشکار و گسترده‌ای در آذربایجان برای افزایش نفوذ و تاثیرگذاری قومی و تحریک ترک‌های ایران برای تحقق اهداف تجزیه طلبانه و ایجاد آشوب و فتنه در سه استان شمال غربی ایران است. (euronews, 2021: 1) به

این طریق، امکان بازشدن راه نفوذ رژیم صهیونیستی به مرزهای شمالی ایران غیر ممکن نخواهد بود. در نقطه مقابل چنین رویکردی، باید ائتلاف‌سازی با رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ترکیه و منتقدان سیاست‌های تهاجمی این کشور مانند مصر، قبرس، فرانسه و هند با جدیت بیشتری دنبال شود و تا حد امکان به انفعال فعلی پایان داد. علاوه بر این، باید از ابزار رویکرد استبدادی ترکیه علیه غیر ترک زبانان استفاده نمود و به آنها تفهیم شود که با توجه به سرکوب اقوام غیر ترک و سیاست خارجی تهاجمی آن در قبال برخی از کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه، ظرفیت‌های زیادی برای افزایش هزینه‌های سیاسی-امنیتی این کشور وجود دارد. واکاوی جنس رفتارهای سیاسی دولت‌های آذربایجان و ترکیه نشان می‌دهد که احتمالاً آنها در شرایط کنونی تصور می‌کنند در قبال رویکرد تهاجمی خود پاسخ متقابل و مقتضی دریافت نمی‌کنند. علت این مساله گره خوردن منافع اقتصادی برخی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در داخل ایران با مراکز در این دو کشور و به خصوص ترکیه است که باعث ریشه دواندن تفکرات قومیتی و پان ترکی در آنها و سکوتشان در این شرایط حساس شده است.

۳-۵- افزایش قدرت نرم و رسانه‌ای ایران

واقعیت آن است که در شرایط کنونی ایران تا حدود زیادی افکار عمومی آذربایجان را در ابعاد رسانه‌ای از دست داده است. دلیل آن علاوه بر تنش‌های اخیر دو دولت، تمرکز ایران در رسانه‌های عربی ظرف چند سال اخیر است که آن را از توجه به رسانه‌های آذری زبان بازداشت. در همین راستا نیز در جنگ اخیر میان ارمنستان و آذربایجان، دولت و رسانه‌های همسوی آن، خبرهای بسیاری برای تحریک و انحراف افکار عمومی و دوقطبی ایران-آذربایجان و ترکی-ایرانی منتشر کردند؛ که متأسفانه نبود سازوکار مناسب سبب شد تصاویر غلط، غیرواقعی و خبرسازی رسانه‌های پان ترکیسم یک‌باره در رسانه‌ها و فضای مجازی کشور باز نشر شود. خبرسازی‌های کذب در مورد هدف قرار گرفتن الهام علی‌اف در زمان بازدید از نوار مرزی نمونه‌ای از این شکست رسانه‌ای است. (Aliyev, 2021: 2) بنابراین، با توجه به واقعیات موجود قطعاً باید فعالیت‌های جنگ روانی، رسانه‌ای و تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران چه در نشریات رسمی و رسانه‌ها و چه در اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بر علیه سیاست تهاجمی آذربایجان بخصوص پس از عملیات وعده صادق تشدید شود. سکوت رسانه‌ای، کم کاری و عدم حساسیت در شرایطی که عوامل اطلاعاتی و جاسوسان سازمان ترکیه، آذربایجان و رژیم صهیونیستی به دنبال شناسایی ترک زبانان هستند تا گرایش‌های قومی و تجزیه طلبانه را در آنها ایجاد کنند؛ یک سیاست اشتباه است. در شرایطی که ترک‌ها پادشاهان قبیله‌گرا، ستمگر و جنگ طلب سلسله غزنویان و دودمان سلجوقی و عثمانی را با تحریف تاریخی به عنوان «میراث جهانی» ترک‌زبانان برای شهروندان و مردم آسیای میانه تعریف می‌کنند، اصرار برخی رسانه‌ها در تحقیر پادشاهان باستانی سیاستی است که باید در شرایط کنونی مورد تجدیدنظر قرار بگیرد. با

یادآوری تمدن تاریخی ایران، آذربایجان و شهروندان آن هم به عظمت امپراتوری ایران پی می‌برند و هم جایگاه کشور خود را باز می‌یابند. (تاجیک اسماعیلی، اشرفی، بخشایشی اردستانی و الله کرم، ۱۴۰۲: ۷۷)

از طرفی نیز، باید به این دولت تفهیم نمود که رفتار غیریت‌ساز و غیردوستانه آنها در قبال ایران صرفاً ۱- حس وطن‌دوستی و ملی‌گرایی همه اقوام ایرانی و به خصوص آذری زبان‌ها را تقویت کرده؛ و ۲- تداوم چنین رویکردی دولت‌جمهوری‌اسلامی ایران را به استفاده از ظرفیت‌های مذهبی، قومیتی و سیاسی موجود در داخل این دو کشور برای وادار کردن آذربایجان به تغییر این سیاست‌های غیر منطقی و خصمانه مجبور می‌کند. (جمشیدی، فلاحی و ایدی، ۱۴۰۲: ۱۳۶) چنانکه رهبری نیز در همین زمینه به صراحت اظهار داشتند «آن کسانی که برای برادران خود چاه می‌کنند، خودشان اول در چاه می‌افتند. این حوادثی که در شمال غربی کشور ما در بعضی همسایه‌ها در جریان است، چیزهایی است که بایستی با همین منطق عدم حضور نظامی ارتش‌های بیگانه حل بشود.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۲)

۴-۵- توازن در حضور فعالانه ایران در آسیای میانه و خاورمیانه

تا پیش از تشدید تنش‌های میان آذربایجان و ایران، دولت جمهوری اسلامی ایران بخش قابل توجهی از نیروی خود را مصروف ثبات و ایجاد صلح در خاورمیانه نموده بود. این درحالی است که به نظر می‌رسد توجه بیش از حد به تحولات و مسائل روز منطقه خاورمیانه که البته اهمیت فوق‌العاده‌ای هم دارد؛ نباید باعث کم‌توجهی و غفلت مسئولین سیاسی و نظامی-امنیتی ایران از سایر مناطق و مرزهای کشور باشد. این حضور و توجه نیز باید عملگرایانه و فعالانه باشد تا به نتایج مناسب منتهی شود. پیش از این، مقامات وزارت خارجه ایران هرچند سفرهایی به ارمنستان و آذربایجان داشتند و با طرفین درگیری مذاکره کردند، اما در مسیر مذاکرات سیاسی و جهت‌دهی به آنها نقش پررنگی نداشتند و همین مسئله عاملی شد تا تنها راه استراتژیک ارتباطی میان «آذربایجان و نخجوان» که به «راه زمینی ایرانی» شهرت دارد؛ با طرح جدید آتش بس، از مناطق مهم شمالی ایران گذر کند و عملاً «این مسیر و گذرگاه استراتژیک» و «وابستگی باکو به تهران» کاهش پیدا نماید. (Defence, 2021: 1)

۴-۵- ایجاد روابط منطقی با ارمنستان

ایران در رابطه با ارمنستان باید دو رویکرد گفتگوی انتقادی و درعین حال حمایت از مواضع آن را در دستور کار خود قرار دهد. بر مبنای رویکرد اول، دولت ایران می‌بایست مذاکره و گفتگوهای انتقادی و کاملاً جدی با ارمنستان در زمینه نوع موضع‌گیری‌های اخیر این دولت داشته باشد و به صورت کاملاً صریح خواستار تقابل جدی در برابر زیاده‌خواهی‌های جمهوری آذربایجان گردد. به عنوان مثال، آن‌ها باید با گفتگوهای انتقادی متوجه شوند که مواضع غیرسازنده برخی مقامات این کشور - که مزاحمت‌های دولت آذربایجان برای راننده‌های ایرانی را

صرفاً چالشی میان آذربایجان و ایران می‌دانند-، قبل از ایجاد مشکل برای اقتصاد و ارتباط زمینی ایران، تمامیت ارضی و استقلال ارمنستان را تهدید خواهد کرد.

پس از انجام گفتگو و متقاعد کردن ارمنستان از خطرات احتمالی، دولت ایران باید حمایت جدی خود از مواضع ارمنستان برای حفظ مرزهای فعلی این کشور را اعلام نماید. علاوه بر این، در صورت وجود ضرورت، با انجام حمایت آشکار یا سری نظامی و اطلاعاتی از ارمنستان، هژمون و اقتدار خود را در این زمینه را به کشورهای رقیب نشان دهد. (Sofuoglu, 2020: 1) این امر حضور گسترده‌تر سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی در استان سیونیک را که هم مرز با ایران است، تا حد زیادی ممکن می‌کند. چنانچه در دیدار و گفتگوی وزرای امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان، آرارات میرزویان^۱ صراحتاً بیان داشت که توافق می‌کنیم که در تمامی زمینه‌های اقتصادی، تجاری و گردشگری همکاری‌ها را توسعه دهیم و تجارت و بهره‌برداری از مسیر ترانزیتی ارمنستان از موضوعات مورد توجه دو کشور است. «ما در احیای جاده ترانزیتی و مسیرهای رفت و آمد کامیون‌های دو کشور روندی را تعریف کردیم که به سرعت عملیاتی خواهد شد.» (امیر عبداللهیان، ۱۴۰۰: ۲)

۶-۵- ارسال شفاف سیگنال قدرت نظامی

مسئولین نظامی و اجرایی ایران باید به دولت آذربایجان و رژیم صهیونیستی به صراحت عنوان دارند که از آنجا که حضور رژیم صهیونیستی به تشخیص منابع اطلاعاتی ایران، ضد این کشور و منافع امنیتی-سیاسی آن است، اگر چنانچه در این راستا اقدامی عملی صورت پذیرد، ایران در هر جایی حتی در داخل جغرافیای جمهوری آذربایجان؛ حق و توان پاسخگویی به زیاده خواهی‌های اسرائیل را دارد. البته هرچند مقامات سیاسی و نظامی-امنیتی دولت ایران بارها در رسانه‌های خود اعلام کرده‌اند که پاسخ حضور پرتنش رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه و آسیای میانه را خواهد داد، اما در جنگ اخیر ارمنستان و آذربایجان و در پی همکاری اطلاعاتی آذربایجان و رژیم اسرائیل که غیرقابل انکار است، حضور ایران در عرصه‌های اطلاعاتی یا نظامی به نفع منافع خود چندان به چشم نیامد. به نظر می‌رسد همین مسأله امروزه توازن امنیتی میان ارمنستان-آذربایجان را با چالش جدی مواجه ساخته است. موضوعی که می‌تواند حتی دولت ارمنستان را راضی و یا وسوسه کند تا برای رفع توازن و تثبیت جایگاه خود، در مسیر ائتلاف با رژیم صهیونیستی قرار گیرد. بنابراین، به نظر می‌رسد ایران باید در ماجرای نخجوان هم میان نخبگان فکری و اجرایی و هم میان منافع ملی و نگاه ایدئولوژیک به یک جمع‌بندی مهم دست یابد و با ابزار ارسال سیگنال شفافیت قدرت نظامی و دیپلماسی فعال، مانع حضور بیشتر رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز شود. در شرایط فعلی کم هزینه‌ترین کنش عملی و حداقل اقدام

1. Ararat Samveli Mirzoyan

ضروری در این زمینه، پشتیبانی و حمایت از گروه‌های ملی‌گرای ارمنی برای اقدام امنیتی، نظامی و اطلاعاتی علیه منافع آذربایجان و رژیم صهیونیستی است. همچنین شدت دادن به نبرد سایبری و الکترونیک بر علیه این دو کشور در برخی مواقع باید در نظر گرفته شود تا ضمن افزایش قدرت بازدارندگی آنها، به این مساله واقف شوند که توانمندی جمهوری اسلامی به میزانی است که اگر اراده نماید به این دو کشور قدرت خود را نشان دهد، نیازمند اقدام صرف نظامی نیست.

۲-۵- افزایش تعاملات بین‌المللی

در عرصه بین‌الملل اتخاذ دو رویکرد اساسی می‌تواند قدرت ایران در آسیای مرکزی را افزایش دهد. اولین مورد افزایش دیپلماسی سیاسی با اتحادیه اروپا است. به نظر می‌رسد ایران باید با اتخاذ سیاستی متین و منطقی در مذاکرات هسته‌ای با دولت‌های اروپایی و نه لزوماً آمریکا، تا حد امکان از فشار تحریم‌های اقتصادی بکاهد. با رهایی از انزوای سیاسی و بین‌المللی، ایران باید توان کنشگری خود را در برابر برخی از کشورهای توسعه طلب و تهدیدگر همسایه افزایش دهد. این مسیر گرچه سخت و زمان بر است اما همینکه ایران به مذاکرات با رویکردی تهاجمی برخورد نکند این پیام را صادر نموده که آماده مذاکرات منطقی و متناسب با منافع ملی خود است. بدیهی است رقبای منطقه‌ای ایران و رژیم صهیونیستی با افزایش قدرت بازیگری و تأثیرگذاری ایران و فروکش کردن فشارهای اقتصادی، از تهدیدات احتمالی علیه ایران می‌کاهند. در نتیجه ایران نیز به تدریج این فرصت را خواهد یافت تا سیاست موازنه‌سازی میان قدرت‌های بین‌المللی را با سهولت و با استفاده از گزینه‌های بیشتر پیگیری کند.

مورد دوم توجه به سازمان همکاری شانگهای^۱ است. ایران باید از ظرفیت‌های دیپلماتیک و اطلاعاتی سازمان همکاری شانگهای استفاده کند. نگرانی‌ها و علائق چین در این حوزه باید مورد توجه جدی قرار بگیرد. چین به تازگی از فعالیت‌ها و حضور اقتصادی خود در افغانستان به واسطه نگرانی از تهدیدات تروریستی کاسته است. باید با مذاکرات دقیق به این کشور تفهیم شود که سیاست‌های توسعه طلبانه آذربایجان به تحریک رژیم صهیونیستی و تحرکات ترکیه در قفقاز و سکوت و در بعضی مواقع همراهی ضمنی روسیه، سبب‌ساز گسترش تهدیدهای تروریستی بر علیه منافع چین خواهد شد و لذا ضرورت دارد این کشور مشارکت و همراهی بیشتری با دغدغه‌های ایران در آسیای مرکزی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در راستای دکترین اتحاد پیرامون نوین و تمرکز بر خطرهای ایران برای این رژیم، استراتژی اتحاد پیرامونی خود را به شکلی تغییر داده که گستره آن به دولت‌ها و سیستم‌های منطقه‌ای همسایه و همجوار ایران بخصوص جمهوری

^۱. Shanghai

آذربایجان منتقل شده است. در همین راستا در چارچوب ابعاد اقتصادی-تجاری، نظامی، امنیتی-اطلاعاتی و سیاست خارجی به صورت قابل توجهی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی آذربایجان نفوذ کرده است. به نظر می‌رسد این رژیم تا حدود زیادی نیز بر مبنای تئوری «موازنه تهدید» که مکمل تئوری اتحاد پیرامون است و بر مبنای آن کشورها در مقابل دولت‌هایی که منشأ بیشترین تهدید هستند، دست به اتحاد می‌زنند؛ با کشوری چون آذربایجان به وفاق رسیده و به میزانی از همگرایی در سیاست داخلی و خارجی رسیده است. علاوه بر این، در چارچوب استراتژی «مهار جدید» و «جنگ بین کارزارها» نیز به دنبال نوع خاصی از محاصره و اعمال فشار همه جانبه بر ایران است. بنابراین برنامه راهبردی رژیم صهیونیستی در ارتباط با محیط سیاسی و امنیتی ایران، یک تهدید و خطر جدی امنیتی است. در راستای دگرترین پیرامون جدید، رژیم صهیونیستی تلاش نموده تا خطرات، اعتراضات و به طوری کلی تحولات آشوب ساز درونی و مخمل سیستم امنیتی خود را به خارج از مرزهای فلسطین اشغالی برده و در پشت آن مرزها کنترل نماید. زیرا صهیونیست‌ها در برابر ائتلاف کشورهای اسلامی و وقایع داخلی، به شدت آسیب پذیر است؛ به طوری که با هر نوع آشوبی این امکان وجود دارد که دچار مشکلات جدی سیاسی-امنیتی شوند. نفوذ اسرائیل در آذربایجان و تحریک جمهوری آذربایجان برای انجام رفتار پر خطر علیه منافع ایران در همین راستا قابل فهم است. این خطر برای ایران آن‌چنان جدی است که اگر چنانچه ایران از اشغال و انسداد مرزهای شمالی جلوگیری نکند، عملاً می‌توان مدعی بود که: ۱- همسایگی با رژیم صهیونیستی؛ ۲- هم‌جواری با جمهوری آذربایجان و سیاست هاس تجزیه طلبانه آن؛ و ۳- تحت محاصره قرار گرفتن توسط ناتو را پذیرفته؛ اما چنانچه قرار بر دفاع پیش‌دستانه باشد، چاره‌ای جز ایستادن در برابر این نقشه شوم وجود نخواهد داشت. ایران از یک طرف باید با اقدامات خود، از قبیل ارسال شفاف سیگنال نظامی، اطلاعاتی، امنیتی و حمایت از ارمنستان، خطای تحلیلی و اطلاعاتی به وجود آمده در ائتلاف باکو- آنکار- تل‌آویو را از بین برده و به آنان این معنا را انتقال دهد که در صورت انجام کنش پرخطر علیه منافع ایران در منطقه آسیای میانه، با واکنشی سخت و جدی روبه‌رو خواهند شد. از طرف دیگر باید با آذربایجان، دولت‌های اروپایی، ارمنستان و روسیه دیپلماسی فعال داشته باشد. با آذربایجان وارد مذاکره شود تا اگر روزه‌ای برای حل مشکل از این طریق وجود دارد؛ بدون صرف هزینه روابط مناسب را برقرار نماید. در غیر این صورت گفتگوی انتقادی و شفافیت در بیان خطرات احتمالی برای آنها را در دستور کار قرار دهد. با چین و دولت‌های اروپایی روابط دیپلماتیک در راستای افزایش هژمونی، رفع بحران اقتصادی و در نهایت نفوذ منطقه‌ای نباید نادیده گرفته شود. در این میان رأی زنی با روسیه و همسو کردن این کشور با منافع امنیتی-اقتصادی ایران، به گونه‌ای که در سیاست خارجی خود بخصوص در قبال آذربایجان، منافع ملی ایران را نیز در نظر داشته باشد نیز بسیار اهمیت دارد.

منابع

- امیدی، علی، و خیری، مصطفی (۱۳۹۵). تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران، مطالعات راهبردی، ۱۹ (۳)، صص ۱۳۷ - ۱۵۸.
- امیرعبداللّه‌یان، حسین (۸ مهر ۱۴۰۰). ایران حضور و فعالیت رژیم صهیونیستی علیه امنیت ملی خود را تحمل نمی‌کند، ایرنا. <https://www.irna.ir/news/84489292>
- آبیل اف، شامخال (۱۳۹۲). روابط بین آذربایجان و اسرائیل: مشارکتی غیر دیپلماتیک اما راهبردی، ترجمه رحمت اله محمودی سوق، مطالعات منطقه‌ای، ۱۵ (۱)، صص ۴۵ - ۶۴.
- پناهی، علیرضا، و امیری، اقبال (۱۳۹۴). تأثیرات حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی ایران، پژوهش‌های سیاسی، شماره ۱۳، صص ۳۰ - ۶۱.
- تاجیک اسماعیلی، رسول، اشرفی، اکبر، بخشایشی اردستانی، احمد، و الله کرم، عبدالحسین (۱۴۰۲). واکاوی اصول انتقام سخت در اندیشه دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای، مطالعات بیداری اسلامی، ۱۲ (۲۸)، صص ۶۹ - ۹۳.
- جمشیدی، محسن، فلاحی، سارا و ایدی، محمد (۱۴۰۲) پیامدهای نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بر محور نفوذ و محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات بیداری اسلامی، ۱۲ (۳)، صص ۱۲۱ - ۱۴۲.
- جوآنپور هروی، عزیز، و جعفری فر، احسان (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر همگرایی اسرائیل و جمهوری آذربایجان (۲۰۱۷-۱۹۹۱)، راهبرد سیاسی، ۲ (۵)، صص ۸۳ - ۱۰۰.
- حیدری، کیومرث (۹ مهر ۱۴۰۲). حساسیت ما به مرزهای شمال غربی افزایش یافته است، ایسنا. <https://www.isna.ir/news/1400070905670>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۱ مهر ۱۴۰۰). بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48783>
- رادگودرزی، معصومه (۱۳۹۵). روابط استراتژیک اسرائیل و آذربایجان: بنیادها و الزامات، سیاست جهانی، ۵ (۳)، صص ۱۸۵ - ۲۱۸.
- عاملی، سید حسن (۷ مهر ۱۴۰۰). صدای اسرائیل را از باکو می‌شنوید، نقل شده در سایت: <https://www.magiran.com/article/4223165>
- فرجی راد، عبدالرضا (۱۷ مهر ۱۴۰۰). اسرائیل و جمهوری آذربایجان، «جدی‌ترین» تهدید مشترک علیه امنیت ایران، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2006679>
- کریمی ناوه کش، محسن، و نظریور، داوود (۱۳۹۲). منابع نفت و گاز جمهوری آذربایجان، تحرکات انرژی اسرائیل و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات منطقه‌ای، ۱۴ (۳)، صص ۴۹ - ۷۴.

AFP, (4 October 2021). Azerbaijan denies Iran's claim it is hosting Israeli military troops. <https://www.timesofisrael.com/azerbaijan-denies-irans-claim-it-is-hosting-israeli-military-troops/>

Aliyev, I (13 december 2016). Ilham Aliyev and Prime Minister of Israel Benjamin Netanyahu held one-on-one meeting. <https://en.president.az/articles/22032>

Azernews (14 January 2019). Azerbaijan purchases kamikaze drones from Israel. <https://www.azernews.az/business/143969.html>

Batalden, S (1997). The newly independent states of Eurasia: handbook of former Soviet republics, Greenwood Publishing Group.

Cornell, S (2005). Small Nations and Great Powers: A Study of Ethnopolitical Conflict in the Caucasus, Publisher: Taylor & Francis.

Defence (04 October 2021). Iran to help Armenia finish transit road that bypasses Azerbaijan, Monday. <https://defence.pk/pdf/threads/iran-to-help-armenia-finish-transit-road-that-bypasses-azerbaijan.725195/>

Delanoë, I (28 September 2021). Israel - Azerbaijan: an alliance in search of renewal. <https://fmes-france.org/israel-azerbaijan-an-alliance-in-search-of-renewal/>

Esfandiari, G (1 October 2021). Explainer: What's Behind Fresh Tensions On The Iran-Azerbaijan Border?. <https://www.rferl.org/a/iran-azerbaijan-military-drills-border/31488035.html>

euronews, (20 December 2021). Turkey builds a border wall to stop refugees from Afghanistan Access to the comments. <https://www.euronews.com/2021/08/20/turkey-builds-a-border-wall-to-stop-refugees-from-afghanistan>

Huseynov, V (22 September 2021). Azerbaijan Increasingly Critical of Russia's Peacekeeping Mission in Karabakh. <https://jamestown.org/program/azerbaijan-increasingly-critical-of-russias-peacekeeping-mission-in-karabakh/>

Javedanfar, M (14 October 2021). Iran's threats could strengthen Azerbaijan-Israel relations. <https://www.mei.edu/publications/irans-threats-could-strengthen-azerbaijan-israel-relations>

Kucera, J (10 Feb 2021). Visitors to Karabakh to require Russian permission. <https://eurasianet.org/visitors-to-karabakh-to-require-russian-permission>

Lenk, A (7 April 2007). 15th anniversary of Israel-Azerbaijan

- diplomatic relations. Ministry of Foreign Affairs of Israel.
<https://embassies.gov.il/Pages/IsraeliMissionsAroundTheWorld.aspx>
- Lev Kay, Y (31 May 2009). Israeli Embassy Bombing Foiled – Defense/Middle East – News – Arutz Sheva.
<https://www.israelnationalnews.com/News/News.aspx/131627>
- Lieberman, A (6 April 2016). Azerbaijan's position in Karabakh conflict justified. <https://en.trend.az/azerbaijan/politics/2515494.html>
- Luke T (2 August 2023). Azerbaijan opens first trade office in Israel to boost economic ties, <https://www.timesofisrael.com/azerbaijan-opens-first-trade-office-in-israel-to-boost-economic-ties/>
- Lyukimson, P (30 Apr 2012). Azerbaijan is more important for Israel than France. <https://vestnikkavkaza.net/articles/politics/26089.html>
- Nichol, James P, (1995), Diplomacy in the Former Soviet Republics. Praeger/Greenwood.
- Perry, mark, (28 March 2012). Israel's Secret Staging Ground, Foreign Policy, https://foreignpolicy.com/articles/2012/03/28/israel_s_secret_staging_ground?page=full
- Perry, M (28 March 2021). Israel's Secret Staging Ground. <https://foreignpolicy.com/2012/03/28/israels-secret-staging-ground/>
- Ramani, S (12 September 2016), Israel Is Strengthening Its Ties With The Gulf Monarchies, The Huffington Post.
https://www.huffpost.com/entry/why-israel-is-strengthening_b_11946660
- RFE/RL (9 April 2021). Watchdog Calls On Russia To End Information 'Black Hole' In Nagorno-Karabakh.
<https://www.rferl.org/a/watchdog-calls-on-russia-to-end-information-black-hole-in-nagorno-karabakh/31195628.html>
- RFE/RL's Azerbaijani Service (13 February 2012). Azerbaijan Rejects Iran's Israel Spy Claim,
https://www.rferl.org/a/azerbaijan_rejects_irans_israel_spy_claim/24482854.html
- Rotella, S (30 May 2009). Azerbaijan seen as new front in Mideast conflict, Los Angeles Times, <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-2009-may-30-fg-shadow30-story.html>
- Shiriyev, Z (15 Dec 2016). Netanyahu: Israel, Azerbaijan enjoy excellent relations, <https://eurasianet.org/azerbaijan-netanyahu-visit-boosts-azerbaijani-israel-ties>

Sofuoglu, M (28 Sep 2020). What's Iran's role in the Armenia-Azerbaijan clash?. <https://www.trtworld.com/magazine/what-s-iran-s-role-in-the-armenia-azerbaijan-clash-40114>

Staff, T (30 September 2020). Azeris use Israeli-made drones as conflict escalates with Armenia. <https://www.timesofisrael.com/azeris-use-israeli-made-drones-as-conflict-escalates-with-armenia-report/amp/>

Swietochowski, T (1995). Russia and Azerbaijan: A Borderland in Transition. Columbia University Press

Swietochowski, T (2002). Azerbaijan: The Hidden Faces of Islam, *World Policy Journal*, 19 (3). pp. 69-76.

Totten, Michael J. (2016), The New Arab–Israeli Alliance, *World Affairs*, 179 (2): 28–36.

Vatanka, A (5 October 2021). Azerbaijan and Israel's encirclement of Iran. <https://www.mei.edu/publications/azerbaijan-and-israels-encirclement-iran>

Vesti (11 March 2012). Citizens of Turkey and Israel Unaffected by New Visa Issue Law. at the Wayback Machine. [Vesti.az](http://vesti.az).

Worldjewishcongress (5 April 2017). Excellent relations with Jewish community and Israel,' Azerbaijan's president tells WJC delegation. www.worldjewishcongress.org



نقش رهبری «امامین انقلاب» در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران

هادی ابراهیمی کیایی^۱، وحید آرایبی^۲، جواد جمالی^۳

چکیده

بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد و انقلاب ایران در حالی وارد دهه پنجم خود شد که بسیاری از مخالفین و معاندین چهل سالگی انقلاب را ندیدند، اما انقلاب ماند و چهل سالگی خود را به نظاره نشست و وارد دهه پنجم خود شد. دهه‌ای که رهبری معظم انقلاب از آن به عنوان سرآغاز گام دوم انقلاب یاد نمودند. اینکه چگونه انقلاب توانست علی‌رغم همه توطئه‌های داخلی و خارجی، در میان حیرت بسیاری از تحلیل‌گران با صلابت از این مسیر عبور کند نیاز به بررسی عمیق جامعه‌شناسانه دارد. در یک بررسی جامعه‌شناسانه عوامل متعدد در شکل‌گیری و تداوم یک پدیده دخیل هستند. انقلاب ایران نیز از این امر مستثنی نیست، اما در بین این شاخص‌ها، به اذعان کارشناسان، عامل رهبری تأثیر به‌سزائی در حفظ و تداوم انقلاب داشته است. بنابراین پرسش ما در این پژوهش آن است که شاخص رهبری در ایران بعد از انقلاب چگونه در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی نقش داشته است؟ فرضیه ما این است که رهبری در قالب اصل ولایت مطلقه فقیه با تصمیمات حکیمانه، خردگرایانه، تکلیف‌گرایانه و مصلحت‌گرایانه مهم‌ترین عامل در حفظ و تداوم انقلاب در عبور از توطئه‌های داخلی و خارجی بوده است.

کلیدواژه‌ها: رهبری، تداوم، تصمیم‌گیری، حکیمانه، خردگرایانه، تکلیف‌گرایانه، مصلحت‌گرایانه، انقلاب اسلامی ایران

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.1.4.5

دوره ۱۳، شماره ۱،
پیاپی ۳۱ بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۱/۲۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۳/۳۱
صص: ۸۳-۹۵

شاپا: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی فصلت گویانی در
JOURNALS.MSRT.IR

۱. دانشیار علوم سیاسی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ایران (نویسنده مسئول)
ebrahimih56@yahoo.com
۲. استادیار گروه مدیریت دولتی و خط مشی‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
۳. دانش‌آموخته دوره دکترای، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

مقدمه

مطالعه و بررسی انقلاب‌ها از آن جهت که مسیر تحولات و آینده یک کشور را در نظم جهانی در معرض تغییر قرار داده‌اند، دارای اهمیت می‌باشند. علاوه بر این استمرار و تداوم اهدافی که انقلابیون بر مبنای آن نظام مستقر را کنار زدند و نظم جدیدی را بنا نموده‌اند، همواره یکی از مهم‌ترین موضوعاتی می‌باشد که در کالبد شکافی انقلاب‌ها مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین علاوه بر دلائل شکل‌گیری انقلاب‌ها، موضوع تداوم و استمرار آن نیز دارای اهمیت بسیاری می‌باشد، از همین رو است که هانتینگتون از دو مرحله «تحرك سیاسی» و مرحله «نهادمندی انقلاب» در بررسی انقلاب‌ها سخن به میان می‌آورد. بنابراین یک انقلاب علاوه بر «آفرینش» مرحله دومی نیز دارد که از آن تحت عنوان «استمرار و تداوم انقلاب» یاد می‌نمایند.

انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین رخداد‌های تاریخ معاصر جهان محسوب می‌شود. این انقلاب در چهار دهه اخیر بر خلاف تصورات کسانی که گمان می‌نمودند، دچار ترمیدور^۱ خواهد شد^۲ و انقلابیون به دلیل بی‌تجربگی قادر به اداره کشور نیستند و دیر یا زود این انقلاب به عکس خود بدل خواهد شد، نه تنها تداوم یافت بلکه دستاوردهای متعددی را در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی نیز به ارمغان آورد.

معاندان انقلاب اسلامی ایران، در طول دهه هائی که از انقلاب اسلامی گذشته است، همواره خیال خام براندازی را در ذهن خود داشتند و گمان می‌نمودند کشور با مشکلات و فشارهائی که از خارج بر آن وارد می‌شود، دیر یا زود دچار فروپاشی خواهد شد. این تحلیل مختص دوران کنونی نبوده است بلکه در دهه نخست انقلاب نیز چنین تحلیل می‌نمودند. آنان بر خیال خود جامعه واقعیتمی‌پوشاندند و هر بار آن را به عنوان یک تحلیل سیاسی ارائه می‌دادند^۳ و تلاش می‌نمودند با تاسی از نگاه استالین به موضوعات سیاسی، واقعیتم را به تحلیل‌های خود نزدیک کنند و نه اینکه تحلیل‌های خود را به واقعیتم نزدیک نمایند.^۴

^۱ Thermidor

^۲ نظریه ترمیدور توسط، کرین بریتن مور مطرح شد. براساس این نظریه، انقلاب‌ها در مسیر تحولات خود، سه مرحله را پشت سر خواهند گذاشت:

- ۱- مرحله اول: که مرحله «بعد سرنگونی» می‌باشد و نیروهای میانه رو قدرت را در دست می‌گیرند؛
- ۲- مرحله دوم: مرحله «کنار زدن میانه روها» می‌باشد. در این مرحله نیروهای میانه رو کنار زده می‌شوند و نیروهای افراطی و رادیکال قدرت را در دست می‌گیرند؛
- ۳- مرحله سوم: که مرحله «ترمیدور» نام دارد در این مرحله که از آن به عنوان دوران «نقاہت پس از انقلاب» نیز یاد می‌شود، دوران نوستالژیکی می‌باشد که ارزش‌های رژیم سابق بر می‌گردد و نیروهای انقلابی از قدرت کنار گذاشته می‌شوند.

^۳ جان بولتون مشاور امنیت ملی ترامپ معتقد بود انقلاب ایران نباید چهل سالگی خود را ببیند.

^۴ استالین می‌گفت، وای به حال واقعیتم‌هایی که با تئوری‌های ما سازگار نباشند

با رحلت حضرت امام، بسیاری معتقد بودند که این انقلاب به پایان راه خود رسیده است^۱، اما استمرار مسیری که از سوی حضرت امام شروع شد و با اقتدار توسط «آیت الله خامنه‌ای» طی شد، برتحلیل‌های پوشالی آنان رنگ بطلان پاشید. معاندان انقلاب تنها به تحلیل‌های خود بسنده نکردند، بلکه کوشیدند برای رسیدن به آرزوهای خود، اقدام عملی نیز انجام دهند، حوادث و اتفاقات متعدد و ناگواری که کشور در این دوران همراه با پیروزی‌های که از دل این بحران‌ها بدست آورد، کافی بود تا یک انقلاب با سرنگونی و اضمحلال مواجه شود، اما علی‌رغم همه این کارشکنی‌ها، انقلاب ایران با زعامت دو رهبر بزرگ، توانست با اقتدار به سوی اهداف متعالی خود گام بردارد و شگفتی ناظران و تحلیل‌گران را به همراه داشته باشد.

این انقلاب نیز به مانند بسیاری از انقلاب‌های موجود در جهان، همواره در معرض استحاله و تغییر مسیر قرار داشت^۲ اما با این وجود توانست، آرمان‌های خود را پی‌گیری نماید و به حرکت آغازین خود استمرار و تداوم بخشد. در این مسیر پر حوادث و پرچالش، استمرار انقلاب اسلامی و تداوم در مسیری که شروع نمود، موضوع مهمی می‌باشد که نیاز به بررسی عمیق و همه‌جانبه دارد، استمرار و تداومی که به راحتی و بدون تحمل دشواری‌ها و مواجهه با موانع صورت نگرفت. در این مسیر، مؤلفه‌های متعددی در تداوم و حفظ انقلاب اسلامی ایران مؤثر بوده‌اند اما در بین مؤلفه‌های اثرگذار در تداوم این مسیر، به زعم بسیاری از محققین، «رهبری داهیان و مدبرانه امامین انقلاب»، مهم‌ترین نقش را ایفاء نمود. بنابراین ما در این پژوهش در تلاش هستیم تا علل استمرار انقلاب را از منظر مؤلفه «رهبری» مورد بررسی قرار دهیم.

۱ - پیشینه پژوهش

غلامرضا بهروزی لک و رضا کفیلی در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش رهبری در پایداری انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» با بررسی دستاوردهای انقلاب اسلامی در چلّه نخست انقلاب به برنامه‌های مطرح شده در چلّه دوم انقلاب با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران و نقش رهبری در پایداری انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. از دیدگاه

^۱ دیلیپ هیرو در کتابی تحت عنوان «طولانی‌ترین جنگ» که توسط علیرضا فرشچی ترجمه و توسط انتشارات مرز و بوم منتشر گردید، می‌نویسد: بسیاری از تحلیل‌گران بر این باور بودند که پس از رحلت آیت الله خمینی، جنگ خونینی برای رسیدن به قدرت در ایران آغاز خواهد شد. اما کسی حدس نمی‌زد که ایرانیانی که همواره نگران فوت ایشان بودند، با کم‌ترین چالشی برای انتخاب جانشین ایشان مواجه شوند. (هیرو، ۱۳۹۰: ۴۳۸)

^۲ نمونه بارز آن انقلاب کبیر فرانسه می‌باشد که به دلیل اختلاف بین رهبران انقلاب و توطئه علیه همکاران و همراهان، جمهوری را با شکست مواجه نمود و با قدرت رسیدن ناپلئون در سال ۱۷۷۹ آخرین میخ بر تابوت انقلاب کوبیده شد. انقلاب الجزایر نیز به چنین سرنوشتی دچار شد، این انقلاب نیز علی‌رغم آنکه توانست بر استعمار پیروز گردد، اما بعد از پیروزی هرگز نتوانست آرزوها و اهدافی را که مردم بر مبنای آن انقلاب خود را بنا نهاده بودند، تحقق بخشد. نمونه دیگر این انقلاب‌ها انقلاب نیکاراگوئه بود که همزمان با انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست، اما بعد از چند سال به دلیل عدم هوشیاری مردم و سوء تدبیر رهبران سیاسی، دچار شکست گردید.

نویسنده آیت الله خامنه‌ای توانست با نهادینه کردن مؤلفه‌هایی نظیر ولایت، اصالت و ارائه یک نگاه روز از اندیشه اسلامی و... در تداوم انقلاب اسلامی ایران نقش مهمی را ایفاء نماید.

سید جلال دهقانی فیروزآبادی در مقاله‌ای تحت عنوان "الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه آیت الله خامنه‌ای"، کوشید با بهره‌گیری از روش اکتشافی و تکنیک تحلیل مضمون، الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی در اندیشه رهبر معظم انقلاب را مورد بررسی قرار دهد. از دیدگاه نویسنده، دستگاه فکری و شناختی رهبر انقلاب بر مبنای جهان بینی توحیدی پایه‌گذاری شده است که در این بین اسلام، مهم‌ترین منبع در تصمیم‌گیری ایشان می‌باشد.

حسن رحیمی در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش رهبری انقلاب اسلامی در حفظ تمامیت ارضی ایران» درنگاهی تطبیقی به تاریخ معاصر، به نقش رهبری سیاسی در نحوه اثرگذاری بر شکست‌ها و پیروزی‌های سیاسی می‌پردازد. نویسنده در این مقاله با مقایسه رهبری سیاسی ایران در جنگ‌هایی که در تاریخ معاصر ایران به وقوع پیوست نظیر جنگ ایران و روس و جنگ ایران و عراق، دلیل شکست ایران در جنگ با روس‌ها و کسب نتیجه‌ای مطلوب در جنگ با عراق را در رهبری سیاسی می‌داند.

مسعود جعفری نژاد و غلامحسین زارع در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش سنت‌های الهی در تداوم انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، آینده و تداوم انقلاب اسلامی را از منظر و نگاه آیت الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده در این مقاله می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که آیا انقلاب ایران به تعبیر برینتن مور دچار ترمیم‌دور خواهد شد یا خیر؟ به باور نویسنده وقوع آن محتمل می‌باشد اما از طریق سنن الهی و عمل صحیح می‌توان از آن جلوگیری نمود.

محمد باقر باباهادی و رضا فیضی در مقاله‌ای تحت عنوان، «مؤلفه‌های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله العالی)»، به چستی و چرایی مانائی انقلاب اسلامی ایران در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای می‌پردازند. بر مبنای پژوهش نویسندگان، چهار مضمون سازمان دهنده اصلی، که عبارتند از «اسلام، رهبری، کارآمدی و مردم» به عنوان مضامین اصلی در ماندگاری انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی و فکری ایشان محسوب می‌شود.

غلامرضا خواجه سروی و وحیده احمدی در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر دستگاه معرفتی نیروهای اجتماعی بر مانایی انقلاب اسلامی ایران» به بررسی دلایل تداوم و مانائی انقلاب با استفاده از دستگاه معرفتی نیروهای اجتماعی که در انقلاب اسلامی ایران فعال هستند، می‌پردازد. از دیدگاه نویسندگان شمولیت انقلاب ایران که در برگیرنده مؤلفه‌هایی نظیر «گفتمان رهبری»، «دین» و «رضایت مردم» می‌باشد از عوامل اصلی حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

محوریت اصلی اکثریت تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته است پردازش و تحلیل انقلاب اسلامی ایران و نیز الگوی تصمیم‌گیری در دستگاه فکری رهبران انقلاب اسلامی ایران می‌باشد و کم‌تر پژوهشی به بررسی تأثیر این الگوی تصمیم‌گیری بر حفظ و تداوم انقلاب اسلامی پرداخته است. خلائی که نوشتار حاضر می‌کوشد آن را پر نماید.

۲- چارچوب نظری

نظریه‌های گوناگونی درباره نقش رهبری در رشته‌های مختلفی من جمله علوم سیاسی مطرح شده است که در این مورد می‌توان به تئوری «رهبری اثربخش»^۱، تئوری «رهبری کاریزماتیک»^۲، «تئوری ابرمرد»^۳ و نظایر آن اشاره نمود. در بین نظریه‌های مطرح در حوزه رهبری سیاسی، نظریه «تصمیم‌گیری حکیمانه» قابلیت تبیین‌گری مناسب‌تری در ارتباط با پژوهش حاضر دارد. این بدین خاطر است که این نظریه با ویژگی‌های رهبری و بافت و ساخت قدرت در ایران بعد از انقلاب اسلامی پیوند تنگاتنگی دارد.

۲-۱ نظریه تصمیم‌گیری حکیمانه

در مورد موضوع تصمیم و تصمیم‌گیری «پرواضح است که اخذتصمیمات و به ویژه اتخاذ مجموعه‌ای از تصمیمات، بخش مهم و اساسی فرآیند سیاسی محسوب می‌شود. اگرچه سیاست‌گذاری مرتبط با موضوع ابتکار و اجرا می‌باشد اما، تصمیم‌گیری^۴ و رسیدن به نتایج مطلوب رامشخصه اصلی سیاست می‌دانند. (هیوود، ۱۳۸۹: ۵۷۱) سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری یک فرآیند مستمر و اکتشافی می‌باشد که بازیگران سیاسی براساس شرایط و وضعیت سیاسی ناگزیرند، برمبنای آن عمل نمایند.

فرآیند تصمیم‌گیری، متأثر از درک و شناخت مدیر از موضوع تصمیم و نیز شناخت از شرایط محیطی است. از سوی دیگر مدیران در خلاء تصمیم نمی‌گیرند، بلکه عوامل مختلفی سبک و شیوه تصمیم‌گیری آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهم‌ترین آنها ارزش‌ها و اعتقادات تصمیم‌گیرنده می‌باشند. از اینرو برای شناخت و تجزیه و تحلیل تصمیمات راهبردی، هردو باید مورد توجه قرار گیرد. تصمیمات حلقه اتصال منویات افراد با دنیای عمل هستند و عمل آدمی نشأت گرفته از نحوه نگرش وی و نگرش نیز حاصل ارزش‌ها و باورهای او می‌باشد. اساسی‌ترین عاملی که بر تصمیمات فرد اثر می‌گذارد، باورهای وی و سپس شرایط محیطی مسئله و موضوع مورد بررسی است.

تصمیم‌گیری حکیمانه، فرآیندی است در چارچوب جهان بینی توحیدی (مفروضات اساسی

¹ Effective Leadership

² Charismatic leadership theory

³ superman theory

⁴ Decision Making

یا متاتئوری اسلامی) و مفروضات منبعث از آن، که در آن تصمیم گیرنده برای تدبیر امور فردی و اجتماعی خویش، با بهره گیری از دانش و هنر مدیریت، همواره با اصول و مبانی اعتقادی مدرن خویش است. او از این اصول به عنوان تعیین کننده سمت و سوی آرمانی (حقیقت گرایی) و تنظیم کننده تدابیر و مواضع تصمیم گیرنده از یک سو و در نظر گرفتن شرایط حاکم بر موضوع (شناخت عوامل داخلی و محیطی) به عنوان پایه واقع گرایی از سوی دیگر، تصمیمات و تدابیر خود را اتخاذ می کند. در این فرآیند هراندازه درک از اصول و مبانی و پایبندی و التزام به آن عمیق تر و شناخت از شرایط و مقتضیات موضوع به واقعیت نزدیک تر و آشنائی و مهارت بهره گیری از علوم و فنون مدیریت ناظر بر عوالم وجودی انسان و هستی افزون تر باشد؛ تصمیمات و تدابیر حکیمانه تر، کم هزینه تر و آثار و برکات آن ماندگارتر و بهره ورت تر خواهد بود. (باقریان و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۲)

نظریه تصمیم گیری حکیمانه متشکل از دو بعد اصلی «کیفیت شناخت از موضوع» و «کیفیت اصول و مبانی» و حاوی چهار نوع تصمیم می باشد که عبارتند از:

۱- تصمیمات حکیمانه؛

۲- تصمیمات تکلیف گرایانه؛

۳- تصمیمات خردگرایانه؛

۴- تصمیمات مصلحت گرایانه.

این نظریه برخلاف نظریه های دیگر که بر پایه «عقلانیت ابزاری^۱» شکل گرفته اند، تلفیقی از عقلانیت ابزاری و ارزشی است. به همین دلیل است که این تئوری در عین آرمان گرایی و ارزش گرایی، واقع گرایی را از یاد نبرده است. در این نظریه دو مورد حق گرایی و واقع گرایی مبنائی برای تحلیل تصمیمات اخذ شده به حساب می آید. بنابراین در این نظریه برای اخذ هرگونه تصمیم، دو مورد اصول و مبانی اعتقادی و شناخت از موضوع مبنای تعیین نوع تصمیمات می باشد. این نظریه دارای چهار رکن اساسی می باشد که عبارت است از:

۱- تصمیم گیرنده: تصمیم گیرنده فرد یا نظام اجتماعی است که با تکیه بر اصول و مبانی

ارزشی بدون خویش و شناخت از موضوع طبق فرآیند تصمیم گیری تعریف شده، تدابیر و تصمیمات خود را اتخاذ می کند؛

۲- اصول و مبانی: اصول و مبانی، چارچوب ارزش شکل دهنده محتوا و ساختار هویت بخش کلیه ارکان تصمیم گیری است؛

۳- شناخت موضوع: شناخت موضوع، علم و اطلاع سازمان یافته از آثار، علل و زمینه های رشد و پایداری و تباهی یک نظام (فردی یا اجتماعی) در محیط خود است

¹ Instrumental Rationality

که پایهٔ واقع‌گرائی و تصمیمات و تدابیر متخذه است.

۴- **فرآیند تصمیم‌گیری حکیمانه:** که شامل تبیین اصول و مبانی، تحقیق و شناخت موضوع، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، تمهید اجرا و ایجاد عزم، تحقق تصمیم و ارزیابی، تصحیح امکان است. (تسلیمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۱) فرآیند مذکور قابلیت خود اصلاح داشته و به صورت چرخهٔ تصمیم‌گیری عمل می‌کند و با تکرار تصمیمات مشابه چرخهٔ مذکور در نظام تصمیم‌گیرنده، نهادینه می‌شود.

نظریهٔ تصمیم‌گیری حکیمانه در سطح نهادی نیز، همچون نهادگرایی شناختی، متضمن تأثیرگذاری باورها و اعتقادات و احکام نهادینه شده در نهادها، سازمان‌ها و دیوان‌سالاری سیاست خارجی بردرک، تلقی و بیان موضوعات و مسائل توسط تصمیم‌گیرندگان است (رفیع پور، ۱۳۸۲: ۱۹۲) این نظریه مخالف محافظه‌کاری می‌باشد چرا که آن را مدافع وضع موجود می‌داند در حالی که محاسبات عقلانی می‌تواند تحولات عظیمی را در پی داشته باشد.



شکل ۱- الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه

۳- روش پژوهش

روش پژوهش این پژوهش از نوع کیفی و از نظر ماهیت مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری منابع نیز، به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. محققین با استفاده از این روش می‌کوشند، با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی «تصمیم‌گیری حکیمانه»، تأثیر این نوع از تصمیم‌گیری را بر حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهند.

۴- نقش رهبری امام خمینی در تثبیت و تداوم انقلاب

۱-۴ تصمیم حکیمانه

تصمیمات حکیمانه امام در همان رویکرد آرمانگرایی واقع بینانه قابل تبیین است. در واقع آرمانگرایی واقع بینانه، آرمانگ رائی توام با موقعیت شناسی است و تصمیمات با این ویژگی، تصمیمات حکیمانه محسوب می شود. تصمیمات راهبردی امام بین سالهای ۱۳۶۸-۱۳۵۷ در چارچوب ویژگی های تصمیم گیری حکیمانه بوده و دارای دو مولفه آرمانگرایی و واقع گرایی می باشد. رویکرد امام در این تصمیمات راهبردی نه آرمان گرایی صرف و نه واقع بینی محض بوده است بلکه ترکیب و تلفیقی از دو ویژگی آرمان گرایی و واقع بینی بود که دو پایه اصلی تصمیم گیری حکیمانه را تشکیل می دهد. (فروتی، ۱۳۹۸: ۱۳۴)

در واقع تصمیمات امام براساس مبانی فقه سیاسی شیعه که دارای پتانسیل بالا برای ایجاد ارتباط بین آرمان ها و واقعیت هاست، اتخاذ شده است. امام به عنوان ولی فقیه و مجتهد جامع الشرایط، در سیره عملی و سیاسی خود، تلفیق از آرمان گرایی و واقع بینی را به کار برد. امام امت در همه حوزه ها، هم از اصول و آرمان های اصیل انقلابی کوتاه نیامدند و هم این آرمان ها را با توجه و شناخت دقیق واقعیت های عینی، به صورت عقلانی پیگیری کردند. تصمیم امام برای ادامه جنگ، ۵۹۸، عزل آیت الله منتظری، تسخیر لانه جاسوسی، عزیمت امام از فرانسه به ایران، نمونه هایی از تصمیمات حکیمانه امام راحل بود که نقش به سزایی در شکل گیری، تداوم انقلاب داشته است.

۲-۴ تصمیم تکلیف گرایانه

امام خمینی (ره) با توجه به جامعه و در چارچوب راهبرد تکلیف گرایی، در زمان های مختلف تصمیمات و کنش های متفاوت و به ظاهر متضاد گرفته است. این تفاوت در هر دو حوزه و ساحت اندیشه و عمل سیاسی رخ داده است. در حوزه اندیشه رسیدن از حکومت اسلامی به جمهوری اسلامی، و در ساحت رفتار سیاسی تغییر دیدگاه در مورد قائم مقام رهبری در سال ۱۳۶۸، رئیس دولت موقت (۱۳۵۸) و نخستین رئیس جمهور (۱۳۶۰) نمونه هایی از تصمیمات و کنش های متفاوت امام خمینی است. تصمیم گیری در خصوص قطعنامه ۵۹۸، صدور حکم ارتداد و مرگ سلمان رشدی، قطع رابطه با امریکا و مصر در سیاست خارجی نمونه هایی از تصمیمات و اقدامات تکلیف گرایانه حضرت امام بود.

۳-۴ تصمیم خرد گرایانه

حضرت امام (ره) در تصمیمات سیاسی، علاوه بر کتاب و سنت از عقل بسیار بهره

^۱ به رغم داوطلبی بعضی مسئولان برای پذیرش مسئولیت قطعنامه و پیامدهای منفی آن، ولی امام خمینی (ره) شخصاً پذیرش آن را بر عهده گرفت و در چند جای پیام خود، رضایت الهی و عمل به تکلیف را مطرح می کند از جمله: «... من باز می گویم که قبول این مسأله برای من از زهر کشنده تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم...» و یا می نویسد: «... در شرایط کنونی آنچه موجب این امر شد، تکلیف الهی ام بود...» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۹۲-۹۴)

می‌گرفت. امام با تکیه بر قاعده «کلما حکم به الشرع، حکم بالعقل»، از طریق عقل تحلیلگر، از کتاب و سنت بهره می‌گرفت در برخی از موارد که حکم شرع نرسیده بود، آن را به عنوان یک منبع مستقل مورد استفاده قرار می‌داد. (مبلغ، ۷۳-۶۹: ۱۳۷۹) ایشان با بهره‌گیری از خرد سیاسی، مسائل سیاسی را رصد می‌نمود و به موقع بر حسب آنچه وظیف بود، بدان عمل می‌نمود. امام به دلیل مشاهده وضعیت ایران در دوره پهلوی تصمیم گرفت تا با عقلانیت و درایت وارد مبارزه سیاسی شود و با آگاه نمودن علما و مردم از مسائل کشور آنها را دعوت به اتحاد و مبارزه نماید. ایشان همواره در تصمیمات سیاسی، خردگرایی را دنبال می‌نمود، مهاجرت از تهران به قم و بعد مهاجرت از قم به تهران و ماندن در تهران تا آخر عمر، پذیرش استعفای بازرگان، عزل بنی صدر، اتخاذ تصمیمات از طریق مشورت با دیگران، نمونه‌هایی از تصمیمات خردگرایانه امام در ایران بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد.

۴-۴ تصمیم مصلحت‌گرایانه

امام در حوزه تصمیم‌گیری از مصلحت به مثابه روش استفاده کرده است. از این دیدگاه مصلحت به مثابه توجه به نقش زمان، مکان، الویت بندی امور، تشخیص اهم و مهم و شیوه حل اختلاف مسائل جاری نظام اسلامی خواهد بود. مصلحت روش تصمیم‌گیری برای دستیابی به اهداف کلان و مهم است. این نوع مصلحت، در شرایط غیرمتعارف سیاسی-اجتماعی جامعه اسلامی و تراحم ارزش‌ها، برای حل معضلات نظام به کار می‌رود. (فتوحی، ۱۳۸۷: ۸) امام بر مبنای همین امر یعنی "مصلحت"، مجمع تشخیص مصلحت نظام را بنا می‌نهد. ایشان توانستند با طراحی نظام مصلحت، در کنار پایبندی به فقه سنتی، فقه سیاسی شیعه را از بن بست ناکارآمدی در پاسخ‌گویی به مسائل اجتماعی و سیاسی بیرون آورد. برای نمونه می‌توان به چند مورد از سخنان امام استناد نمود:

«حاکم می‌تواند مسجدی را که در مسیر خیابان است، خراب کند، حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند. حکومت می‌تواند از حج که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف مصالح کشور اسلامی دانست، موقتاً جلوگیری کند. (صحیفه نور، ج ۲۰، ۱۷۱)» «حاکم می‌تواند هر امری را چه عبادی و یا غیر عبادی که خلاف جریان مصالح اسلام است، از آن مادام که چنین است، جلوگیری کند.» (همان ج ۲۰، ۱۷۱-۱۶۱)

براین اساس می‌توان گفت که در نظام تصمیم‌گیری حکیمانه امام خمینی، مصلحت نظام اسلامی بر مصالح جامعه اسلامی، و مصالح جامعه اسلامی بر مصالح فردی مقدم است. امام تقدم مصالح عمومی و اجتماعی بر مصالح شخصی و فردی را تکلیف تمامی قشرها می‌داند و وظیفه حاکم اسلامی را عمل کردن براساس مصالح مسلمانان یا کشور می‌داند.

براساس نظریه تصمیم‌گیری حکیمانه، انتساب بازرگان به عنوان نخست وزیر از سوی امام راحل براساس مصلحت‌گرایی ایشان صورت گرفت. دفاع از اسلامیت نظام، دفاع از گنجاندن

اصل ولایت فقیه در قانون اساسی در ذیل اصل تکلیف گرائی قرار می‌گیرد. خردگرائی امام در دفاع از اقدامات دادگاه‌ها و نهادهای انقلابی هویدا است، چرا که هر انسان انقلابی براساس ارزشیابی‌اش از واقعیات یک جامعه انقلابی، پاکسازی‌های اوایل انقلاب را برای دفع خطر توطئه ضروری می‌داند.

۵ - نقش رهبری مقام معظم رهبری (آیت الله خامنه‌ای) در تحکیم و تداوم انقلاب اسلامی

بعد از رحلت امام راحل، حضرت آیت الله خامنه‌ای از سوی مجلس خبرگان به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران برگزیده شد. ایشان به عنوان شاگرد امام راحل، مکتب و نهضت امام را با بهره‌گیری از روش و منش امام حفظ، تقویت و تداوم بخشیدند. آیت الله خامنه‌ای به مانند حضرت امام توانست در چارچوب نظریهٔ تصمیم‌گیری حکیمانه سکان کشتی انقلاب را در دستان خود گرفته و آن را از طوفان‌های سهمگینی که با آن مواجه شده بود، به خوبی عبور دهد.^۱ بررسی دیدگاه فکری آیت الله خامنه‌ای نشان دهنده وجود یک نوع از الگو در منظومهٔ فکری ایشان می‌باشد که می‌توان آن را الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه نامید. این الگوی فکری در برگیرندهٔ یک نوع جهان بینی توحیدی و توأم با دانش است که مبتنی بر یک نوع خرد آگاهانه و عالمانه و عمیق از شرایط و مقتضیات جامعه و نظام بین الملل می‌باشد.

۵-۱ تصمیمات حکیمانه

تصمیمات حکیمانه فرآیندی مبتنی بر یک نوع جهان بینی توحیدی می‌باشد که بر مبنای آن حاکم اقدام به اتخاذ تصمیم با توجه به شرایط موجود و بر اساس واقع گرائی می‌نماید. این تصمیمات مبتنی بر خیرخواهی و عدالت می‌باشد، عقلانی و منطقی است و با در نظر گرفتن ابعاد و زوایای مختلف، اتخاذ شده است. تاکید ایشان بر ضرورت برخورد حکیمانه با پدیده‌های فرهنگی و لزوم پیوست فرهنگی برای همهٔ موضوعات، عدم تغییر تصمیمات بر اثر اعتراضات و آشوب‌ها علی‌الخصوص در ماجرای افزایش قیمت بنزین، اعتبار بخشی به قانون و ساختار رسمی کشور و علی‌الخصوص در ماجرای آشوب‌های سال ۱۳۸۸ و بعد از آن، تصمیم به ادامهٔ کار تحقیق و توسعه و مخالفت با پذیرش محدودیت‌های بلند مدت در جریان توافق برجام، تصمیم حکیمانه ایران در مذاکرات لغو تحریم‌ها مبتنی بر «تعهد در مقابل تعهد»، تصمیم‌گیری حکیمانهٔ ایشان در مواجهه با بحران کرونا و واکنش‌های خارجی بخشی از تصمیمات حکیمانهٔ ایشان در ایام زعامتشان بر ایران اسلامی بوده است.

۵-۲ تصمیم تکلیف گرایانه

^۱ امام خمینی در مورد آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: برادری آشنا به مسائل فقهی. چون خورشید روشنی می‌بخشد. می‌دانم و در بین دوستان و معتمدان به اسلام و مبانی اسلامی از جمله افراد نادری هستید که چون خورشید، روشنی می‌دهید. من آقای خامنه‌ای را بزرگ کردم. ایشان سرمایه انقلاب هستند. با بودن آقای خامنه‌ای شما خلأ رهبری ندارید.

از دیگر مؤلفه‌های الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه، تصمیمات تکلیف‌گرایانه می‌باشد. این مؤلفه در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، پایبندی بر ارزش‌های دینی اسلام در اخذ تصمیمات برای اداره جامعه می‌باشد. «ما هر جا موفق شدیم ناشی از تبعیت از اسلام بوده، هر جا ناموفق ماندیم ناشی از سرپیچی از اسلام بود. این نهضت و انقلاب، همه اینها مقدمه این است از برای این که اسلام پیاده بشود. ما دنبال این هستیم که اسلام تحقق پیدا بکند، دنبال اسم نیستیم که حالا ما اسم جمهوری اسلامی پیدا کردیم کافی است برای ما. مقصد این است که کشور مایک کشور اسلامی باشد، کشور ما در تحت رهبری قرآن، تحت رهبری پیغمبر اکرم (ص) و سایر اولیاء عظام اداره بشود» (آیت الله خامنه‌ای ۱۳۸۱/۱۰/۱۹) ایشان در چارچوب تصمیمات تکلیف‌گرایانه، توحید را مسیری می‌داند که جامعه اسلامی- ایرانی بر مبنای آن می‌خواهد مسیر رشد و ترقی را طی نماید: «توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم بر اساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راهبندازیم» (آیت الله خامنه‌ای ۱۳۷۹/۹/۱۲) حمایت از مردم فلسطین و محور مقاومت، عملیات وعده صادق، تصمیم‌گیری در زمینه مقوله حجاب و عفاف، حمایت از مستضعفین، جهاد با طاغوت و استعمار، مبارزه با دشمنان اسلام من جمله تصمیمات ایشان می‌باشد که در قالب تصمیمات تکلیف‌گرایانه قابل تبیین می‌باشد.

۵-۳ تصمیم خردگرایانه

دیدگاه آیت الله خامنه‌ای مبنی بر ضرورت تدوین برنامه هائی در زمینه زیرساخت‌های نظام اسلامی و سیاست‌های کلان از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های خردگرایی و طبیعتاً آینده‌نگری در اندیشه سیاسی ایشان محسوب می‌شود. طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نیز مشخص نمودن مسیر تحولات مطلوب ایران در زمینه علم، دانش، پژوهش، اقتصاد، سیاست و معنویت، برای رسیدن به یک تمدن نوین اسلامی از جمله اقداماتی می‌باشد که در چارچوب تصمیمات خردگرایانه رهبر معظم انقلاب، قابل تبیین می‌باشد. مقاوم سازی اقتصادی و ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در برابر تحریم‌های به اصطلاح «فلج‌کننده آمریکا» نمونه دیگری از تصمیمات خردگرایانه ایشان می‌باشد که توانست علی‌رغم فشار حداکثری دشمن و نیز جنگ ترکیبی که اخیراً به راه انداخته بودند کشور را از پیچ دشوار عبور دهد T به نحوی که بانیان و معماران تحریم ایران خود به ناکارآمدی سیاست‌های خود در برابر تدبیر رهبر معظم انقلاب اعتراف نمودند.

۵-۴ تصمیم مصلحت‌گرایانه

تصمیمات مصلحت‌گرایانه آیت الله خامنه‌ای، ادامه رویکرد امام با محور قراردادن «منافع عمومی» در جامعه اسلامی می‌باشد. مصلحت در اندیشه سیاسی ایشان، مرتبط با منافع فردی و شخصی نمی‌باشد بلکه همانطور که بارها به صراحت اعلام نموده بودند، معطوف به حفظ مصالح

نظام اسلامی می‌باشد. «برخی گمان می‌کنند مصلحت در برابر حقیقت قرار دارد، درحالی که مصلحت خود یک حقیقت است همانطور که حقیقت هم به نوعی یک مصلحت می‌باشد. حقیقت و مصلحت از هم جدا نمی‌باشند، بلکه آنچه مذموم می‌باشد مصالح فردی و شخصی می‌باشد» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۴) بنابراین در دیدگاه رهبر انقلاب، این مصالح فردی می‌باشد که امری مذموم می‌باشد، اما مصلحت عمومی و حرکت در مسیر خواسته‌های مردم، از یک نوع خیر اجتماعی برخوردار می‌باشد. در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای مصلحت جمعی از اهمیت به سزائی برخوردار می‌باشد: «در سیاست‌های کلی و در امر عمومی جامعه، معیار دیگری نیز وجود دارد که آن خواست مردم، مصلحت مردم و جهت‌گیری مصلحت مردم می‌باشد. هرکاری، هر حرکتی در جهت مصلحت مردم بود، در جهت خواست مردم مسلمان و آگاه بود، این حق است» (آیت الله خامنه‌ای ۱۳۶۸/۷/۱۲) بنابراین مصلحت در نظام فکری آیت الله خامنه‌ای امری در خدمت منافع جمعی می‌باشد. مخالفت ایشان با لایحه اصلاح مطبوعات در سال ۱۳۷۹ نیز در چارچوب همین تصمیمات مصلحت‌گرایانه قابل فهم می‌باشد که چنین بیان نمودند: «مطبوعات کشور سازنده افکار عمومی و اراده مردمند. اگر دشمنان اسلام و نظام مطبوعات کشور را در دست بگیرند یا در آن نفوذ نمایند، خطر بزرگی امنیت، ایمان و وحدت مردم را تهدید خواهد نمود. قانون کنونی تاحدودی توانست مانع از بروز این آفت شود و تغییر آن به آنچه در کمیسیون مجلس پیش بینی شده است مشروع و به مصلحت کشور نمی‌باشد.» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۵/۱۵) بنابراین آنچه در این نامه و تصمیمات مصلحت‌گرایانه ایشان قابل فهم می‌باشد، تأمین منافع جمعی مردم می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در طول سه قرن گذشته، دنیا نظاره‌گر انقلاب‌های متعددی بوده که از آن جمله می‌توان به انقلاب فرانسه، روسیه، چین، هند و الجزایر اشاره نمود. انقلاب‌هایی که بر مبنای اهداف مشخصی بنا نهاده شدند اما بعد از پیروزی بر اهداف خود وفادار نبودند و خطوط اصلی خود را فراموش نموده و دیر و زود دچار تحول و استحاله گردیدند. انقلاب اسلامی ایران در این زمینه یک استثنا محسوب می‌شود.^۱ انقلابی که نیروهای انقلابی توانستند با شناخت ماهیت آن، از آن

^۱ شهید مطهری که از او به حق به عنوان «مغز متفکر انقلاب اسلامی ایران» یاد می‌شود در رساله غنی و فاخر تحت عنوان «اسب‌های نهضت در صد سال اخیر»، معارضان جمهوری اسلامی را به سه دسته «کافران»، «منافقان» و «مومنان ضعیف‌الایمان» تقسیم می‌کند و موضوع نفوذ و استحاله را در درجه نخست مرتبط با گروه منافقان می‌داند، از دیدگاه شهید مطهری این گروه از معارضان با زیرکی و فریبکاری، خود را به عنوان انقلابی جا می‌زنند و به درون انقلاب نفوذ می‌کنند و بار ریاکاری حتی از انقلابیون نخست شعارهای تندتری سر می‌دهند و اهداف و علائق ضد انقلابی خود را ازین طریق دنبال می‌نمایند و از پشت به انقلاب‌ها خنجر می‌زنند. از دیدگاه ایشان این دسته از افراد به دنبال آن هستند تا حقایق و باطن اسلام را از آن خالی نمایند و آن را به صورت یک انقلاب در آورند که از درون خالی بوده و تنها پوسته آن باقی مانده است، و حتی در ادامه این پوسته نیز باقی نخواهد ماند. از دیدگاه

محافظت و نگه داری نمایند. این روشن بودن ماهیت انقلاب سبب شد که در صورت بروز استحاله و تغییر سیرت، امر بر رهروان این مسیر و نیز نظریه پردازان انقلاب که به بررسی انقلاب ایران و دستاوردهای آن می‌پردازند، مشتبه نگردد.

انقلاب ایران در مقایسه با سایر انقلاب‌های عصر حاضر، یکی از انقلاب‌هایی می‌باشد که توانست به خوبی مسیر آغازین خود را استمرار بخشد. یکی از عوامل مهم این تداوم، نقش رهبری امامین انقلاب می‌باشد که توانستند در بیش از چهار دههٔ اخیر علی‌رغم نوپا بودن و تجربه نداشتن انقلابیون در ادارهٔ کشور، آن را از مسیر سخت و پرپیچ و خم به خوبی عبور دهند، به گونه‌ای که شگفتی و حتی در مواردی تحسین مخالفین خود را نیز برانگیزند. امامین انقلاب به عنوان قوهٔ عاقلهٔ سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در ایران توانستند با بهره‌گیری از یک نوع مدل تصمیم‌گیری تحت عنوان «مدل تصمیم‌گیری حکیمانه»، چلهٔ نخست را با دستاوردهای فراوان به پایان رسانده و ایران اسلامی و نظام سیاسی ایران را وارد چلهٔ دوم انقلاب نمایند. دورانی که با بهره‌گیری از تجربیات و دستاوردهائی که در مرحلهٔ نخست بدست آمد می‌تواند، به مراتب پربارتر و امیدوارانه‌تر باشد.

ماهیت احیاگرانهٔ دینی انقلاب، که حاوی پیام نوین و امید بخش برای ملت‌های مستضعف بود، اما در عین حال تهدیدی برای زیاده‌خواهان و چپاولگرایان نیز بود. به همین دلیل بود که برای مقابله با انقلابی که به تعبیر میشل فوکوی فرانسوی، «روح جهان بی روح» بود، به زعم خود دست به تدابیری برای مهار آن و حتی براندازی و سرنگونی بزنند. بی‌تردید، نقش رهبران انقلاب اسلامی در تصمیم‌گیری سیاسی در دهه‌های اخیر سبب شد تا انقلاب از گزند حرکات و اقدامات نیروهای ضد انقلاب و استکباری مصون از تعرض باقی بماند. اهمیت نقش رهبران و مدل اخذ تصمیمات از سوی آنان سبب شد، تا در این پژوهش بکشیم، با بهره‌گیری از «مدل تصمیم‌گیری حکیمانه»، نحوهٔ تصمیم‌گیری رهبران انقلاب در برابر معضلات و چالش‌هایی که کشور با آن در مرحلهٔ نخست (منظور گام نخست انقلاب) مواجه شد را به صورت عینی و ملموس مورد بررسی قرار دهیم. مدل تصمیم‌گیری رهبران انقلاب و تأثیر آن در تداوم انقلاب اسلامی ایران موید این امر می‌باشد که، «ولایت فقیه» و «تصمیمات حکیمانهٔ نشأت گرفته از آن»، ضامن بقا و پیشرفت ایران برای رسیدن به قله‌های ترقی و توسعه بوده است. این تحقیق این فرصت را در دسترس آیندگان و نیز مسئولین حاضر در نظام سیاسی ایران قرار می‌دهد تا با آشنائی از مدل تصمیم‌گیری امامین انقلاب، از آن برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و عبور از چالش‌ها استفاده نمایند، چرا که ارتقای نظام تصمیم‌گیری در یک جامعه مستلزم هماهنگی همهٔ دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط و ناظر بر این امر می‌باشد.

شهید مطهری اینان تظاهر و ریاکاری می‌نمایند تا از این طریق امکان نفوذ برای آنان فراهم شود و دیگران آنان را غیر خودی و غیر انقلابی ندانند.

منابع

باباهادی، محمد باقر و رضا فیضی، (۱۳۹۷)، "مؤلفه‌های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله العالی)"، نشریه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره یک؛

باقریان، محمد، (۱۳۷۹)، "مفاهیم و چارچوب مدیریت راهبردی با نگرش بومی"، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی؛

بهروزی لک، غلامرضا و رضا کفیلی (۱۴۰۰)، «نقش رهبر در بیداری انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال نهم، شماره نوزده؛

بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار با مردم قم، ۱۹ دی؛

بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار کارگزاران نظام، ۱۲ آذر؛

بیانات آیت الله خامنه‌ای در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی، ۱۴/۱۲/۱۳۷۷؛

بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۲/۷/۱۳۶۸؛

تسلیمی، سعید، صفری حسین و یحی سید دانش (۱۳۸۱)، "بررسی الگوی سه نوع تصمیم‌گیری حضرت امام خمینی ره با استفاده از مدل تصمیم‌گیری حکیمانه - رویکرد فازی"، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال یازدهم، دوره جدید، شماره ۸؛

جعفری نژاد، مسعود و غلامحسین زارع، (۱۳۹۹)، «نقش سنت‌های الهی در تداوم انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۴، شماره

۵۱

خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، "صحیفه امام"، ج ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛

خواجه سروی، غلامرضا و وحیده احمدی، (۱۳۹۳)، «تأثیر دستگاه معرفتی نیروهای اجتماعی بر مانایی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی ایران، دوره سوم، شماره ۱؛

رحیمی، حسن، (۱۳۹۲)، «نقش رهبری انقلاب اسلامی در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران: در نگاهی تطبیقی به تاریخ معاصر»، فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۲؛

رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۲)، «تکنیک‌های خاص تحقیق در رشته علوم اجتماعی»، چاپ اول، تهران انتشارات پیام نور؛

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و مرتضی شریف علی، (۱۳۹۶)، «الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه آیت الله خامنه‌ای»، نشریه رهیافت انقلاب

اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۳۸؛
فروتی، زهرا، (۱۳۹۸)، "تبیین آرمانگرایی و واقع بینی در رهبری امام خمینی: رویکرد پژوهشی" فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هشتم، شماره ۳۰؛
فتحی، یوسف، (۱۳۸۷)، "مناسبات مصلحت و تکلیف در اندیشه سیاسی امام خمینی"، فصلنامه علمی و پژوهشی انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۳؛
مبلغی، احمد، (۱۳۷۹)، "عقلانیت در اندیشه و فقه سیاسی امام خمینی"، مجله حضور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، موسسه چاپ و نشر عروج؛
نامه رهبر انقلاب به مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۹/۵/۱۵؛
هیروه، دیلیپ، (۱۳۹۰)، "طولانی‌ترین جنگ، رویارویی نظامی ایران و عراق" ترجمه علیرضا فرشچی، تهران: نشر مرز و بوم؛
هیوود، اندرو، (۱۳۸۹)، "سیاست"، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی؛



نقش رسانه ملی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

علی جعفری^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف نقش رسانه ملی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی انجام گرفت (هدف). روش پژوهش از نظر دستیابی به هدف از نوع کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی است. جامعه مورد مطالعه شامل خبرگان، اساتید و کارشناسان حوزه علوم ارتباطات و رسانه شهر تهران در سال ۱۴۰۲ بود. حجم نمونه طبق جدول مورگان شامل ۱۵۰ نفر از خبرگان، اساتید و کارشناسان حوزه علوم ارتباطات و رسانه بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند (روش). ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته بود که برگرفته از شاخص‌های کلی سه‌گانه بیانیه گام دوم انقلاب (دستاوردهای جمهوری اسلامی، ثمره‌های راهبردی انقلاب و توصیه‌های ماموریتی انقلاب) بود. داده‌ها پس از جمع‌آوری به وسیله نرم افزار SPSS و از طریق آزمون t-test تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که رسانه ملی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب نقش مطلوبی داشته است (یافته‌ها). نتایج نشان داد رسانه ملی در تحقق دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران ($3/45 \pm 0/904$)، ثمره‌های راهبردی انقلاب ($3/37 \pm 0/889$) و توصیه‌های ماموریتی انقلاب ($3/23 \pm 0/795$)، نقش مطلوب و موثری داشته است. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت حرکت رسانه ملی همسو با اهداف بیانیه گام دوم انقلاب بوده است (نتایج)

کلیدواژه‌ها: رسانه ملی، بیانیه گام دوم انقلاب، دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، ثمره‌های راهبردی انقلاب، توصیه‌های ماموریتی انقلاب

دوره ۱۳، شماره ۱،
پیاپی ۳۱ بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۴/۰۶
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۰۸/۰۶
صص: ۹۷-۱۱۴

شاپا: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی فصلت گوناگونی در
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.1.5.6

۱. استادیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول) alijafari.researcher@gmail.com

مقدمه

رسانه‌ها می‌توانند بر درک عموم و شناخت از جهان تأثیرگذار باشند، به این معنا که آگاهی و ذهنیت مردم نسبت به جهان بستگی به محتوایی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند. رسانه‌ها فراگیرترین و موثرترین نهاد تولید، بازتولید و توزیع دانش و معرفت در مقایسه با سایر نهادهای آگاهی و شناخت در جهان جدید هستند. رسانه‌ها را باید سازنده محیط نمادینی دانست که تأثیر عمده آن‌ها، شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطبان از دنیای اطراف است (رضائی، ۱۳۹۹).

انواع مختلفی از رسانه در اطراف ما وجود دارند که یکی از آنها، رسانه ملی است که عموماً شامل رادیو، تلویزیون، روزنامه، ماهواره می‌باشد. رسانه ملی در شکل‌دهی به تصور و شناخت انسان‌ها از جهان اجتماعی نقش بسزایی داشته و مهم‌ترین مجاری فرهنگ‌سازی و عهده‌دار هدایت کلی فرهنگ جامعه بوده و از عوامل تأثیرگذار در ایجاد دگرگونی‌های فرهنگی می‌باشد. کارکردها و سمت‌وسوی حرکت رسانه ملی تحت تأثیر نظام هنجاری حاکم بر آن‌ها است. در این میان تلویزیون به‌عنوان مهم‌ترین رسانه از همان آغاز پیدایش، یکی از فعال‌ترین نیروهای قرن بیستم بوده است و هم‌اکنون نیز پرنفوذترین پدیده فرهنگی به شمار می‌رود (اسمیت^۱ و پاترسون، ۱۳۸۱). برای بعضی‌ها تلویزیون می‌تواند نقطه آغازی برای تحول فرهنگی باشد، کنجکاوی ایجاد کند و میل به فراتر رفتن را به وجود آورد. تلویزیون سطح فرهنگی برخی از کشورهای اجتماعی را بالا می‌برد؛ یعنی افرادی که بدون استفاده از این وسیله هیچ‌گونه امکان خودآموزی ندارند. برای کشورهای اجتماعی بالاتر تلویزیون می‌تواند یک محرک باشد و به همه مردم هوشیاری‌ها و دانستی‌هایی را عرضه می‌دارد که بدون آن به‌راحتی نمی‌توانستند داشته باشند (کازنو، ۱۳۸۴). اهمیت رسانه ملی در مسئله فرهنگ‌سازی و حفظ ارزش‌ها در یک کشور می‌تواند در معادلات سیاسی، امنیتی، ملی و منطقه‌ای تأثیر بسزایی داشته باشد. نقش رسانه ملی در اتفاقات ارزشی در جامعه می‌تواند نقش برجسته‌ای باشد. بنابراین می‌توان از رسانه‌ها به‌عنوان یکی از مهمترین ابزارهای تأثیرگذار بر ارزش‌های جامعه نام برد، به‌طوری‌که در این زمینه نظریه‌هایی مطرح است. یکی از نظریه‌های مطرح در زمینه تأثیر رسانه بر ارزش‌های جامعه، نظریه‌های هنجاری^۲ است، این نظریه‌ها، نظریه‌هایی هستند که بر اساس شرایط ارزشی و ایدئولوژیک بیان می‌کنند که چگونه یک سیستم رسانه برای تحقق بخشیدن به یک مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی ایده عمل کند (باران و داویس^۳، ۲۰۱۰). بسیاری از نظریه‌های هنجاری ریشه‌های فلسفی، تاریخی و سیاسی دارند. این نظریه‌ها به تبیین بایدها و نبایدهای حاکم بر وسایل ارتباط جمعی در شرایط مختلف پرداخته و دارای ماهیتی تعهدآور و الزام‌آورند (رزاقی،

1. Smith & Paterson.

2. Normative Theory

3. Baran and Davis

۱۳۸۱؛ اوسولیوان و دیگران، ۱۳۸۵). همچنین این نظریه به نظام‌های کنترل و مدیریت رسانه‌ها می‌پردازد که بر محتوای آن‌ها اثر می‌گذارد و این امر به‌نوبه خود اثرات رسانه‌ها را معین و مشخص می‌سازد (مهدی زاده، ۱۳۹۶).

رویدادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جوامع مختلف که برگرفته از یک حرکت ملی عظیم باشد، می‌تواند سریع‌تر خود را در دل رسانه‌ها جای دهند. یکی از اتفاقات بزرگ و حماسی و ملی در برخی جوامع جهانی، انقلاب‌ها^۱ هستند. یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های صورت گرفته در سطح جهان، انقلاب اسلامی ایران می‌باشد که به‌عنوان یکی از رویدادهای تاریخی توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد. در دهه‌های اخیر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده است. بیانیه گام دوم انقلاب، چراغ راه چهل‌ساله دوم انقلاب است و لازم است بر اساس آن، برای بخش‌های مختلف نظام اسلامی، معیارها و شاخص‌های جدیدی برای موفقیت در این گام و تحقق تمدن نوین اسلامی ترسیم شود (عباس‌زاده، ۱۴۰۱).

این بیانیه در بهمن‌ماه ۱۳۹۷ از سوی مقام معظم رهبری در سه بعد مطرح شد که عبارت بود از دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، ثمره‌های راهبردی انقلاب، و توصیه‌های مأموریتی انقلاب. (رکابیان و پورحسن، ۱۳۹۹). این بیانیه پس از صدور از سوی رهبر انقلاب، سریعاً در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های ملی پخش شد.

از آنجایی که رسانه جمعی نقش تعیین‌کننده‌ای در زمینه‌سازی برای حرکت جامعه به سوی اهداف مشخص شده دارد، لازم است با سیاست‌گذاری و تعیین راهبردهای کلان و عملیاتی و تعیین اصول و قواعد عمل رسانه‌ای بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب، زمینه‌های توسعه بیانیه گام دوم انقلاب فراهم شود. بنابراین می‌توان از نقش رسانه به‌عنوان یکی از نقش‌های بسیار مهم و ضروری نام برد که می‌تواند در روند تحقق بیانیه گام دوم انقلاب تأثیرگذار باشند. همچنین با توجه به پیامدهای جهانی شدن و انقلاب ارتباطات و اطلاعات و متعاقب آن گسترش ابزارهای پیشرفته و فراگیر، می‌توان نگرانی مقام معظم رهبری را در خصوص تهدید بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از سوی جهان غرب با عباراتی همچون شیخون فرهنگی، تهاجم فرهنگی و نیز وارونه شدن حقایق و جایگزین شدن تحریف‌ها و دروغ‌ها به‌جای حقایق ملاحظه نمود. لذا سؤال و مسئله اصلی این پژوهش این است که آیا رسانه ملی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب تأثیرگذار است؟ سؤالات فرعی پژوهش عبارتند از:

- رسانه ملی تا چه اندازه در تحقق دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است؟
- رسانه ملی تا چه اندازه در تحقق ثمره‌های راهبردی انقلاب تأثیرگذار بوده است؟

1. Revolution

- رسانه ملی تا چه اندازه در تحقق توصیه‌های مأموریتی انقلاب تأثیرگذار بوده است؟

بیانیه گام دوم انقلاب از دیدگاه رهبری

هر جامعه‌ای برای تثبیت حاکمیت، حفظ استقلال و توسعه کشور به تعیین سیاست‌های کلان در اداره آن جامعه نیاز دارد. طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله نقش‌های اساسی رهبری در انقلاب اسلامی ایران، صدور و ابلاغ سیاست‌های کلان جامعه و تعیین راهبردهای کلی پیشرفت کشور است. یکی از مشهورهای سیاست‌های کلی نظام، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که همزمان با توطئه‌های گسترده رسانه‌ای دشمن و ندیدن چهلمین سال انقلاب خطاب به ملت ایران صادر شده است.

مقام معظم رهبری با صدور این بیانیه کامل و متقن در تاریخ ۲۲ بهمن سال ۱۳۹۷ اهداف و سیاست‌های کلان نظام اسلامی را برای ورود انقلاب اسلامی به چله دوم خود اعلام کردند. ایشان در آن بیانیه مأموریت‌های ویژه‌ای به جوانان سپرده و به گسترش اهداف انقلاب در چهل سال دوم تأکید داشتند که نشان از پایداری مستمر انقلاب بر آرمان‌های اولیه‌اش هست.

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که بحران‌های زیادی را گذرانده است؛ لذا از سوی مقام معظم رهبری بیانیه گام دوم انقلاب مطرح شد. این بیانیه در واقع پاسخی است به چگونگی شکر نعمت عظیم انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن. این بیانیه با تبیین متفاوت در عین نوآوری و خلاقیت، با بهره‌مندی از رویکردی تاریخی و مستند و با روایتی زیبا و خوش‌ساخت از اصل انقلاب اسلامی، چالش‌ها بحران‌ها، عبرت‌ها، دستاوردها و ظرفیت‌ها با روندپژوهی سیر به‌سوی تمدن نوین اسلامی و تکیه بر شناخت مزیت‌های کلیدی و الزامات جهش در چله دوم انقلاب ضمن تجویز راهبردهای اساسی، با تصریح به الزامات درونی و حفظ ساحت بیرونی، نویدبخش تحولات عمیق و گسترده‌ای است. این بیانیه از سوی مقام معظم رهبری در سه چارچوب مطرح شد؛

دستاوردهای جمهوری اسلامی؟

هفت دستاورد کلان جمهوری اسلامی که عبارتند از:

- برای همه‌چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است. چون ویژگی‌هایی مثل، آزادی، اخلاق معنویت، عدالت، استقلال، عزت و عقلانیت در فطرت بشر است.
- به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد ولی از ارزش‌هایش فاصله نمی‌گیرد.
- انعطاف‌پذیر و آماده تصحیح خطاهای خویش است. اما تجدیدنظر‌پذیر و اهل انفعال نیست

- پس از نظام سازی به رکود و خموشی دچار نشده است. در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست.
- به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. مرتکب افراط‌ها و چپ روی‌هایی که مایه ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است، نشده است.
- این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد. در هیچ معرکه‌ای گلوله اول را شلیک نکرده است ولی پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و ضربت متقابل را محکم فرود آورده است.
- از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است و با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان ایستاده است.

هفت ثمره راهبردی؛ ثمرات و نتایج گام اول انقلاب

- ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها.
- موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی، اقتصادی و عمرانی.
- مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبار ستیزی به اوج رسانید.
- بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه شگفت‌آوری ارتقاء داد.
- کفه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد.
- عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. تبدیل شدن به نماد پرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان.

توصیه مأموریتی برای گام دوم (انقلاب)

- ۱- علم و پژوهش
 - ۲- معنویت و اخلاق
 - ۳- اقتصاد
 - ۴- عدالت و مبارزه با فساد
 - ۵- استقلال و آزادی
 - ۶- عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن
 - ۷- سبک زندگی.
- گام دوم انقلاب بیانیه‌ای است که از سوی مقام معظم رهبری به مناسبت چهلمین سالگرد

پیروزی انقلاب در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر گردیده است و در آن برای استمرار راه انقلاب به تبیین دستاوردهای چهل سال گذشته می‌پردازد در این بیانیه با هدف جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ توصیه‌هایی ارائه دادند و در این بیانیه معظم له ملت ایران به‌ویژه جوانان را مورد خطاب قرار می‌دهد و به توضیح و روشن کردن مسئله برداشتن گام دوم به‌سوی آرمان‌های انقلاب در ۷ فصل می‌پردازد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷).

الزامات و راهکارهای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

بیانیه گام دوم که نقشه راه انقلاب اسلامی در چند دهه آینده را ترسیم کرده است یک مدل استراتژیک و راهبردی متناسب با مقتضیات زندگی شرایط اقلیمی و فرهنگی جامعه ایرانی به شمار می‌آید که باید قطب نمای تصمیمات اجرایی و قانون‌گذاران کشور باشد و همه اجزا و ارکان نظام سمت‌وسوی سیاست‌گذاری‌های خود را با آن تطبیق دهند. این بیانیه که از خمیرمایه فرهنگی آمیخته با ارزش‌های دینی و ملی برخوردار است، چنان وزن و جایگاهی دارد که می‌توان گفت اگر رویکردها و سیاست‌های خرد و کلان کشور ذیل آن تعریف نشوند و نسبتی با آن نداشته باشند، فاقد جاهت و تأثیرگذاری مطلوب آرمان‌های نظام خواهند بود و بیانیه‌ای مسکوت خواهد ماند؛ درحالی‌که بیانیه، هندسه انقلاب را برای آینده ترسیم کرده است که فرمانده آن را اعلام کرده است و لازم هست در میدان عمل زیردستان آن را عملیاتی کنند. بر این اساس بیانیه گام دوم انقلاب برای تحقق پیدا کردن نیاز به الزامات و راهکارهایی دارد که اگر این راهکارها، اجرایی و محقق شود انقلاب اسلامی به هدف خود که رسیدن به ایرانی متمدن و مقتدر و مرحله نهایی جامعه بین‌الملل اسلامی می‌رسد.

الزامات اجرایی بیانیه گام دوم انقلاب

الزامات بیانیه گام دوم انقلاب را در پنج حوزه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، روش‌شناسی و غایت‌شناسی می‌توان تحلیل کرد.

راهکارهای اجرایی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

راهکارهای اجرایی بیانیه بسیار زیادند. هرمدیر و کارگزاری و همچنین آحاد جامعه در برابر بیانیه مسئولند؛ ایران قوی مقتدر و با صلابت نیاز به احساس مسئولیت همه دارد. بر این اساس بیانیه باید اجرایی شود و مهم‌ترین راهکارهای اجرایی آن عبارت‌اند از:

- سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور
- مدیریت جهادی و انقلابی
- اعتقاد به ما می‌توانیم
- جوان‌گرایی مدیریت
- نهادینه سازی بیانیه
- اجرای عدالت

به نظر، مهم‌ترین راهکار اجرایی بیانیه گام دوم این است که بیانیه نهادینه شود؛ یعنی اینکه با جلسات فرمی و برنامه‌های فرمی نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. باید طرح ریزی کرد و طرح‌ها را عملیاتی کرد؛ در اینکه گام دوم یک انقلاب است شکی نیست، ولی تفکر غالب آن است که با آن به شکل یک رفرم عمل می‌شود. درحالی‌که در انقلاب ابتدا باید وضعیت فعلی را مشخص کرد و وضعیت مطلوب را نیز مشخص کرد. گام بعدی کشیدن یک نقشه راه برای رسیدن به مطلوب و گام بعد راهبردها و راهکارهای رسیدن به این جایگاه و وضعیت مطلوب است که این‌ها را رهبر حکیم انقلاب به تصویر کشید و باید مسئولان اجرایی و با خواست آحاد جامعه عملیاتی شود. اما چگونه؟

اولاً: بیانیه باید به صورت قانون درآید.

ثانیاً: در جامعه و ادارات نهادینه شود.

ثالثاً: محاسن آن و آینده و چشم انداز آن بیان شود.

در این بین الگوهای بسیاری در جامعه وجود دارند که می‌توانند روی تفکر و آثار بیانیه مؤثر باشد،

شخصیت‌ها، رسانه، مدارس دانشگاه‌ها و مراکز علمی پژوهشی ابزاری برای ارتقای جامعه هستند و در عین حال باید مراقب بود که آسیب‌زا نباشند. در زمینه علم که بند اول بیانیه است که به‌عنوان قدرت هرملتی است باید پژوهشگاه‌هایی متناسب با علوم مختلف تأسیس شود و از آن‌ها خواسته شود که راهبرد علمی کشور در این سال باید این‌گونه باشد و ... در زمینه اقتصادی که قدرت هرملتی است، اقتصاد مقاومتی را باید اجرایی کرد. راهکارهای اجرایی اقتصاد مقاومتی را باید مسئولان عملی کنند.

پیشینه پژوهش

عباس زاده (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان مولفه‌های رسانه تمدن‌ساز بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب، به این نتیجه رسید که چهل مؤلفه هنجاری برای رسانه تمدن‌ساز وجود دارد. مؤلفه‌های هنجاری که بیشتر مورد تأکید قرار گرفته بود شامل؛ توحید محوری و ایمان عمیق، امیدبخشی نسبت به آینده، جوان‌گرایی و امید به جوانان در ایجاد تحولات پیش‌رو، علم‌گرایی و پژوهش محوری، تقویت معنویت و اخلاق، ترویج شکوفایی و پیشرفت اقتصادی، گفتمان‌سازی عدالت‌خواهی، نظارت‌گری و فسادستیزی، تقویت عزت ملی، استقلال و آزادی، ترویج مجاهدت در همه عرصه‌ها و ترویج سبک زندگی اسلامی است. برای تحقق این مؤلفه‌ها در رسانه‌ها و به خصوص رسانه ملی، لازم است سند تحول رسانه ملی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب تدوین شده و برنامه ریزی‌های لازم بر اساس آن صورت گیرد.

بهروزی لک و کفیلی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان نقش و جایگاه آموزه‌های مهدویت در

تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر آموزه عدالت) به این نتیجه رسیدند که در مرحله اول نقش آموزه‌های مهدوی در تحقق چله نخست انقلاب اسلامی و در مرحله دوم چگونگی ایجاد آمادگی برای طلوع خورشید ولایت (عج) بر اساس بیانیه گام دوم تبیین شده است. در مرحله سوم با در نظر گرفتن وضعیت آموزه عدالت مهدوی در جامعه فعلی و تصور آن در جامعه موعود (بر طبق احادیث و روایات وارد شده)، نحوه نزدیک شدن جامعه فعلی به آن جامعه از طریق تبیین نقش الگوی آموزه عدالت مهدوی در خودسازی، جامعه سازی و تمدن سازی بیان شده است.

دارابی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان گام دوم انقلاب اسلامی، تهاجم نرم و سواد رسانه‌ای به این نتیجه رسید که با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری توجه به سیاست گذاری رسانه‌ای مبتنی بر بصیرت و مهارت انتقادی به‌عنوان یکی از بخش‌های سواد رسانه‌ای ضمن فراهم ساختن شکست محاصره تبلیغاتی و تهاجم نرم نظام سرمایه داری سلطه جو، تسهیل‌کننده تحقق فصول و اهداف بیانیه گام دوم به‌مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی انقلاب اسلامی خواهد بود.

رضائی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان نقش رسانه‌های جمعی (با تأکید بر تلویزیون) در تحقق فرهنگ ایثار و مقاومت (با استناد به بیانیه گام دوم انقلاب و زندگی شهید سلیمانی) به این نتیجه رسید که رسانه تلوزیون با تأکید مفاهیمی چون بالا بردن ایمان عمومی، بازنمایی محور مقاومت، وحدت گرایی، بازتولید ادبیات ایثار و مقاومت، قداست‌بخشی به فرهنگ ایثار و مقاومت، همدلی و برانگیختن عواطف انسانی و اسطوره سازی از شخصیت‌های ملی و میهنی و به کارگیری آداب و رسوم غنی فرهنگ ایران در فیلم‌ها و برنامه‌های تلوزیونی می‌تواند مؤثر باشد. حق گو و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان بازدارندگی شبکه‌ای بایسته‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی به این نتیجه رسید که با توجه به تغییر ماهیت جنگ‌های آینده؛ توسعه و تولید انبوه جنگ افزارهای کم هزینه و ساده به منظور خنثی نمودن تکنولوژی‌های نوین نیروهای آمریکایی و آموزش نیروها با الگوی موفق حزب الله بدون شک توان بازدارندگی ایران را در شبکه منطقه آشوبی آسیای غربی ارتقاء داد. موضوعی بسیار مهمی که به‌ویژه باید برای تحقق اهداف مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که برخاسته از سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط خارجی است مورد توجه سیاستگذاران قرار گیرد.

سبزه کار (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان نقش رسانه در تحقق منویات رهبری در بیانیه گام دوم به این نتیجه رسید که برای محقق ساختن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی باید از منظر و بستر رسانه‌ها استفاده کنیم. رسانه‌ها باید چشم و گوش مردم باشند و مسائل را به خوبی متوجه شوند و به خوبی تبیین و اطلاع رسانی کنند، ضمن اینکه مشارکت مردم را برای تحقق بیانیه گام دوم

فراهم سازند. مخصوصاً جوانان که مخاطبان اصلی این رسانه‌ها هستند باید از این ظرفیت به خوبی استفاده کنند تا هر چه سریع‌تر به تحقق بیانیه گام دوم کمک کنند.

رکابیان و پورحسن (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان الزامات و راهکارهای اجرایی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری) به این نتیجه رسیدند که اجرای بیانیه گام دوم انقلاب نیاز به الزامات و راهکارهایی دارد. اما الزامات اجرایی بیانیه در چند حوزه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، غایت‌شناسی و انسان‌شناسی می‌باشد و راهکارهای اجرایی بیانیه عبارتند از: سلامت اعتقادی، مدیریت جهادی، نهادسازی بیانیه، اجرای عدالت، جوان‌گرایی و اعتماد به خود.

رنجبر (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان سیاست‌های تبلیغی و رسانه‌های دشمن مبتنی بر بیانیه گام دوم و نقش آن در بحران سازی به این نتیجه رسید که روش‌های سخت از جمله جنگ و یا کودتا به دلایل مختلفی مانند هزینه‌های سنگین، تغییر افکار و نگرش جوامع بین‌المللی و... در خصوص نظام جمهوری اسلامی ایران، کارکردهای خود را از دست داده و استکبار جهانی به این نتیجه رسیده که برای به زانو در آوردن این انقلاب می‌بایستی جنگ نرم و تبلیغات رسانه‌ای را جایگزین روش‌های جنگ سخت نماید؛ بنابراین فنون تبلیغات رسانه‌ای در مرحله اول موجب تغیر افکار، در مرحله دوم موجب تغییر گفتار و در نهایت به تغییر رفتار می‌انجامد که ضروری است حکومت‌ها به پیامدهای آن آگاهی داشته تا در آینده از غافلگیری‌های امنیتی در امان باشند. مقتدایی و زیبا کلام (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان نقش ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته در ایجاد شکاف نسل‌ها در ایران با نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب به این نتیجه رسیدند که انقلاب ارتباطات و اطلاعات و متعاقب آن ظهور ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و سریع مانند اینترنت، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق کاهش نقش نهادهایی مانند خانواده و مدرسه، در امر جامعه‌پذیری اختلال وارد نموده و انتقال ارزش‌ها، آموزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را از نسلی به نسل دیگر با چالش روبرو می‌کنند. نتیجه تحقیق بیانگر تأثیر ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و سریع در ایجاد شکاف بین نسلی در ایران می‌باشد.

با توجه به اینکه بیانیه گام دوم انقلاب مختص به کشور ایران می‌باشد. لذا بررسی تحقیقات علمی خارجی در این زمینه پیشینه‌ای با این عنوان را نشان نمی‌دهد. اما در زمینه نقش رسانه بر رویکردهایی نظیر ارزش‌های اجتماعی پژوهش‌هایی در خارج صورت گرفته که در ذیل برخی از آن‌ها بیان شده است.

گووچن (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان تعامل سیاسی در رسانه‌های اجتماعی چگونه بر رفاه روانی تأثیر می‌گذارد؟ به این نتیجه رسید که مشارکت سیاسی از طریق پیوند سرمایه و حمایت اجتماعی ادراک شده، رفاه روانی را افزایش می‌دهد. مشارکت سیاسی همچنین با کمک سرمایه و حمایت اجتماعی ادراک شده، رفاه روانی را افزایش می‌دهد.

هواپانگ^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان شناسایی ارتباط بین ارزش‌های درک شده، نگرش، رضایت و مشارکت کاربران رسانه‌های اجتماعی موبایل: نقش تعدیل‌کننده عوامل عاطفی، به این نتیجه رسیدند که ارزش‌های لذت‌گرا و فایده‌گرایانه بر نگرش‌ها و رضایت تأثیر می‌گذارند. رضایت تأثیر بسزایی در تعامل تبلیغات شفاهی الکترونیکی دارد و نگرش بر تعامل تبلیغات الکترونیکی شفاهی تأثیری ندارد. ارزش سودمند از طریق رضایت در تعامل تبلیغات الکترونیکی شفاهی تأثیر غیرمستقیم دارد.

هووی و سنتیا^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان قدرت رسانه‌ها در شکل‌دهی نگرش‌های سیاسی به این نتیجه رسیدند هنگام بررسی رابطه بین رسانه‌ها و نگرش‌های سیاسی، علیت یکی از ملاحظات مهم است. متغیرهای تعدیل‌کننده و میانجی اغلب قدرت این روابط را تعیین می‌کنند. بنابراین تحقیقات آینده باید امکانات رسانه‌های جدید و تعاملات کاربر را در نظر بگیرد. با مرور پیشینه‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که همه پیشینه‌ها از این نظر که متغیرهای مرتبط با موضوع پژوهش حاضر یعنی رسانه و بیانیه گام دوم را مورد بررسی قرار داده‌اند با پژوهش حاضر مشابهت دارند. اما از این نظر که پژوهش حاضر نقش رسانه و به ویژه رسانه ملی را در تحقق اهداف بیانیه مورد بررسی قرار داده است کاملاً متفاوت از تحقیقات پیشینه و لذا دارای نوآوری است؛ به‌ویژه اینکه پژوهش حاضر با روش پیمایشی در میان متخصصان و کارشناسان حوزه رسانه انجام گرفته است.

روش پژوهش

این تحقیق از نظر دستیابی به هدف، از نوع کاربردی و از نظر شیوه گردآوری آوری داده‌ها از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی کارشناسان و خبرگان حوزه علوم ارتباطات و رسانه بود. حجم نمونه شامل ۵۰ نفر از خبرگان، اساتید و کارشناسان حوزه علوم ارتباطات و رسانه بود که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. اعتبار پرسشنامه با توجه به روایی صورتی انجام گرفت یعنی پرسشنامه به وسیله چندین نفر از متخصصان حوزه علوم اجتماعی و ارتباطات مورد تأیید قرار گرفت. به منظور بررسی میزان پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه در این پژوهش در حد ۰/۸۴ محاسبه شد که می‌زام مطلوب و قابل قبولی است.

1. Hua Pang

2. Hoewe& Cynthia

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

بیشترین درصد فراوانی مربوط به افراد متأهل با ۵۴٪ و کمترین درصد فراوانی به افراد مجرد با ۴۶٪ می‌باشد بنابراین می‌توان بیان کرد فراوانی افراد و یا نمونه‌های متأهل شرکت‌کننده در این پژوهش بیشتر از مجردها هستند. بیشترین درصد فراوانی به جنسیت مرد با ۶۴٪ و کمترین درصد فراوانی به جنسیت زن با ۳۶٪ مربوط می‌شود. بیشترین درصد فراوانی به بازه سنی ۶۰-۴۵ سال و کمترین درصد فراوانی به بازه سنی ۴۵-۳۲ سال مربوط می‌شود.

بررسی توصیفی شاخص‌های مربوط به نقش رسانه در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب، نشان می‌دهد از بین ۱۷ متغیر، بیشترین نمره به نقش رسانه در حفظ تمامیت ارضی کشور و همچنین نقش آن در حرکت موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و اقتصادی کشور مربوط می‌شود. کمترین میزان به نقش رسانه ملی در ارتقاء بینش سیاسی آحاد مردم و همچنین نقش رسانه ملی در حفظ عدالت و مبارزه با فساد مربوط می‌شود.

یافته‌های استنباطی

سؤال اصلی: آیا رسانه ملی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب نقش مطلوبی داشته است؟

آمار متغیر

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین
۵۰	۳/۳۴	۰/۷۸۰	۰/۱۱۰

نقش رسانه ملی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب

آزمون t تک متغیره

نمره میانگین شاخص: ۳/۳۴

ضریب t	درجه آزاد	سطح معناداری	تفاوت میانگین	کران پایین	کران بالا	فاصله اطمینان در سطح ۰/۹۵
۴۹	۰/۰۰۳	۰/۳۴۳	۰/۱۲۱	۰/۵۶۵		

نقش رسانه ملی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب

بررسی سؤال اصلی پژوهش نشان می‌دهد نمره میانگین به دست برای نقش رسانه ملی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب در حد ۳/۳۴ می‌باشد. از آنجایی که سطح معناداری به دست آمده در حد کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین نمره میانگین کسب شده و نمره شاخص، از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد. مشاهده می‌شود مقدار نمره کسب شده برای نقش رسانه در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب، در حد ۳/۳۴ می‌باشد و مقدار نمره شاخص در حد ۳ می‌باشد از طرفی ضریب T بالای ۱/۹۶ به دست آمده است. بنابراین می‌توان بیان کرد رسانه ملی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب نقش داشته است و این میزان نقش از حد متوسط بیشتر بوده است.

یافته‌های فرعی سؤالات فرعی

۱ - رسانه ملی تا چه اندازه در تحقق دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، تأثیرگذار بود

است؟

آمار متغیر

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین
۵۰	۳/۴۵	۰/۹۰۴	۰/۱۲۷

نقش رسانه ملی در تحقق دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران

آزمون t تک متغیره

نمره میانگین شاخص: ۳/۳۴

ضریب t	درجه آزاد	سطح معناداری	تفاوت میانگین	کران پایین	کران بالا	فاصله اطمینان در سطح ۰/۹۵
۳/۵۶	۴۹	۰/۰۰۱	۰/۴۵۶	۰/۱۹۹	۰/۷۱۳	

نقش رسانه ملی در تحقق دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران

بررسی سؤال اول پژوهش نشان می‌دهد نمره میانگین به دست برای نقش رسانه ملی در تحقق دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در حد ۳/۴۵ می‌باشد. از آنجایی که سطح معناداری به دست آمده در حد کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین نمره میانگین کسب شده و نمره شاخص، از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد. مشاهده می‌شود مقدار نمره کسب شده برای نقش رسانه در تحقق دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، در حد ۳/۴۵ می‌باشد و مقدار نمره شاخص در حد ۳ می‌باشد از طرفی ضریب T بالای ۱/۹۶ به دست آمده است. بنابراین می‌توان بیان کرد رسانه ملی در تحقق دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران نقش داشته است.

۲ - رسانه ملی تا چه اندازه در تحقق ثمره‌های راهبردی انقلاب تأثیرگذار بوده است؟

آمار متغیر

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین
۵۰	۳/۳۷	۰/۸۹۹	۰/۱۲۷

نقش رسانه ملی در تحقق ثمره‌های راهبردی انقلاب

آزمون t تک متغیره

نمره میانگین شاخص: ۳/۳۴

ضریب t	درجه آزاد	سطح معناداری	تفاوت میانگین	کران پایین	کران بالا	فاصله اطمینان در سطح ۰/۹۵
۲/۹۰	۴۹	۰/۰۰۵	۰/۳۷۰	۰/۱۱۴	۰/۶۲۵	

نقش رسانه ملی در تحقق ثمره‌های راهبردی انقلاب

بررسی سؤال دوم پژوهش نشان می‌دهد نمره میانگین به دست برای نقش رسانه ملی در ثمره‌های راهبردی انقلاب در حد ۳/۳۷ می‌باشد. از آنجایی که سطح معناداری به دست آمده در حد کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین نمره میانگین کسب شده و نمره شاخص، از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد. مشاهده می‌شود مقدار نمره کسب شده برای نقش رسانه در تحقق ثمره‌های راهبردی انقلاب، در حد ۳/۳۷ می‌باشد و مقدار نمره شاخص در حد ۳ می‌باشد از طرفی ضریب T بالای ۱/۹۶ به دست آمده است. بنابراین می‌توان بیان کرد رسانه ملی در تحقق ثمره‌های راهبردی انقلاب نقش داشته است.

۳- رسانه ملی تا چه اندازه در تحقق توصیه‌های مأموریتی انقلاب تأثیرگذار بوده است؟

آمار متغیر

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین
۵۰	۳/۲۳	۰/۷۵۹	۰/۱۰۷

نقش رسانه ملی در تحقق توصیه‌های مأموریتی

آزمون t تک متغیره

نمره میانگین شاخص: ۳/۳۴

ضریب t	درجه آزاد	سطح معناداری	تفاوت میانگین	کران پایین	کران بالا	فاصله اطمینان در سطح ۰/۹۵
۲/۱۵	۴۹	۰/۰۳۶	۰/۲۳۱	۰/۰۱۵	۰/۴۴۷	

نقش رسانه ملی در تحقق توصیه‌های مأموریتی

بررسی سؤال سوم پژوهش نشان می‌دهد نمره میانگین به دست برای نقش رسانه ملی تحقق توصیه‌های مأموریتی در حد ۳/۲۳ می‌باشد. از آنجایی که سطح معناداری به دست آمده در حد کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بین نمره میانگین کسب شده و نمره شاخص، از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد. مشاهده می‌شود مقدار نمره کسب شده برای نقش رسانه در تحقق توصیه‌های مأموریتی، در حد ۳/۲۳ می‌باشد و مقدار نمره شاخص در حد ۳ می‌باشد از طرفی ضریب T بالای ۱/۹۶ به دست آمده است. بنابراین می‌توان بیان کرد رسانه ملی در تحقق توصیه‌های مأموریتی نقش موثری داشته است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از تحلیل سؤال اصلی پژوهش نشان داد نمره میانگین کسب شده برای نقش رسانه در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب، بیشتر از حد متوسط بوده است. بنابراین می‌توان بیان کرد رسانه ملی در راستای محقق شدن بیانیه گام دوم انقلاب نقش موثری داشته است و در این زمینه فعالیت مطلوب و شایسته‌ای را از خود نشان داده است. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات رنجبر (۱۳۹۸)، مقتدایی و زیبا کلام (۱۳۹۸)، رکابیان و پورحسن (۱۳۹۹)، سبزه کار (۱۳۹۹)، حق‌گو و همکاران (۱۳۹۹)، رضائی (۱۳۹۹)، دارابی

(۱۴۰۰) و عباسزاده (۱۴۰۱) همسو می‌باشد. می‌توان نتیجه‌گرفت در راستای بیانیه‌های مقام معظم رهبری و تاکید ایشان بر حرکت مستمر جامعه در راستای پوشش دهی به اهداف انقلاب اسلامی، رسانه ملی حرکت مثبت و موثری داشته است. رسانه ملی، هویت ملی کشور را برای تمامی جهان مخبره می‌کند. بنابراین رسانه ملی می‌تواند یکی از اصلی‌ترین ابزارها در این زمینه باشد. جهت‌گیری رسانه‌های جمعی در ابعاد مختلف فعالیت‌های رسانه‌ای، متأثر از نظام هنجاری حاکم بر آن است؛ از این رو برای تحقق تمدن نوین اسلامی لازم است قواعدی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب برای رسانه‌های جمعی ارائه شود تا با عمل رسانه‌های جمعی بر اساس آن، زمینه تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم گردد رسانه‌ها نیز مکلف هستند در این مسیر حرکت نمایند. رسانه‌های جمعی در گام دوم انقلاب هم باید تلاش مجاهدانه ای برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم داشته باشند و هم برای ایجاد روحیه تلاش و مجاهدت در بین اقشار مختلف مردم تلاش کنند. رسانه باید عرصه‌های مختلفی را که نیاز به مجاهدت در آنها بیشتر است به مخاطبین خود ارائه نماید تا زمینه حرکت جوانان در آن عرصه‌ها را فراهم کرده و راهکارهای ایجاد شور و نشاط و کار و تلاش گسترده را در بخش‌های مختلف فراهم نماید.

نتایج به دست آمده از تحلیل سؤال اول نشان داد نمره میانگین به دست آمده برای نقش رسانه‌های ملی در تحقق دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، در حد بالاتر از متوسط بوده است یافته‌های این سؤال با نتایج تحقیقات رنجبر (۱۳۹۸)، مقتدایی و زیبا کلام (۱۳۹۸)، رکابیان و پورحسن (۱۳۹۹)، سبزه‌کار (۱۳۹۹)، حق‌گو و همکاران (۱۳۹۹)، رضائی (۱۳۹۹)، دارابی (۱۴۰۰) و عباسزاده (۱۴۰۱) همسو می‌باشد. با توجه به این یافته می‌توان نتیجه گرفت، دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران که یکی از ابعاد بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌باشد به منظور به سرانجام رساندن اهداف و برنامه‌های خود، از مسیر رسانه خود را بهتر به جامعه جهانی معرفی کرده‌اند. مهم‌ترین دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که شامل دستاوردهای دانش و فناوری، استقلال و آزادی، مبارزه با بی عدالتی، و ... بوده است؛ در این زمینه رسانه ملی در ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی و از طریق ساخت فیلم و سریال‌های متعدد و مستند سازی و ارائه اخبار و رویدادهای تاریخی در این زمینه، به نقش بی بدیل خود در زمینه تحقق دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، جامعه عمل پوشانیده است. در این زمینه نیز دولت با ارائه بودجه‌هایی در بخش ساخت و فیلم و سریال‌های تاریخی سعی بر آن داشته است تا رسانه ملی و دست اندرکاران بخش فیلم و سریال و مستند و همچنین بخش اخبار در کشور، در این زمینه چابک‌تر باشند و روایت دستاوردهای انقلاب اسلامی بهتر و سریعتر خود را در جامعه نشان دهد.

نتایج به دست آمده از تحلیل سؤال دوم پژوهش نشان داد دستاوردها میانگین نمره به دست آمده برای شاخص‌های موجود در رسانه‌ها مبتنی بر تحقق ثمره‌های راهبردی انقلاب، نمره بالاتر

ازحد متوسط را کسب نموده است. به عبارتی، رسانه ملی در تحقق ثمره‌های راهبردی انقلاب نقش موثری داشته است. یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیقات رنجبر (۱۳۹۸)، مقتدایی و زیبا کلام (۱۳۹۸)، رکابیان و پورحسن (۱۳۹۹)، سبزه کار (۱۳۹۹)، حق‌گو و همکاران (۱۳۹۹)، رضائی (۱۳۹۹)، دارابی (۱۴۰۰) و عباس‌زاده (۱۴۰۱) همسو می‌باشد. بنابراین در راستای نتیجه کسب شده در این زمینه و یافته‌های پژوهش‌های قبلی مبنی بر تأیید این مساله، می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از ابزارهای رسانه‌ای می‌تواند در راستای محقق شدن یکی از ابعاد بیانیه گام دوم انقلاب، یعنی ثمره‌های راهبردی انقلاب بسیار مفید باشد. طبق بیانیه گام دوم انقلاب، ثمره‌های راهبردی انقلاب مواردی نظیر اقتدار انقلاب اسلامی، تغییر چالش‌ها و شکست مستکبران، آگاه‌سازی جوانان؛ به‌عنوان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی، تشویق نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی، فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور می‌باشد. در این زمینه رسانه ملی، موارد فوق را در جامعه منعکس نموده است. به عبارتی، رسانه‌های ملی در زمینه نشان دادن اقتدار جمهوری اسلامی، شکست اقدامات دشمنان در عرصه‌های سیاسی علیه ایران و همچنین تبلیغات رسانه‌ای در زمینه تشویق جوانان و ارتقاء سطح دانش و آگاهی آنان اقدام نموده است. بنابراین در حالت کلی می‌توان نتیجه گرفت اقدامات رسانه ملی در زمینه تحقق ثمره‌های راهبردی، اقداماتی قابل قبول بوده است.

نتایج به دست آمده از تحلیل سؤال سوم تحقیق نشان داد نمره میانگین به دست آمده برای نقش رسانه در تحقق توصیه‌های ماموریتی، بالاتر از حد متوسط بوده است این نشان می‌دهد که رسانه ملی، نقش موثری در تحقق توصیه‌های ماموریتی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی داشته است. یافته‌های این تحقیق با نتایج تحقیقات رنجبر (۱۳۹۸)، مقتدایی و زیبا کلام (۱۳۹۸)، رکابیان و پورحسن (۱۳۹۹)، سبزه کار (۱۳۹۹)، حق‌گو و همکاران (۱۳۹۹)، رضائی (۱۳۹۹)، دارابی (۱۴۰۰) و عباس‌زاده (۱۴۰۱) همسو می‌باشد. بنابراین با توجه به یافته‌های حاصل تحلیل سؤال سوم مبنی بر نقش رسانه‌های ملی در تحقق توصیه‌های ماموریتی می‌توان بیان کرد که رسانه‌ها در راستای عمل به این بعد از بیانیه گام دوم انقلاب، از ظرفیت‌ها و ابزارهای خود برای نشان دادن آن به جامعه جهانی استفاده کرده‌اند. از دیدگاه مقام معظم رهبری، در بیانیه گام دوم انقلاب توصیه‌های ماموریتی انقلاب که از پیش تعیین شده و چارچوب آن مشخص شده است، باید در جامعه با جدیت دنبال شود. در توصیه‌های ماموریتی بیانیه گام دوم انقلاب، به مواردی نظیر معرفی علم و پژوهش در مسیر انقلاب، توصیه‌هایی برای تقویت معنویت و اخلاق جامعه، توصیه وضعیت اقتصادی و هشدارها برای مسئولین جامعه، حفظ عدالت و مبارزه با فساد، حفظ استقلال و آزادی کشور، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن، معرفی و تبیین سبک زندگی اسلامی و انقلابی اشاره شده است. نمود نقش رسانه ملی در موارد فوق، خود را به صورت برنامه سازی و تهیه مستندات و فیلم‌ها و تهیه اخبار روزانه نشان می‌دهد. رسانه ملی

در کشور در تلاش بوده تا بتواند ابعاد و زوایای توصیه‌های ماموریتی را برای مردم به تصویر بکشد. همان طوری که از تحلیل این مساله در این پژوهش به دست آمد، مشخص گردید که نقش رسانه در این زمینه یک نقش مطلوب و قابل قبول بوده است. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود:

- دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب اسلامی در بخش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از طریق رسانه‌های داخلی با ساخت برنامه‌های مرتبط، در جامعه نشان داده شود.
- رسانه ملی در زمینه تحقق بخشیدن به ثمره‌های راهبردی انقلاب در بیانیه گام دوم، نتایج و فواید ثمره‌های راهبردی را تشریح کرده و آن را مورد پخش قرار دهد.
- زمینه‌های به کارگیری افراد جوان فعال در حوزه رسانه در دستور کار قرار گیرد.
- کارگردانان، بازیگران و مستند سازهای تاریخی برای ساخت فیلم و سریال‌های مرتبط با اهداف و بیانیه‌های گام دوم انقلاب، در رسانه ملی به کار گرفته شوند.
- زمینه‌های همکاری صدا و سیما با دانشگاه و به خصوص کارشناسان و دانشجویان حوزه رسانه بیشتر شود.
- به منظور شفاف‌سازی ابعاد دستاوردهای انقلاب، از کارشناسان و پژوهشگران اجتماعی و سیاسی در رسانه ملی بیشتر استفاده شود.
- رسانه‌های داخلی اعم از رادیو و تلویزیون، از مسئولین برای ارائه گزارش کار در زمینه میزان عمل و الگو برداری از ثمره‌های راهبردی انقلاب، استفاده نمایند.
- رسانه، ابعاد توصیه‌های ماموریتی رهبر انقلاب را در برنامه‌های تلویزیونی پخش نماید.
- بیانیه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در زمینه توصیه‌های ماموریتی، به صورت دوره‌ای در تلویزیون و رادیو پخش گردد.

منابع

- اوسولیوان، تام؛ دانی؛ هارتلی، جان و فیسک، جان. (۱۳۸۵). مفاهیم کلیدی ارتباطات (مترجم: میر حسن رئیس زاده). تهران: فصل نو.
- بهریزی لک، غلامرضا و کفیلی، رضا. (۱۴۰۱). نقش و جایگاه آموزه‌های مهدویت در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر آموزه عدالت). فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۱، پیاپی ۲۳، صص ۷-۲۷.
- حق گو، جواد؛ عظیم زاده، جعفر؛ رادمر، محمد. (۱۳۹۹). بازدارندگی شبکه‌ای بایسته‌های سیاست خارجی ج.ا. ایران در گام دوم انقلاب اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۹، ویژه نامه بیانیه گام دوم، صص ۱۶۰-۱۴۲.

دارابی، علی. (۱۴۰۰). گام دوم انقلاب اسلامی، تهاجم نرم و سواد رسانه‌ای. دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۲۱-۹۵.

رزاقی، افشین. (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات اجتماعی. تهران: انتشارات پیکان.
رضائی، رسول. (۱۳۹۹). نقش رسانه‌های جمعی (با تأکید بر تلوزیون) در تحقق فرهنگ ایثار و مقاومت (با استناد بر بیانیه گام دوم انقلاب و زندگی شهید سلیمانی). مطالعات دینی رسانه، سال ۲، شماره ۲۵، صص ۱۶۲-۱۳۳.

رکابیان، رشید. (۱۳۹۸). مؤلفه‌های انقلابی‌گری انقلابی بودن و انقلابی ماندن. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۵۷، صص ۱۰۷-۹۵.

رکابیان، رشید؛ پورحسن، ناصر. (۱۳۹۹). الزامات و راهکارهای اجرایی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری). فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۹، شماره ۴، صص ۱۷۷-۱۶۱.

رنجبر، ابوالفضل. (۱۳۹۹). سیاست‌های تبلیغی و رسانه‌ای دشمن مبتنی بر بیانیه گام دوم و نقش آن در بحران سازی. فصلنامه پدافند غیر عامل و امنیت، سال ۸، شماره ۲۹، صص ۷۱-۵۲.

سبزه‌کار، مریم. (۱۳۹۹). نقش رسانه در تحقق منویات رهبری در بیانیه گام دوم. نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، شیراز، <https://civilica.com/doc/1019112>
عباس زاده، روح الله. (۱۴۰۱). مؤلفه‌های هنجاری رسانه تمدن ساز بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب. فصلنامه علمی پژوهشی، سال ۹، شماره ۴، صص ۱۲۲-۹۲.

مقتدائی، مرتضی؛ زیبا کلام، صادق. (۱۳۹۸). نقش ابزارهای رسانه‌ای پیرفته در ایجاد شکاف نسل‌ها در ایران با نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب. فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال ۱۵، شماره ۴۲، صص ۶۲-۳۵.

مهدی زاده، سید محمد. (۱۳۹۶). نظریه‌های انتقادی رسانه. تهران: نشر همشهری.

Baran Stanley J. and Dennis K. Davis. (2012). Mass communication theory (Foundations, Ferment, and Future). Sixth edition. Wadsworth, Boston.

Guo, Jing., Chen, Hsuan-Ting(2022). How does political engagement on social media impact psychological well-being? Examining the mediating role of social capital and perceived social support

Hoewe, Jennifer; Peacock, Cynthia (2020). The power of media in shaping political attitudes. Current Opinion in Behavioral Sciences, 34(), 19-24. doi:10.1016/j.cobeha.2019.11.005

Hua Pang; (2021). Identifying associations between mobile social media users' perceived values, attitude, satisfaction, and eWOM

engagement: The moderating role of affective factors. Telematics and Informatics, doi:10.1016/j.tele.2020.101561.



واکاوی مفهوم «زن»؛ «زندگی»؛ «آزادی» در اندیشه امام خامنه‌ای (مدّ ظلّه العالی)

اعظم محمودی^۱ فاطمه علی‌پور^۲

چکیده

مسئله زنان و جایگاه آنان در جامعه، پیوسته از مسائل مورد توجه اندیشه‌ورزان بوده و چه بسا در رخدادهای سیاسی- اجتماعی مورد بهره‌برداری گروه‌های مختلف قرار گرفته است. اعتقاد نظریه‌پردازان برجسته انقلاب اسلامی در این رابطه؛ توازن نقش فردی و اجتماعی زن است که در تقابل با مدعیان شعار (زن، زندگی، آزادی) قرار دارد. هدف پژوهش حاضر تبیین اندیشه‌های مقام معظم رهبری در موضوع «زن؛ زندگی؛ آزادی» است **(مسئله)؛** روش پژوهش توصیفی- تحلیلی، با رویکرد استقرایی است **(روش)؛** نتایج حاکی از آن است که مقام ایشان با تمسک به آیات قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم السلام)، مرد و زن را از یک جوهر و حقیقت می‌داند که در برخی از خصوصیات و وظایف، با هم تفاوت‌هایی دارند؛ و هر دو باید برای رسیدن به زندگی عزت‌مند و حیات طیبه تلاش کنند. امام خامنه‌ای هرچند حق پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی را از زنان سلب نمی‌کند ولی قائل به اصالت نقش محوری زن در خانواده، به عنوان مادر و همسر است. ایشان منشأ آزادی بشر را توحید الهی و نفی هر قید و بندی غیر از بندگی خدا دانسته؛ و آزادی غربی به معنای بی‌بندوباری را مردود می‌شمارد **(یافته‌ها).**

کلیدواژه‌ها: اندیشه امام خامنه‌ای، زندگی و آزادی زن؛ شعار (زن، زندگی، آزادی)

دوره ۱۳، شماره ۱،
پیاپی ۳۱ بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۴/۲۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۲/۲۵
صص: ۱۳۲-۱۱۵

شاپا: ۲۳۲۲-۵۶۴۵

رتبه علمی

ب

پژوهشی نهادت گواهی شد
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.1.6.7

۱. گروه آموزش زبان و ادبیات عرب، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران.
(نویسنده مسئول) a.mahmoodi@cfu.ac.ir

۲. گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران.
alipoor@cfu.ac.ir

مقدمه

دین اسلام، همهٔ بشریت را در تمامی اعصار و دوره‌ها؛ و فارغ از تفاوت‌های جنسیتی، قومی و نژادی، مخاطب خویش می‌داند و قائل به هدایت‌گری قرآن در تمامی جنبه‌های مورد نیاز بشری - از کمالات معنوی و قرب الهی گرفته، تا نیازهای دنیوی و مادی بشر - است. بر این اساس، «زن» در اصل آفرینش و کرامت انسانی، برابر با مرد است و بر این موضوع در آیات قرآن تأکید شده است؛ از جمله: «و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (ترجمه: و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند) (روم/۲۱)؛ و «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ مَنْكُم مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتِي بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ...» (ترجمه: پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [که: یقیناً من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگرند تباه نمی‌کنم...]) (آل عمران/۱۹۵)؛ و نیز: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى...» (ترجمه: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم...) (حجرات/۱۳).

و هم‌چنین نگاه اسلام به زندگی، آن‌گونه زیستنی است که آدمی را علاوه بر تأمین نیازهای متعارف در زندگی دنیا؛ به مسیر معنویت، آخرت و سعادت در زندگی جاوید رهنمون شود؛ و آن زندگی را که هدفش تنها خوردن و خوابیدن و بهره‌گیری از لذت‌های دنیوی است، زندگی حیوانی می‌نامد که تنها کافران در پی آن هستند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَمْتَحُونُ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ» (ترجمه: درحالی‌که کافران همواره سرگرم بهره‌گیری از [کالا و لذت‌های زودگذر] دنیایند و می‌خورند، همان‌گونه که چهارپایان می‌خورند و جایگاهشان آتش است). (محمد/۱۲)

در مورد «آزادی» نیز نگاه دین اسلام بر این اصل استوار است که انسان، به عنوان موجودی شریف و نمونه، برخوردار از امتیازاتی است که سایر موجودات از آن محرومند: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرُوجِ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (ترجمه: به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم). (اسراء/۷۰) و یکی از این امتیازات افراد انسانی، آزادی ارادهٔ توأم با مسئولیت است که می‌تواند به واسطهٔ آن سرنوشت خود را به سمت سعادت یا شقاوت سوق دهد: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (ترجمه: ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس‌گزار خواهد بود یا ناسپاس). (انسان/۳) بنابراین انسان‌ها - چه مردان و چه زنان - به طور ذاتی در بیشتر رفتارهای خود آزادند، مگر در مواردی که کرامت انسانی فرد و

جامعه در معرض خطر قرار گیرد که در آن صورت قوانین محدودکننده‌ای وضع می‌شود. این قوانین می‌توانند با توجه به دو عنصر زمان و مکان، محدود شده یا توسعه یابند؛ ولی هیچ‌گاه محدودسازی و یا گسترش آزادی‌ها در قوانین دینی نباید سلیقه‌ای و فردی باشد، بلکه کارشناسان دینی آگاه به جامعه و زمان، باید ضرورت چنین تغییراتی را بررسی کرده و مقدمات اجرای آن را فراهم نمایند.

در تابستان ۱۴۰۱ جبهه‌ای متشکل از سرمایه‌داری جهانی و سلطه صهیونیستی، با حمایت جبهه نفاق داخلی و خارجی؛ با در دست گرفتن قدرت رسانه‌ای و با استفاده از جهالت و ناآگاهی تعدادی از جوانان فریب‌خورده، شعار «زن، زندگی، آزادی» را دست‌مایه فتنه‌ای بزرگ قرار دادند تا کیان و هستی انقلاب اسلامی ایران را که امید مستضعفان جهان است به نابودی بکشانند. شعاری که مورد استفاده جریان باطل قرار گرفت و هدف آن تحمیل هزینه‌های گزاف فرهنگی و غیرفرهنگی بر اسلام و نظام اسلامی در سطح جهانی بود. (فاتحی دهاقانی، ۱۴۰۱)

با بررسی دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری؛ و اندیشمندانی چون استاد شهید مطهری، می‌توان دریافت که رویکرد جمهوری اسلامی به نقش و جایگاه زنان، مبتنی بر مبانی و معارف اسلام و قرآن؛ و اعتقاد به توازن نقش فردی و اجتماعی زن است. چنان‌که امام خمینی (ره) در بیانات و سخنرانی‌های خود پس از تأکید بر نقش مادری و محوری زن در خانواده، بر دخالت زنان در مقدرات اساسی مملکت تأکید کرده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۳۰۱).

مقام معظم رهبری نیز در ارتباط با بحث زنان، پیوسته قائل به برابری زن با مرد در موضوع کرامت انسانی و امکان رشد و پیشرفت بوده و هیچ‌گاه زن را از مشارکت در مسائل اجتماعی منع نکرده‌اند؛ اما اولویت اصلی ایشان، نقش محوری زن در خانواده به عنوان مادر و همسر است. (حسینی خامنه، ۱۳۸۴/۰۵/۰۵).

پژوهش حاضر در تلاش است تا با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن واکاوی بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، به این سؤال پاسخ دهد که: جایگاه زن و میزان بهره‌مندی او از آزادی و مواهب زندگی، در اندیشه ایشان چیست و این جایگاه بر چه مبنایی استوار است؟

۲. پیشینه پژوهش

تا کنون در مورد زن و حقوق فردی و اجتماعی؛ به ویژه حق آزادی او مطالعات گوناگونی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

گلی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری» به سنجش میزان احساس امنیت زنان در یکی از پارک‌های شیراز، به عنوان فضای عمومی پرداخته و ثابت کرده‌است که عوامل محیطی و عوامل شخصیتی تأثیر معناداری بر میزان این احساس دارد. میرخلیلی و محمدی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی نظری حق آزادی زنان از دیدگاه

امام خمینی «اظهار داشته‌اند که حق آزادی زنان از دیدگاه امام خمینی، مبتنی بر مبانی عقلی، نقلی و شهودی است. و از منظر ایشان بانوان با رعایت قوانین شرعی در تعاملات اجتماعی، فرهنگی و سیاست مانند مردها از حق آزادی برخوردارند. و نیز مقوله کرامت انسانی که امام بر نسبت تساوی آن میان مرد و زن تأکید دارد، دیدگاه وی را از رویکرد آزادی غربی متمایز می‌سازد.

حسین نژاد و اسماعیل پور (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «زن در اندیشه اسلامی» پس از اثبات ارتباط وظیفه‌مداری زن مسلمان در بستر عبودیت، به بیان وظایف وی در سه بخش فردی؛ خانواده و جامعه پرداخته‌اند.

احمدی نیک و یوسف‌وند (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «حقوق زنان و آزادی‌های فردی (با تأکید بر پوشش و آثار اجتماعی آن» به این نتیجه دست یافته‌اند که رعایت عفت تأثیر مستقیمی بر زندگی فردی و اجتماعی زنان، و اثراتی بر مهر المثل و احصان و عدم ارتکاب فسق داشته و نهی اسلام از تبرج و خودنمایی زنان برای نامحرمین، تفسیر درستی از آزادی زنان است. مظاهری کوهانستانی و حیدریان دولت‌آبادی (۱۳۹۸) مقاله‌ای با هدف بررسی تحولات فقهی شیعه درباره حقوق و آزادی‌های زنان و تأثیر زمان و مکان بر این تحولات، تحت عنوان «مطالعات کاربردی تحولات فقهی شیعه در دوران معاصر در باره حقوق و آزادی‌های زنان» به رشته تحریر درآورده و در آن نتیجه گرفتند که زنان در این دوران، در مقایسه با فقه متقدم، از احکام حقوقی متمایزی برخوردار شده است.

صادقی و عنایت‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «تبیین حقیقت جایگاه زن در اسلام براساس متن دین و اندیشمندان تراز اسلامی» به نتیجه رسیده‌اند که زن از جایگاه ویژه‌ای در اسلام برخوردار می‌باشد و نگاه ابراری به او مورد تأیید نیست و هم‌چنین نسبت فقر و تحقیر زنان در متون اسلامی، یک امر کاملاً خودساخته از سوی بدخواهان و مدعیان اندیشمندی اسلامی است.

محسنی مری و عباسی (۱۴۰۲) مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌شناسی آزادی و عدالت اجتماعی و هم‌پیوندی آن در گفتمان نهج البلاغه» به رشته تحریر درآورده و در آن به صورت‌بندی چگونگی رابطه عدالت اجتماعی و آزادی در گفتمان لیبرال و نهج البلاغه پرداختند.

اما در موضوع «زن؛ زندگی؛ آزادی» به طور جامع تحقیقات گسترده‌ای انجام نشده؛ هر چند که محورهای بحث، به طور جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است؛ از این رو پیشینه قابل قبولی در این رابطه وجود ندارد و تنها می‌توان به موارد معدودی اشاره کرد؛ از جمله: طاهری‌کیا (۱۴۰۱) مقاله‌ای با عنوان «رخداد زن، زندگی، آزادی و نبرد بر سر تسخیر فضا» به نگارش درآورده و در آن استدلال‌های داده محور و نظری را جمع‌آوری کرده است تا برای رخداد (زن، زندگی، آزادی) کارکردی احتمالی را تفسیر و تبیین کند. زنگی‌آبادی (۱۴۰۱) نیز کتابی با

عنوان «زن، زندگی، آزادی» نوشته و در آن با روایت داستان دختری که در اعتراضات شرکت کرده و برایش مشکلاتی به وجود آمده است؛ جریان اعتراضات ۱۴۰۱ را مورد تحلیل قرار داده است. هم‌چنین راجی (۱۴۰۱) در کتابی داستانی، با همین عنوان؛ سعی دارد به موضوع اعتراضات مذکور و شبهات پیرامون آن بپردازد.

بدین ترتیب نوآوری پژوهش پیش رو از آن جهت است که برای نخستین بار، با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری، شعار «زن، زندگی، آزادی» به طور جامع مورد واکاوی قرار گرفته و به خلأ پژوهشی در این زمینه، توجه شده است.

۳. شعار «زن، زندگی، آزادی»

شعارها زاینده ایدئولوژی‌ها هستند و ایدئولوژی‌ها در پیوند با وضعیت عینی جامعه شکل می‌گیرند. به عنوان نمونه شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، در رابطه با جامعه استبداد زده و حاکمیت وابسته و سکولار پهلوی شکل گرفت و بیانگر آرمان‌ها و خواست عمومی ملت ایران بود؛ و البته این رویه در تمام انقلاب‌های بزرگ اجتماعی دنبال می‌شود.

شعار «زن، زندگی، آزادی» اولین بار توسط «عبدالله اوجالان» رهبر جنبش آزادی‌بخش کردستان ترکیه (پ ک ک)، که از جنبش‌های رادیکال مبارزه آزادی زنان؛ و نظریه‌پرداز ژنولوژی^۱ است، مطرح شد. سپس این شعار توسط افراد و گروه‌های دیگر و از جمله؛ در جنگ علیه داعش استفاده شد. و بالأخره در سال ۱۴۰۱ دست‌مایه عده‌ای برای بروز اعتراضات و ایجاد فتنه و آشوب در ایران گردید.

تحلیل و بررسی، و مراجعه به منشأ این شعار در فتنه اخیر، ثابت می‌کند که این اعتراضات، ایدئولوژی مستحکمی نداشته و بیشتر نمادی برای بیان نارضایتی‌های گسترده عمومی یک جامعه ملتهب بود. فقدان عقلانیت در این اعتراضات آن را به یک شورش مبدل کرد و به سطح بالای خشونت‌ورزی کشاند؛ تا جایی که شکنجه انسان‌های بی‌گناه و بی‌سلاح و خشونت کلامی گسترده به امری عادی در سطح خیابان بدل شد. و این اتفاقات نشان‌دهنده یک برانگیختگی و شورش عواطف و احساسات، در شرایط فقدان عقلانیت است. (طاهرخانی، ۱۴۰۱)

واکاوی این حادثه و تحلیل رخدادهای آن، خبر از انسجام و اتحاد جبهه کفر و شرک جهانی می‌دهد که توسط نظام سرمایه‌داری آمریکا و اروپا و سلطه صهیونیستی، با طراحی قبلی رقم خورد و جبهه نفاق برخی از کشورهای اسلامی و منافقان و اشار تجزیه طلب مرزهای شرقی و غربی و جنوبی کشور آن را عملیاتی و اجرایی کردند و قدرت رسانه‌ای جهانی با شعار (زن، زندگی، آزادی) از آن حمایت کردند.

^۱ ژنولوژی به معنای علم زنان، به جنبش اجتماعی-سیاسی فمینیستی و نیز دانشی فمینیستی اطلاق می‌شود که به دنبال برابری جنسیتی و رهایی زنان بوده و به عنوان فمینیسم کردی نیز شناخته می‌شود.

مقام معظم رهبری در رابطه با این فتنه از اصطلاح «جنگ ترکیبی» استفاده کرده، می‌فرماید: «این اتفاقات [اعتشاشات ۱۴۰۱] صرفاً یک اغتشاش خیابانی نبود؛ [پشت] این، برنامه‌های خیلی عمیق‌تری بود. دشمن یک جنگ ترکیبی را شروع کرد؛... دشمن یعنی آمریکا، اسرائیل، بعضی از قدرت‌های اروپایی موذی و خبیث، بعضی از گروه‌ها و گروهک‌ها، همه امکاناتشان را وارد میدان کردند... یعنی دستگاه‌های اطلاعاتی‌شان را، دستگاه‌های رسانه‌ای‌شان را، ظرفیت فضای مجازی‌شان را، استفاده از تجربه‌های گذشته‌شان را... دشمن همه این ظرفیت‌ها را در این چند هفته وارد میدان کرد برای این‌که بتواند بر ملت ایران فاتح بیاید...».

(حسینی خامنه، ۱۴۰۱/۰۸/۱۱)

بنابراین شورش مذکور را نمی‌توان تنها یک اعتراض زنانه جهت احیای حقوق زنان دانست هرچند که نفی وجه زنانه ماجرا نیز به طور کامل درست نیست. در واقع این حادثه به بهانه اعتراض به نفی کرامت انسانی زن، نقطه شروع یک مسیر تند و رادیکال شد که به دلیل فقدان عقلانیت در ایده‌پردازی و هدایت شورش، قابلیت تولید جنبش معطوف به اصلاح را از دست داد و تنها منجر به فعال‌شدن بسیاری از شکاف‌های اجتماعی شد.

۴. «زن»؛ «زندگی»؛ «آزای» در اندیشه امام خامنه‌ای

۴-۱. جایگاه زن

زنان در هر جامعه‌ای، ذخیره‌های انسانی ارزشمندی برای تحقق اهداف معنوی و مادی کشور به شمار می‌آیند و حضور و مشارکت ایشان در فعالیت‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از عوامل اساسی رشد و اعتلای کشور محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری نیز، مسئله زن و جایگاه او را از جهات مختلف، مسئله‌ای بسیار مهم دانسته و چگونگی بهره‌مند شدن از وجود این مخلوق الهی را موضوعی قابل پیگیری و اندیشیدن به شمار می‌آورد؛ زیرا زنان نیمی از جمعیت کشورها را تشکیل می‌دهند؛ و نیز مسئله جنسیت که از حساس‌ترین مسائل آفرینش است، باید در خدمت تعالی انسان قرار بگیرد، نه در خدمت انحطاط بشر و انحطاط اخلاقی؛ هم‌چنین به‌خاطر تفاوت‌های طبیعی میان جنس زن و جنس مرد، باید رفتاری را نهادینه کرد که به زن ظلم نشود. (حسینی خامنه، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰)

امام خامنه‌ای با تکیه بر آموزه‌های اسلام و آیات قرآن، زن و مرد را از یک جوهر و حقیقت دانسته و از لحاظ ارزش‌های الهی و انسانی آن دو را برابر می‌داند؛ البته با تفاوت‌هایی در وظایف و نقش‌هایی که بر عهده دارند. بنابراین اگر قرار است تلاشی در جهت احقاق حقوق زنان در جامعه صورت گیرد و در وضعیت و جایگاه آنان تحولی ایجاد شود، این تلاش و تحول باید در راستای دستورات الهی و احکام اسلام باشد و در آن صورت است که زن می‌تواند به عنوان عضوی اثرگذار در خانه و جامعه حاضر شده و در کنار تلاش برای رسیدن به کمالات و فضایل معنوی، علمی و اخلاقی؛ در عرصه تربیت فرزندان و اعتبار بخشیدن به کانون خانواده موفق

گردد. پس «در استكمال زن و مرد جنسیت هیچ تأثیری ندارد و عبودیت خداوند و انجام واجبات و ترک محرمات به یک میزان باعث تعالی زنان و مردان می‌شود». (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۷۲)

اسلام با شناخت نیازها و تفاوت‌های مرد و زن، آن‌طور که شایسته است حقوق زن را بدو بخشیده است. اسلام زن را در مقام مادر و همسر تکریم کرده و نقش بنیادین وی را در خانواده تعریف کرده است؛ و از این رهگذر امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق اولین حق را در نظام خانوادگی به مادر داده؛ آنگاه از حق پدر سخن به میان آورده است: «وَحُقُوقُ رَجْمِكَ كَثِيرَةٌ مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ اتِّصَالِ الرَّحْمِ فِي الْقُرَابَةِ فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقَّ أُمِّكَ ثُمَّ حَقَّ أَبِيكَ ثُمَّ حَقَّ وُلْدِكَ ثُمَّ حَقَّ أَخِيكَ ثُمَّ الْأَقْرَبُ فَلَا اقْرَبُ». (نوری، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۱۵۴)

خانواده کانون مهر و محبت است و هیچ کانونی نمی‌تواند این مسئولیت بزرگ را بر دوش گیرد؛ از این رو یک زن می‌تواند به عنوان مظهر مهر و مجلای رأفت، آهنگ گیرای همنوایی و هم‌آوایی، انسجام، انعطاف و گذشت را با حضور خود گوشنواز و دلپذیر کند.

نقطه عزیمت مقام معظم رهبری نیز در ارتباط با بحث زنان، اصالت به نقش محوری آنان در خانواده در جایگاه مادر و همسر است؛ و این امر به معنای ممانعت از حضور زن در جامعه و نقش‌آفرینی وی در مسائل و فعالیت‌های اجتماعی نیست. (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، آنچه تحقق یافت؛ رشد حضور اجتماعی و علمی زنان در جامعه و جدی‌تر شدن خواست آنان برای مشارکت سیاسی و حاکمیتی بود و این روند در سال‌های بعد ادامه یافت. سپس در اثر تحولات نظام جهانی و توسعه فناوری‌های ارتباطی و فضای مجازی؛ و نیز در اثر برخی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجرا شده در کشور، دریافت‌ها و باورهای جامعه زنان در خصوص هویت و نقش خود دچار دگرگونی شد. به طوری که در برخی موضوعات، مطالبات زنان با تلقی رایج و حاکم بر بخش‌هایی که متولی امور زنان و خانواده هستند دچار تعارض شد و نظام برنامه‌ریزی کشور در مدیریت این مطالبات موفق عمل نکرد و همین امر زمینه شکاف میان آن‌ها و بهره‌برداری جریان‌های سیاسی را از این موضوع فراهم کرد. (قاسم‌پور، ۱۴۰۱)

برای حل این مشکل و جهت رسیدن به یک اجماع نظری در موضوع زنان و محقق ساختن مطالبات درست ایشان؛ باید مسئله با را رویکردی خردمحورانه و مبتنی بر اندیشه و تدبیر واکاوی کرد. مقام معظم رهبری نیز معتقد است: «در هر حرکت اجتماعی، آن وقتی حرکت درست خواهد بود و به نتایج درست خواهد رسید که مبنی بر خرد و تأمل و تشخیص و مصلحت و مبتنی بر پایه‌های درست و عقلانی باشد. [بنابراین] در هر حرکتی که به قصد احقاق حق زنان انجام می‌گیرد، عیناً باید همین معنا ملاحظه شود». (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰)

راه‌کارهایی که ایشان بدین منظور ارائه می‌دهد عبارت است از: ۱. پای کار آمدن زنان در

میدانی که متعلق به آن‌ها است. یعنی توجه و گرایش به کسب معارف و رشد معنوی، علمی و اخلاقی؛ ابتدا باید برای خود زنان ایجاد شود و به این باور برسند که حرکت به سمت چنین رشدی برای آن‌ها ضروری و اساسی است؛ ایشان در این رابطه می‌فرماید: «مسئله زنان، مسئله مهمی است؛ بهترین کسانی هم که این مسئله را می‌توانند دنبال کنند و حل کنند خود خانم‌ها هستند». (حسینی خامنه، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰)

۲. اصلاح قوانینی که مربوط به حقوق زنان است از جانب کارشناسان و اهل فن.

۳. تبیین نظر اسلام در مورد حقوق زن و مرد؛ و بیان تفاوت‌های میان آن، توسط آگاهان

این حوزه. (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰)

از نظر ایشان همه تلاش‌ها و مبارزات باید در جهت تحقق این هدف باشد که زن به کمال وجودی خود برسد؛ یعنی: «در جامعه، اولاً به حق انسانی و حقیقی خود برسد؛ ثانیاً استعدادهای او شکوفا شود و رشد حقیقی و انسانی پیدا کند و در نهایت به تکامل انسانی نائل گردد. زن در جامعه به صورت انسان کامل در آید؛ انسانی که می‌تواند به پیشرفت بشریت و جامعه خود کمک کند و در محدوده توانایی‌های خود، دنیا را به بهشت برین و زیبایی مبدل سازد». (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰)

۲-۴. زن و زندگی

در باره زندگی انسان دو نگرش وجود دارد: مادی و الهی. در نگرش مادی، انسان موجودی صرفاً جسمانی؛ دارای آفرینشی تصادفی؛ و بی‌نیاز و ره‌اشده از خدا است و نابودی و مرگ پایان سرنوشت اوست. این نگرش، اصالت لذات مادی؛ و نفی هرگونه ارزش اخلاقی و کمالات معنوی و سعادت جاودانی را به دنبال دارد. در حالی‌که در نگرش الهی؛ انسان موجودی آمیخته از جسم و روح است و منشأ وجودی او خدا بوده و به او نیازمند است: «یا أيها الناس أنتم الفقراء إلى الله واللَّهُ هو الغنیُّ الحمید» (ترجمه: ای مردم! شما باید نیازمندان به خدا، و فقط خدا بی‌نیاز و ستوده است). (فاطر/۱۵) در این نگرش، آفرینش انسان بیهوده نبوده و غایتی حکیمانه دارد و زندگی مطلوب زمانی برای او محقق می‌شود که در مسیر عبودیت و بندگی گام بردارد.

بر این اساس هر انسانی سبک و شیوه زیستن خود را متناسب با معنایی که از زندگی دریافت نموده انتخاب می‌کند. به قول گیدنز^۱، تحقق زندگی معنادار در گرو وقوع هرم معناست، هرمی که در بالاترین لایه مشتمل بر هدف نهایی بوده و این هدف با گذر از اهداف مبانی به صورت افعال و اعمال اختیاری در خارج تحقق می‌یابد. در واقع سبک زندگی، به طور کامل در گرو هدفی است که فرد در زندگی برگزیده است. (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

زندگی از دیدگاه خداجویان، حرکتی جاری است که با جوش و خروش از دنیا به سوی آخرت

¹ Giddens

و لقاء الله رهسپار می‌شود و زندگی با چنین تعریفی هم حق مردان است و هم حق زنان. هر دو سزاوار بهره‌مندی از مواهب زندگی می‌باشند؛ به گونه‌ای که علاوه بر تأمین نیازهای متعارف خود در زندگی دنیا، به مسیر معنویت و سعادت اخروی در زندگی جاوید ره یابند؛ که اگر چنین نباشد و هدف آن‌ها تنها خوردن و خوابیدن و بهره‌گیری از لذت‌های دنیا باشد؛ زندگی حیوانی خواهند داشت و در خور آتش دوزخند.

نگاه امام خامنه‌ای نیز نسبت به زندگی، نگاهی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی است. ایشان از این زندگی با عنوان «حیات طیبه» یاد کرده و آن را به معنای همه چیزهایی می‌داند که بشر برای به‌زیستی و سعادت خود، به آن‌ها احتیاج دارد؛ مانند عزت ملی، استقلال و وابسته نبودن به بیگانگان، دوری از فرهنگ و سبک زندگی غربی، نیفتادن در ورطه پوچی و مصرف‌زدگی، پایبندی به اصول اخلاقی و مانند آن. (حسینی خامنه، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵)

تلاش دشمنان اسلام در طول تاریخ؛ به ویژه در چند دهه گذشته، آن بوده که با چنین سبکی از زندگی مقابله کند و با کشاندن افراد به سبک زندگی غیراسلامی و غربی، آنان را از رسیدن به مقصد بازدارد. مقام معظم رهبری به این موضوع و پیامدهای آن اشاره فرموده است: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده‌است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد...».

(حسینی خامنه، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

اما متأسفانه افرادی بوده و هستند که با گفتار و کردار خود آب به آسیاب دشمن ریخته و با شیوه‌ها و ابزارهای وابسته به فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای اعم از هنر و سینما و فضای مجازی و غیره، درصدد تهي کردن انقلاب از پشتوانه دینی و ایمانی و مردمی آن؛ و به ویژه انحراف نسل جوان از پایبندی به اصول انقلاب می‌باشند. مقام رهبری به این موضوع نیز اشاره می‌کند: «آن‌هایی که افکار غربی را، سبک زندگی غربی را، روش‌های غربی را، لغات غربی را به طور پیوسته در داخل، در ادبیات ما، در افکار ما، در دانشگاه‌های ما، در مدارس ما تزریق می‌کنند، پمپاژ می‌کنند، این‌ها همین تقی‌زاده‌های جدیدند». (حسینی خامنه، ۱۳۹۸/۰۱/۰۱)

حال باید بیندیشیم که چرا قدرت‌های استکباری جهان و مزدوران داخلی آن‌ها این قدر اصرار دارند که فرهنگ و سبک زندگی غربی و اهداف غربی در میان مردم ما نفوذ کند؟ چرا صراحتاً تلاش می‌کنند در آموزش و پرورش کشورها نفوذ پیدا کرده و بر اجرای سند ۲۰۳۰ پافشاری می‌کنند؟ چرا کشوری مانند کشور ما که برخوردار از فرهنگی ریشه‌دار و الهی است باید دنباله‌رو فرهنگ شکست‌خورده آنان باشد؟

پاسخ ایشان چنین است: «[این تلاش‌ها] به خاطر این است که این‌ها کارهایی را که به وسیله نظامی به‌آسانی نمی‌توانند انجام بدهند، به این وسیله می‌توانند انجام بدهند. ... [دشمن] با این نفوذ می‌خواهد مقاصد خودش را، اهداف پلید خودش را عملیاتی کند و آدم‌هایی درست کند

که مثل او فکر کنند». (حسینی خامنه، ۱۳۹۹/۰۶/۱۱). پس باید همه دلسوزان، دغدغه‌مندان، و کسانی که دلشان برای احیاء زندگی به سبک قرآنی تا رسیدن به حیات طیبه می‌تپد؛ دست به کار شده و خواب دشمن را آشفته سازند. مطالبه رهبری در این زمینه این است که تمامی کسانی که مسئولیتی بر عهده دارند وارد عرصه عمل شوند؛ به عنوان نمونه؛ جامعه دانشگاهی تلاش کند تا دانشگاه را از لحاظ فرهنگی غنی سازد و سبک زندگی را همراه با علم، به جوانان بیاموزد. (حسینی خامنه، ۱۳۹۸/۰۳/۰۸)؛ جامعه فرهنگیان و معلمان تلاش کنند هویت‌سازی فرهنگی کنند؛ تا جوانان احساس هویت کنند و به فرهنگ و سبک زندگی خود افتخار کنند. (حسینی خامنه، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱)؛ سازمان تبلیغات اسلامی به رسالت خود؛ که رصد و مقابله هوشمندانه با تهاجمات فکری و فرهنگی و تبلیغی و رسانه‌ای دشمنان دین و انقلاب و کشور است، اهتمام ورزد. دشمنانی که نه امروز بلکه از چند دهه پیش، هویت و شخصیت و باور و رفتار و سبک زندگی اسلامی - ایرانی مردم خصوصاً جوانان را هدف قرار داده داده‌اند. (حسینی خامنه، ۱۳۹۷/۰۵/۲۸) و خلاصه همه مسئولان فرهنگی، مراقب رخنه فرهنگی بیگانگان باشند.

و اما یکی از اهدافی که نوک پیکان دشمن آن را نشانه رفته است، زن و سبک زندگی او در جوامع اسلامی است. تأمل در اغتشاشات و فتنه اخیر، ثابت می‌کند گسل تغییر سبک زندگی در میان خانواده‌ها و به ویژه زنان، در این رخداد، بیشتر از مسائل جدی مربوط به زنان، خود را نشان داد؛ هرچند که ظاهراً به دلیل یک احساس طردشدگی اجتماعی از جانب آنان بروز کرد و زنان تصور کردند در چنین حوادث و وقایعی است که می‌توانند از حاشیه به متن آمده و نقش‌آفرینی بکنند. غافل از آن که فرهنگ غرب یک فرهنگ مهاجم؛ و نابودکننده فرهنگ اصیل آنان است و تقلید از آن جز تباهی و افتادن به ورطه پوچی و مصرف‌زدگی؛ و قرارگرفتن در دام هوس‌بازان جنسیتی، ارمغان دیگری برای آنان ندارد.

درحقیقت، شکوفایی و تأثیرگذاری ماندگار زنان مؤمن ایرانی بعد از انقلاب اسلامی در عرصه‌ها و صحنه‌های مهم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی، موجبات خشم و کینه دشمنان را فراهم آورد و آنان تصمیم گرفتند تا منزلت و جایگاه زنان و نیز سطح اهداف، خواسته‌ها و مطالبات آنان را به «خواسته‌های حیوانی» و «غیرانسانی» تنزل دهند.

اساس شخصیت زن در جهان بینی اسلامی به عنوان «موهبت الهی» که برخوردار از شخصیت مستقل است؛ بر پایه کرامت، عزت، پاکدامنی و عفت استوار است؛ اما زن در نظر و عملکرد مدعیان شعار (زن، زندگی، آزادی)، شهروندی درجه دو؛ و ابزار جنسیتی برای بهره‌برداری‌های گوناگون مردان است.

۳-۴. زن و آزادی

آزادی، مفهومی بسیار گسترده دارد و تفسیر درست آن، وابسته به انسان‌شناسی و جهان‌شناسی آدمی است. از جمله مفاهیم آزادی؛ فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان (برلین، ۱۳۶۸، ج

۱: ۲۳۶)، سلب مانع ترقی و تکامل (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۳۱) و «حقی که به موجب آن، انسان‌ها بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار اندازند» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۹۶) می‌باشد.

آزادی، از امانت‌ها و موهبت‌های الهی است که خدای متعالی در انسان به ودیعه نهاده (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۹) تا به واسطه آن، به حیات اصیل در حوزه انسان گام نهد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۹۳)؛ و خود را از قیدهای درونی و بیرونی خلاص کند و به بندگی خدا نائل شود.

پس هر انسانی اصالتاً آزاد است و کسی حق ندارد این برخورداری را از او سلب کند مگر این‌که خود فرد بخواهد به بردگی دیگران تن در دهد، چنان‌که امام علی (ع) فرمودند: «الناس کلهم آحرارٌ إلا مَنْ أقرَّ علی نفسه بالعبودية» (ترجمه: مردم همه آزاد و صاحب اختیارند، مگر کسی که خود به بردگی خود اعتراف کند). (الکلبینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۱۹۵) و البته این به معنای آزادی بی‌قید و بند نیست و انسان در قبال تمام افعال اختیاری خود، تا آنجا آزاد است که نه خود را در معرض بندگی دیگران قرار دهد و نه به دیگران ضرر و زیان برساند. امام علی (ع) در این رابطه نیز فرمودند: «لا تکن عبدَ غیرک و قد جعلک اللہ حُرّاً» (ترجمه: برده و عبد دیگری مباش، در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است). (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

و این موضوع از آنجا نشأت می‌گیرد که انسان موجودی اجتماعی است و با ورود به عرصه اجتماع باید برخی اصول و قوانین را رعایت کند. در هیچ جامعه‌ای؛ حتی جوامع بدوی؛ آزادی مطلق دیده نشده است و برای حفظ انتظام و انسجام جامعه، افراد ملزم به نادیده گرفتن برخی از آزادی‌های فردی هستند و به همین منظور باید کارگزاران و خدمتگزارانی، متصدی حفظ حقوق تک‌تک افراد و در عین حال حافظ مصلحت جامعه باشند.

و این همان راز آزادی از منظر اسلام است که مفهومی اصیل و عمیق دارد و با آزادی‌هایی که امروز به صورت شعار و ادعا و هوس درآمده، به کلی متفاوت است. آزادی اسلامی، حقیقتی زیربنایی و فطری و طبیعی و معنوی است و تا چنان آزادی اصیل تحقق نیابد، آزادی‌های روینایی و ظاهری توخالی، نه تنها آزادی نیست؛ بلکه بردگی و بندگی و بیچارگی است... اسلام قبل از هر چیز روح و اندیشه انسان را به صورت یک قانون زیربنایی آزاد می‌سازد. و برای آن که انسان بتواند در مسیر نامتناهی تکامل پیش رود، موانعی را که در برابر پرواز آزاد او قرار می‌گیرد، از بین می‌برد.

مقام معظم رهبری نیز با اشاره به آیه ۱۵۷ سوره اعراف مفهوم آزادی را از دیدگاه قرآن به روشنی تبیین کرده، می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (ترجمه: همان کسانی که از این رسول و پیامبر

«ناخوانده درس» که او را نزد خود [با همه نشانه‌ها و اوصافش] در تورات و انجیل نگاشته می‌یابند، پیروی می‌کنند؛ پیامبری که آنان را به کارهای شایسته فرمان می‌دهد، و از اعمال زشت باز می‌دارد، و پاکیزه‌ها را بر آنان حلال می‌نماید، و ناپاک‌ها را بر آنان حرام می‌کند، و بارهای تکالیف سنگین و زنجیرها [ی جهل، بی‌خبری و بدعت را] که بر دوش عقل و جان آنان است برمی‌دارد) (أعراف: ۱۵۷)؛ واضح‌ترین آیه در قرآن برای آزادی است. (حسینی خامنه، ۱۳۹۱/۰۸/۲۳) آنگاه در تشریح آیه، منظور از «إصر» را آن چیزهایی می‌داند که انسان را به زمین می‌چسباند و مانند غل و زنجیر عمل می‌کند و مانع پروازش می‌شود؛ بنابراین پیغمبر آمده است این غل و زنجیر را بردارد. و این‌که قبل از عبارت «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»، عبارت «وَيَحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحْرَمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ» آمده است را دلیل بر وجود محدودیت و ممنوعیت در کنار آزادی تلقی می‌کند.

پس منظور از آزادی در اندیشه ایشان «آزادی‌های مشروع است». (حسینی خامنه، ۱۳۹۸/۰۴/۰۵) و «نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود». (حسینی خامنه، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) چرا که «طبیعت آزادی این است که اگر قانون و چهارچوب وجود نداشته باشد، از حد تجاوز خواهد کرد، به تعدی و به ولنگاری و به جاهای بدی خواهد انجامید» (حسینی خامنه، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷). و این وجه تمایز اندیشه اسلامی و اندیشه غربی در تعریف آزادی است.

در اندیشه لیبرالیستی غرب، آزادی منشأ اومانیستی دارد و انسان به عنوان محور هستی، از حق اختیار و آزادی بی‌حصر و حد برخوردار است و به عنوان صاحب‌اختیار عالم وجود می‌تواند دست به هر کاری بزند؛ در حالی که در اسلام مبنای اصلی آزادی انسان، توحید است؛ یعنی آدمی از همه قیود غیر از بندگی خداوند آزاد است. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «یک فاصله عمیقی بین نگاه و نگرش اسلام و نگاه و نگرش غرب وجود دارد... ملاک و معیار آزادی در آنجا بحث انسان‌سالاری است، در اینجا بحث خداسالاری است، عبودیت خداست، توحید الهی است» (حسینی خامنه، ۱۳۹۱/۰۸/۲۳).

بنابراین هر فرد یا اندیشه‌ای که از «آزادی» سخن می‌گوید و یا پرسشی را در مورد آن مطرح می‌کند، ابتدا باید منظور خود را از این «کلیدواژه» به طور دقیق مشخص کند. مفهوم آزادی که در اغتشاشات ۱۴۰۱ مطرح شد، نمادی بی‌محتوا از تفکر مدرنیته؛ و شعاری دگرگون شده از حقیقت آزادی بود. آزادی در تمام تمدن‌ها، با هر نگاهی؛ تعریف و چارچوبی مشخص دارد، اما در این فتنه و آشوب هیچ تعریف و چارچوبی از آزادی که سر می‌دادند، ارائه نشد. می‌توان گفت چیزی که بر زبان آنان جاری شد پوستین وارونه‌ای بود که غرب و مزدوران منطقه‌ای آن در خاورمیانه از آزادی عرضه می‌کنند و چیزی جز وابستگی، ویرانی، اسارت حیوانی و سلطه بیگانه به همراه نداشته و ندارد.

آنچه روشن است سر دادن این شعار از جانب کسانی کلید خورد که در سر، هیمنه و سلطه غرب را می‌پروراندند و تصورشان از آزادی زن همان چیزی بود که دنیای غرب داعیه‌دار آن است. دنیایی که تا چند دهه قبل، زن در آن از هیچ یک از حقوقی که یک انسان در یک جامعه متمدن دارد، برخوردار نبود. حق رأی و حق مالکیت و حق معامله نداشت و کاملاً در سیطره مرد بود. آنگاه برای جبران این ستم که بر زن روا داشته بودند و عقب ماندگی که به او تحمیل کرده بودند، جنجالی دروغین برپا کرده و شعار برابری زن و مرد را سر دادند و آزادی و حقوق زنان را مطرح کردند. و به تعبیر امام خامنه‌ای، «در حقیقت، نهضت دفاع از زنان در غرب، یک حرکت دستپاچه، یک حرکت بی‌منطق، یک حرکت مبتنی بر جهالت، بدون تکیه به سنت‌های الهی و بدون تکیه به فطرت و طینت زن و مرد بود که در نهایت به ضرر همه تمام شد؛ هم به ضرر زنان، هم به ضرر مردان، و بیشتر به ضرر زنان» (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

بنابراین آنچه را که غرب برای زنان به ارمغان آورده است؛ غوطه ور شدن در فساد و تباهی است و به تعبیر مقام معظم رهبری: «یعنی آزادی از قید و بندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزادی از حتی قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آنجایی که هدف شهوانی زودگذری در مقابل قرار گیرد نه آزادی به معنای صحیح آن». (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰) و این تلقی نادرست باعث شد که به عنوان خدمت به زن بزرگترین ضربه را به زندگی او وارد آورند و با اشاعه فساد و فحشا و با آزادی بی‌قید و شرط معاشرت زن و مرد، بنیان خانواده را متلاشی کنند.

حال آن‌که آزادی زن در گرو عفت اوست و اگر می‌خواهد به تعالی برسد و شخصیت او تکریم شود باید خود را از غل و زنجیر بی‌بند و باری نجات دهد تا ابزاری برای هوسرانی مردان زیاده‌خواه نباشد. و به تعبیر استاد مطهری؛ زن به الهام فطری دریافته است که برای حفظ عزت و احترام خود، نباید خویش را رایگان در اختیار مرد قرار دهد. (مطهری، ۱۳۹۴، ج ۱۹: ۲۰۱) بنابراین به تعبیر مقام رهبری «هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می‌گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد» (حسینی خامنه، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰). شرایط جامعه نیز، هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ اخلاقی، باید به گونه‌ای باشد که حرمت و کرامت زن حفظ شود و با کسانی که تعدی به زن را روا می‌دارند؛ برخورد جدی صورت گیرد.

یکی از راه‌های مراقبت از عفت و حرمت زنان، رعایت پوشش و حجاب است که شرع مقدس اسلام آن را واجب کرده است. البته رعایت حجاب و عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان هم باید عقیف باشند. ولی از آنجا که برخی مردان به خاطر قدرت جسمانی احساس برتری کرده، تصور می‌کنند می‌توانند به زن ظلم نموده و هر زمان که خواستند از او کامجویی کنند، روی عفت و حجاب زن بیشتر تأکید شده است.

اگر دنیای غرب به بهانه آزادی، عفت و پاکدامنی را از زنان خود نمی‌گرفت، تا این حد به

انحطاط اخلاقی دچار نشده و بنیان خانواده از هم متلاشی نمی‌شد؛ و این بزرگترین اشتباهی بود که در حق زن مرتکب شد. به تعبیر مقام معظم رهبری «دنیای استکباری سرشار از جاهلیت، در اشتباه است که خیال می‌کند ارزش و اعتبار زن به این است که خود را در چشم مردان آرایش کند تا چشم‌های هرزه به او نگاه کنند و از او تمتع گیرند و او را تحسین نمایند. بساط آن چیزی که امروز به عنوان «آزادی زن» در دنیا و از سوی فرهنگ منحط غربی پهن شده‌است، بر پایه این است که زن را در معرض دید مرد قرار دهند تا از او تمتعات جنسی ببرند». (حسینی خامنه، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵)

بنابراین مسأله حجاب نه تنها یک واجب شرعی است؛ بلکه یک مسأله ارزشی است که زن را در برابر لغزشگاه‌ها محافظت می‌کند و به او کمک می‌کند تا به جایگاه حقیقی خود برسد. پس کسانی که با شعار (زن، زندگی، آزادی) زنان را به خیابان کشانده و آنان را تشویق به کشف حجاب کردند، دست به خیانتی چند جانبه زدند. حکم صریح مقام معظم رهبری در مورد کشف حجاب آن است که: «هم حرام شرعی است، هم حرام سیاسی». (حسینی خامنه، ۱۴۰۲/۰۱/۱۵) حرام سیاسی یعنی؛ نافرمانی نسبت به «ارزش‌های اجتماعی اسلام»؛ «تشبه به کفار و دشمنان دین» در سبک زندگی؛ امیدوار کردن دشمنان در مورد تأثیرگذار بودن جنگ نرم و تهاجم فرهنگی علیه جامعه اسلامی؛ و «رها کردن ولایت حق» و پیوستن به ولایت باطل. بنابراین «حرام سیاسی» ترکیبی از چندین حرام و گناه کبیره دیگر است.

۵. نتیجه

تحلیل و بررسی شعار (زن، زندگی، آزادی) که در فتنه ۱۴۰۱ سر داده شد، ثابت می‌کند که این شعار ایدئولوژی مستحکمی نداشته و بیشتر نمادی از تفکر مدرنیته وابسته به امپریالیسم جهانی است که به تعبیر مقام معظم رهبری به صورت یک جنگ ترکیبی طراحی و اجرا شد. جنگی که آمریکا، اسرائیل، بعضی از قدرت‌های اروپایی و گروه‌ها و گروهک‌ها، همه امکاناتشان را وارد میدان کردند تا بتوانند بر ملت ایران فائق بیایند و برای رسیدن به این هدف زن را نشانه گرفته و به بهانه دفاع از جایگاه و حقوق او هر آنچه از شرارت می‌دانستند به کار بردند.

واکاوی اندیشه‌های مقام معظم رهبری نشان می‌دهد؛ زن و مرد از یک جوهر و حقیقت هستند و از لحاظ ارزش‌های الهی و انسانی با هم برابرند. بنابراین زن باید از تمامی حقوق بشری که لازمه رسیدن او به کمال و تعالی است برخوردار باشد؛ و اگر در دین اسلام، تفاوت‌ها و محدودیت‌هایی برای زن و مرد مطرح شده، بر اساس حکمت خداوند؛ و مصلحت و نیازها؛ و ویژگی‌های خلقی و خَلقی آنهاست. پس اگر زن بر اساس الگوهای اسلامی تربیت شود می‌تواند به عنوان عضوی اثرگذار در خانه و جامعه حاضر شده و در کنار تلاش برای رسیدن به کمالات و فضایل معنوی، علمی و اخلاقی؛ در عرصه تربیت فرزندان و اعتبار بخشیدن به کانون خانواده به موفقیت نائل شود. بنابراین دیدگاه ایشان در موضوع زن این است که اسلام زن را در مقام مادر و

همسر تکریم کرده و نقش بنیادین وی را در خانواده تعریف کرده است؛ و این امر منافاتی با حضور در جامعه و نقش آفرینی وی در مسائل و فعالیت‌های اجتماعی ندارد.

معظم له از زندگی مطلوب و مورد نظر اسلام، با عنوان «حیات طیبه» یاد کرده و آن را آن‌گونه زیستنی می‌داند که بشر برای رسیدن به سعادت بدان نیاز دارد؛ و نشانه این زندگی را برخورداری از آرامش، عزت و دوری از اضطرابات روحی برمی‌شمارد که هم حق مردان است و هم حق زنان؛ و رسیدن به آن، تنها در محیط امن خانواده فراهم می‌شود. بنابراین برای اسلام، زن بودن و مرد بودن مطرح نیست؛ اخلاق؛ تعالی بشری؛ و بروز استعدادها مطرح است.

امام خامنه‌ای معتقد است برای دست یافتن به چنین سبک زندگی که در حقیقت نقشی اساسی در بنای تمدن نوین اسلامی دارد، باید به شدت از تقلید پرهیز کرد و با رویکردی خردمحورانه و مبتنی بر اندیشه و تدبیر، مسائل مربوط به زندگی و حقوق زن را مورد واکاوی قرار داد و هرکجا که برای ظلم به زن زمینه‌ای فراهم است، با اصلاح قوانین از بروز آن جلوگیری کرده و با خاطیان برخورد جدی صورت گیرد. بنابراین تمامی دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادها و همه کسانی که در این زمینه مسئولیتی دارند باید دست به‌کار شده و بررسی کنند که زن به جهت زن بودن، چه تکالیفی دارد و برای برخورداری از حقوق اجتماعی و انسانی به چه قوانینی نیاز هست؛ تا شرایط لازم را برای او، جهت تحمل آن تکالیف و بهره‌مندی از حقوق خویش، فراهم آورند. که اگر چنین شود انقلاب اسلامی به اهداف خود که عبارت است از حاکمیت دین خدا، آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، ریشه‌کنی جهل و فقر؛ نزدیک شده است.

و در پایان، کسانی که به بهانه دفاع از حقوق زن و آزادی او، نسخه‌ای را که دنیای غرب برای فروپاشی خانواده و نابودی عفت و پاکدامنی غرب فراهم آورده؛ تجویز می‌کنند و با استفاده از زبان هنر و بیان؛ و با به‌کارگیری زر و زور و تزویر، می‌خواهند ایمان مردم را مورد تهاجم قرار بدهند و در فرهنگ اسلامی و انقلابی مردم رخنه ایجاد کنند، بدانند تقلید از غرب جز ضرر و فاجعه به بار نمی‌آورد و این نسخه، مدت‌هاست که باطل شده است و آنان با به راه‌انداختن آشوب و فتنه هیچ‌گاه به اهداف خود نمی‌رسند و خوابشان تعبیر نخواهد شد.

منابع

قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، تهران: نشر چشمه.
نهج البلاغه (۱۳۸۸). گردآورنده: سید رضی، ترجمه: محمد دشتی، تهران: انتشارات پیام عدالت.

احمدی نیک، سید مهدی و یوسف‌وند، حبیب (۱۳۹۷). حقوق زنان و آزادی‌های فردی (با تأکید بر پوشش و آثار اجتماعی آن)، مجموعه مقالات کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی.

برلین، آیزایا (۱۳۶۸). چهار مقاله در باره آزادی، ترجمه: محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). فلسفه حقوق بشر. قم: اسراء.
حسین نژاد، یوسف و اسماعیل پور، سیده معصومه (۱۳۹۶). زن در اندیشه اسلامی، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال پنجم، شماره ۸، صص ۱۸۶ - ۱۷۱
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۷۱/۰۹/۲۵). بیانات در دیدار جمعی از زنان
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2645>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۷۶/۰۷/۳۰). بیانات در دیدار جمعی از زنان
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۸۴/۰۵/۰۵). بیانات در دیدار جمعی از مداحان.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3298>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۱/۰۸/۲۳). بیانات در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21471>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۳/۰۱/۳۰). بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26155>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۴/۰۶/۲۵). بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۷/۰۳/۰۷). دیدار جمعی از دانشجویان.
<https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=2&year=1397>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۷/۰۵/۲۸). بیانات به وقت انتصاب حجت‌الاسلام محمد قمی به ریاست سازمان تبلیغات اسلامی. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=40291>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران.
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۸/۰۱/۰۱). بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42061>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۸/۰۲/۱۱). بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42410>
حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۸/۰۳/۰۸). بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42700>

حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۸/۰۴/۰۵). بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42925>

حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۹/۰۶/۱۱). بیانات در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46388>

حسینی خامنه، سیدعلی (۱۴۰۱/۰۸/۱۱). بیانات در دیدار دانش‌آموزان.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51259>

حسینی خامنه، سیدعلی (۱۴۰۲/۰۱/۱۵). بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52389>

راجی، سیدمحمد حسین (۱۴۰۱). «زن، زندگی، آزادی»، قم: معارف.
زنگی‌آبادی، فاطمه (۱۴۰۱). «زن، زندگی، آزادی»، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی.

صادقی، علی و عنایت‌زاده، مهدی (۱۴۰۰). تبیین حقیقت جایگاه زن در اسلام براساس متن دین و اندیشمندان تراز اسلامی، فصلنامه دین و قانون، شماره ۳۱، صص ۱۱۵ - ۱۰۱
طاهرخانی، فاطمه (۱۴۰۱/۱۲/۰۸). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نشست هفتم از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی، جایگاه زنان در چهار دهه انقلاب اسلامی (بررسی و نقد شعار زن، زندگی، آزادی).

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/23604>

طاهری‌کیا، حامد (۱۴۰۱). رخداد زن، زندگی، آزادی و نبرد بر سر تسخیر فضا، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱۸، شماره ۴، صص ۱۰۰ - ۶۵
فاتحی دهاقانی، ابوالقاسم، (۱۴۰۱/۱۰/۱۱). رسانه تحلیلی دانشگاه علامه طباطبایی.

<https://atna.ac.ir/fa/news/304520>

قاسم‌پور، فاطمه (۱۴۰۱/۱۲/۰۸). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نشست هفتم از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی، جایگاه زنان در چهار دهه انقلاب اسلامی (بررسی و نقد شعار زن، زندگی، آزادی). <https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/23604>

الکلینی الرازی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
گلی، علی (۱۳۹۰). زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۶۵ - ۱۴۳

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

محسنی مری، قاسم و عباسی، سلیمان (۱۴۰۲). مفهوم‌شناسی آزادی و عدالت اجتماعی و

هم‌پیوندی آن در گفتمان نهج البلاغه، فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۲۱-۱

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). پرسش‌ها و پاسخ‌ها، جلد پنجم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). مجموعه آثار شهید مطهری (نظام حقوق زن در اسلام)، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). یادداشت‌های استاد مطهری، تهران: صدرا.
مظاهری کوهانستانی، رسول و حیدریان دولت‌آبادی، محمدجواد (۱۳۹۸). مطالعات کاربردی تحولات فقهی شیعه در دوران معاصر در باره حقوق و آزادی‌های زنان، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال ۷، شماره ۱۵، صص ۵۸-۳۳

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷). ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

میرخلیلی، سید احمد و محمدی، عبدالقادر (۱۳۹۶). مبانی نظری حق آزادی زنان از دیدگاه امام خمینی، پژوهشنامه متین، سال نوزدهم، شماره ۷۶، صص ۱۴۳-۱۱۹

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۶۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام لاحیاء التراث.

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۸). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مبانی کلی نظام، جلد ۱، تهران: میزان